

بِقَدْرِ اللَّهِ

عَلَيْكُمْ  
رَبِّكُمْ هُوَ رَبِّي

بِزُكْرِ  
رَأْسِ عَصَا

السَّيِّدَةِ الْعَلِيَّةِ

عَلِي تَقِي پور

# بازگشت به سوی امام عصر علیہ السلام

علی تقی پور



نشر جازق

# السلام عليك يا ابا صالح المهدي



نشر حاذق

## بازگشت به سوی امام عصر عليه السلام

مؤلف: علی تقی پور

ناشر: نشر حاذق

نوبت چاپ: اول

تاریخ انتشار: بهمن ماه ۱۳۸۵

چاپ: کوثر

شمارگان: ۵۰۰۰ جلد

تعداد صفحات: ۱۷۶ صفحه رقی

مرکز نشر و پخش: قم - خیابان ارم مؤسسه فرهنگی نشر حاذق

☎ ۰۲۵۱ - ۷۷۴۲۵۴۲ ☎ ۰۲۵۱ - ۷۷۴۲۵۴۴ ☎ ۰۲۵۱ - ۷۷۴۲۵۴۲

☎ ۰۹۱۲۲۵۱۸۷۷۵ ☎ ۰۹۱۲۲۵۲۵۲۷۵

Email: hazegh@ketabegom.com

شابک: ۹۶۴ - ۵۹۷۰ - ۱۶ - ۴ ISBN: 964 - 5970 - 16 - 4

مشهد - خیابان خسروی نو - کوچه سرشور - نبش سرشور ۸

کتابفروشی طالبیان «مرکز پخش شماره ۲» ☎ ۰۲۲۵۷۲۵۷ - ۰۵۱۱

۱۰۰۰ تومان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## بیت‌الاحزان

### پیش‌گفتار

خدایا، روزهای گزرد و مادر امتداد عبور از دقایق زودگذر زمان، در جستجوی راهی برای رسیدن به قرب و سرمنزل مقصود هستیم، که همانا امام زمان ارواحنا فداء است.

و دریافتیم که یکی از رمزهای موفقیت انسان چه در امور مادی و مسائل روزمره و چه در فضایل اخلاقی و مراحل سخت عالم برزخ و قیامت، شناخت و ارتباط قلبی با امام زمان ارواحنا فداء است.

اینک برآنیم تا حرکت قلم‌هایمان را که نشأت گرفته از وجود و افکارمان است به سوی معرفت امام علیه السلام که همانا معرفت خداوند است سوق دهیم تا با آگاهی از معرفت نورانی امام عصر علیه السلام و با یقینی شوق‌انگیز قدم‌هایمان را در مسیری بگذاریم که ما را یارای دیدن حقیقت و آشتی با آن وجود گرامی حاصل گردد. چرا که اگر هر کس خالصانه و صادقانه بر آستان ملکوتی امام خویش جبین گذارد، بی‌شک در دو جهان به فوز عظیم دست یافته است.

ما به روش تمامی انبیا که رؤسای گدایان آل محمد علیهم السلام هستیم، دست نیاز و استغاثه به سوی ولی حق دراز نموده و با یاد «یا صاحب

الزمان « قدم در شاه راه هدایت می گذاریم؛ تا هجرتی را از دل به  
سوی آن امام همام آغاز کنیم همان گونه که در قرآن آمده است:

﴿ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ ﴾<sup>(۱)</sup>

(حق تعالی) کسانی را که به سوی ایشان هجرت می کنند دوست

می دارد.

بازگشت به سوی امام عصر علیه السلام

# فصل اول

**آثار یاد امام زمان علیه السلام**

**و ارتباط و توجه قلبی به آن حضرت**

## بررسی فضایل و برکات نام مبارک صاحب‌الزمان علیه السلام

### در درون مؤمن و در جامعه

به حول و قوه الهی در صدد هستیم طبق آیه شریفه: ﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكاً وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى﴾<sup>(۱)</sup>

هر کسی از یاد من دوری کند همانا معیشتش را در تنگنا قرار می‌دهیم و روز قیامت او را نابینا محسور می‌کنیم، مزایا و تأثیرات ذکر حق تعالی و عواقب و غفلت از این یاد گرامی را عرضه بداریم، زیرا این یاد و ذکر حق تعالی طبق تفسیر این آیه از لسان معصوم علیه السلام مربوط به خاندان وحی است و فرمودند که همانا غفلت از یاد ما اهل بیت است که موجب تنگی در معیشت (باعث بدبختی و بیچارگی) می‌گردد.

و امروز این ذکر و یاد در امام عصر علیه السلام جمع شده است که فرموده‌اند: «ما ذکر الله اکبر هستیم»<sup>(۲)</sup>؛ و نزد حق تعالی هیچ نامی بزرگ‌تر، عزیزتر، نورانی‌تر و شریف‌تر از این نام در کائنات وجود ندارد.

ما باید یقین پیدا کنیم که وجودمان در انجام وظیفه و بندگی در دنیا، تلاش در راه معرفت و نزدیکی و ارتباط قلبی با ایشان است و باید باور داشته باشیم که سؤال و جواب و ثواب و عقاب در ارتباط با امام هر زمان است و باید دانست که هیچ جوابی برای رهایی از عذاب الهی در مقابل سستی و کاهلی در امر معرفت و محبت امام



زمان ارواحن‌فداه پذیرفتنی نیست.

یکی از گناهان نابخشودنی در دنیا و آخرت که مستحق عذاب شدید است، کفران نعمت است و از آن‌جا که هیچ نعمتی بالاتر از وجود الهی امام زمان علیه السلام نیست و طبق فرمایش امام رضا علیه السلام: «عقوبت کفران نعمت، از همه گناهان سریع‌تر دامنگیر شخص می‌گردد» اگر نعمت وجود امام زمان علیه السلام را تکفیر کنیم باید منتظر عقوبت سریع آن باشیم.

یکی از آثار کفران نعمت ولایت این است که انسان صبح تا شب در تلاشی خستگی‌ناپذیر در تهیه رزق و روزی همت می‌گمارد و برای کسب و تجارت و منافع دنیوی خویش صدها راهکار و شیوه‌های تبلیغاتی و نطق‌های ماهرانه‌ای را ارائه می‌دهد ولی در مورد تجارت واقعی که همه مردم به خاطر آن آفریده شده‌اند، حاضر نیست در شبانه‌روز حتی دقایقی را صرف ارتباط قلبی با امام زمان خویش نمایند.

حال آن‌که حداقل عملی را که می‌توانیم در برابر حق تعالی انجام بدهیم که کم‌ترین وقت و زحمت و هزینه را داشته باشد و از طرفی تأثیر فراوانی در وجود ما و جامعه از خود باقی بگذارد، همانا مداومت و توجه بر کلمه مبارکه «یا صاحب الزمان» است.

به خداوند قسم اگر این ذکر شریف با توجه قلبی از زبان جاری گردد، بهترین و سریع‌ترین وسیله برای حرکت به سوی ساحت مقدس امام زمان ارواحن‌فداه است و این هم چون یک سیم ارتباط است بین قلب امام زمان صلوات الله علیه بادل گوینده؛ و این‌ندا اگر از دل برآید تمامی ملائک آسمان‌ها متوجه گوینده می‌شوند، زیرا برترین اسم از اسماء الله است و ملائکه با اسماء الهی آشنا هستند. در روایتی از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام آمده است:

وَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَتَذَكَّرُ فَضْلِي وَذَلِكَ تَسْبِيحُهَا عِنْدَ اللَّهِ (۱)

فرشتگان ذکر فضایل ما می‌کنند و این نزد خدا تسبیح آنها به حساب می‌آید.

و از همه مهم‌تر هر کسی امام خود را به طور مستمر ندا دهد، چون آن امام «أذن الله» است و در هر جای عالم که تشریف داشته باشد می‌شنود، نگاه رضایت‌بخش و توجه پر مهر ولایت را به سوی گوینده جلب می‌کند؛ و ما و تمامی اهل سماوات مهم‌تر و زیباتر از ذکر «یا صاحب الزمان» سراغ نداریم.

ما کسی را صدا می‌زنیم که حق تعالی مُلک و ملکوت را به خاطر وجود آن حضرت و اجداد طاهرین‌اش آفریده است و در حدیث شریف «کساء» به آن اشاره شده است. و هیچ ذکر و تسبیحی از باری تعالی، از صلوات و ذکر مقدّس «یا صاحب الزمان» خوش‌تر نیست. قرآن در مقابل این عمل شریف می‌فرماید:

﴿هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا﴾ (۲)

آن پروردگاری که رحمت فرستد بر شما و فرشتگان هم طلب رحمت می‌کنند، تا از تاریکی‌ها به سوی نور کشیده شوید که خداوند به مؤمنان دلسوز و رئوف است.

با ندا دادن این «اسم الله» در حقیقت خدای بزرگ را صدا زده‌ایم زیرا همه صفات‌های عالیّه و کمالات و انوار مقدّس حضرت حق در این شخص شریف و گرامی، یعنی وجود مقدّس امام رئوف



حضرت مهدی ارواحنا فداء به ظهور رسیده است .

طبق همین آیه شریفه از ظلمت جهل و نفس به سوی نور امام عصر علیه السلام حرکت می‌کنیم و با یکی از اذکار مهم موجودات آسمانی که بالاتر و شریف‌تر و عظیم‌تر از آن وجود ندارد، از خدای متعال مدد می‌جوییم .

تمام کارهای خداوند متعال اعم از افعال و صفات و کمالات که غیر از ذات مقدس باری تعالی می‌باشد در امام زمان علیه السلام هویدا گشته و اوست که امر الله، جنب الله و یدالله است .

ما بینایی نداریم که ملکوت آسمان‌ها را ببینیم، اما بدانیم که محوریت کل کائنات بر این اسم اعظم الهی یعنی صاحب الزمان علیه السلام استوار و در گردش است .

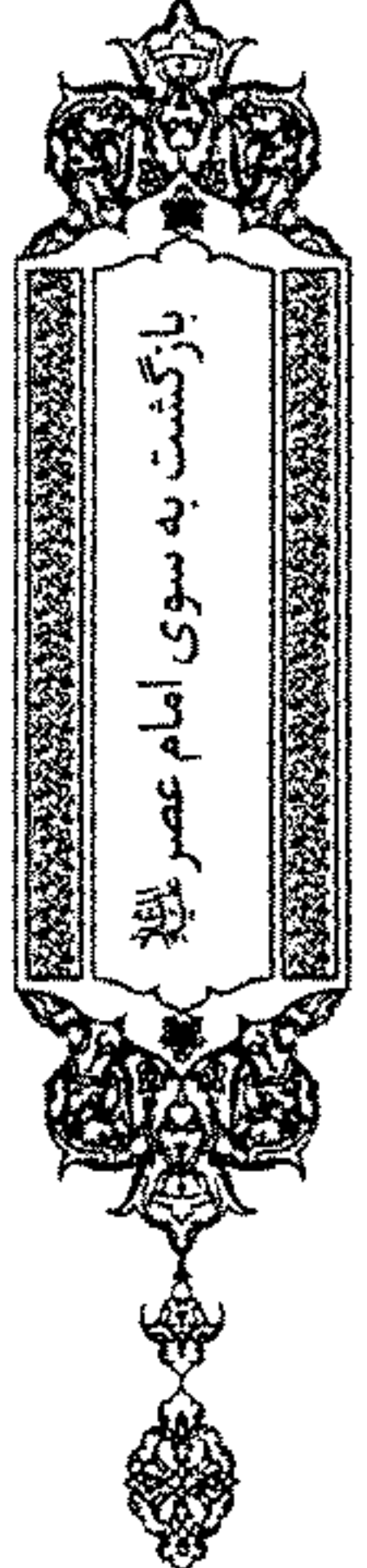
متأسفانه پشت پرده را به ما نشان نمی‌دهند تا ببینیم این یگانه پادشاه هستی چه فرمانروایی و سلطنتی را داراست؛ و ما به سادگی و رایگان و بدون زحمت به چه کسی متوسل می‌شویم و حیف که نمی‌بینیم تمامی موجودات، امام یگانه خود را مدح و ثنا و تقدیس نموده و صدا می‌زنند .

در قرآن چنین آمده است :

﴿وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ﴾<sup>(۱)</sup>

همه موجودات به تسبیح حق تعالی مشغولند ولی شما تسبیح آن‌ها را درک نکرده و نمی‌فهمید .

مؤثرترین عامل توجه مردم به امام زمان ارواحنا فداء مداومت



۱. سوره اسراء، آیه ۴۴.

صادقانه بر این اسم اعظم الهی است که بیشتر و باحلاوت‌تر و آسان‌تر و گران‌بهاتر از این عمل، عبادتی نداریم؛ و هیچ ذکر و تسبیحی بهتر از این نداریم که وجود مؤمن را مملو از عطر مولایش گرداند، چون امروز «ذکر الله الأكبر» کسی جز ایشان نیست و همه بوهای متعفن معصیت و رذایل اخلاقی به خاطر این عطر الهی محو و نابود می‌گردد.

پس توجه کن که چه کسی را مورد خطاب قرار می‌دهی و صدا می‌زنی. متأسفانه یاد این بزرگوار برای ما بی‌اهمیت شده است و گرنه چشم همه موجودات عالم به عنایت و فیض بخشی این امام همام دوخته شده است و تنها این شخصیت با این عظمت است که یاد او می‌تواند وجود سراسر آلوده و معصیت‌کار ما را متحول سازد.

هر کسی که می‌خواهد از اذیت‌های شیطان‌رهایی یابد و در امان خدا قرار گیرد و از پریشان‌حالی، اضطراب، دلهره، قرض، بی‌خانمانی، مشکلات رزق و روزی، بلاهای آسمانی، سیل، زلزله، بیماری‌های صعب‌العلاج، فقر و خواری در امان باشد و با امنیت و آسودگی و با خیالی راحت زندگی کند و همانند یک شهید در رکاب امام معصوم علیه السلام به حساب آید و پس از مرگ به خاطر مقام محبت به امام علیه السلام سؤال و جوابی نداشته باشد، می‌باید که در حصن کلمه «یا صاحب الزمان» وارد شود و به مقام نورانی آن حضرت معرفت پیدا کند؛ در این صورت سراسر وجود مؤمن به این لباس الهی پوشانیده شده و از همه حوادث دنیوی و اخروی محفوظ خواهد ماند.

چون حصنی است که هیچ خطر و بلا و شیطانی در آن راه ندارد. خداوند متعال در حدیث شریف قدسی چنین فرموده است:

وَلَايَةُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ حِصْنِي، فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ  
مِنْ عَذَابِي.

ولایت علی بن ابی طالب حصن و قلعه محکم من است؛ پس هر کس  
در حصن من وارد شود از عذاب من در امان است.

تنها راه وارد شدن در این قلعه محکم و قوی - که وارد شونده  
بدان، از همه بلاها و گرفتاری های دنیوی و اخروی مصون و  
محفوظ است - این است که از «باب الله» وارد شوی، یعنی توجه  
قلبی و مداومت بر ذکر «یا صاحب الزمان».

و اگر زبان و قلب ما واقعاً به شریف ترین اسماء الهی یعنی مولا  
صاحب الزمان، عادت نماید دیگر نمی تواند به غیبت و دروغ و...  
آلوده شود و این نور مبارکه «کلمة الله» به سراسر وجود گوینده،  
مخصوصاً قلب و فکر او نفوذ خواهد کرد. از عظمت و شأن این  
ذکر شریف نوری ایجاد می گردد که تمامی تاریکی های وجود را  
روشن می کند و باعث می شود که عقل انسان رنگ ولایت به خود  
بگیرد و آن گاه که فکر گوینده نور گرفت به سادگی راه را از بی راهه  
تشخیص می دهد و هر زشتی و پلیدی را با نور امام زمان علیه السلام  
می بیند.

این بصیرت و بینایی باعث می شود که انسان به هیچ پلیدی و  
آلودگی نزدیک نشود و آن گاه خانه دل «حرم الله» می شود یعنی  
جایگاه امام زمان ارواحنا فداء؛ در این صورت از شربت گوارای قرب  
إلی الله به انسان می چشانند تا همیشه حیران یک چیز گردد و تا ابد  
حزن و اندوه و سرگردانی از او دور گردد و نه خوفی او را دربر  
می گیرد و نه حزنی بر او مستولی می شود؛ چرا که در حرم الله یک  
چیز بیشتر نیست و آن محبت آل الله است که همانا محبت

بازگشت به سوی امام عصر علیه السلام

خداست؛ و دل محلّ آشیانهٔ امام زمان صلوات الله علیه نمی شود مگر به شناخت و خضوع در مقابل فضایل نورانی آل محمد علیهم السلام.

از برکت یاد مولا صاحب الزمان، اعمال انسان تحت الشعاع ولایت قرار می گیرد و آن جاست که انسان، مؤمن می شود زیرا فرموده اند:

مؤمن نمی شوید مگر این که به ما معرفت پیدا کنید. <sup>(۱)</sup>

یک جهت شناخت این است که بدانی از همهٔ واجبات مهم تر یاد امام علیه السلام است و ذکر ایشان است که ما را به قلّهٔ سعادت در دنیا می رساند و یاد این عزیز در دل باعث نجات می شود، چه در امور مادی و معنوی و چه در عقبه ها و گردنه های وحشتناک قیامت.

متأسفانه نمی دانیم چه نعمت عظمی و چه عنایت خاصه ای شامل ما و شما گشته است که ما را به ذکر و یاد این امام متوجه ساخته اند و ما را آگاه نموده اند که رمز دستیابی به اسم اعظم الهی و کلید هر قفل بسته ای، ذکر «یا صاحب الزمان» از روی معرفت است. ما باید بدانیم که امروز تنها یک اراده و یک دست در جهان کار می کند و همهٔ حرکات و گردش عالم از شعاع وجود و اذن امام عصر علیه السلام می باشد که با ذکر عظیم ترین اسم الهی انجام می گیرد و آن نیست جز «ارادة الله» و «ید الله».

فرموده اند که معرفت نورانیت، یعنی اعتقاد پیدا کردن به این نوع مطالب و معارف و معترف بودن به مقامات اولیّهٔ امام زمان ارواحنا فداء و ما باید همّت گماریم که تمامی افکار و تلاش خود را در جهت نزدیکی و آشتی قلب خود با امام زمان علیه السلام قرار دهیم و هر فعل و عملی را بدون یاد و ذکر ایشان بی ثمر و ناقص بدانیم.

ما اگر به سفر حج می‌رویم برای این است که بعد از این مراسم الهی رنگ و خوی بندگی بگیریم ولی متأسفانه بعد از مدتی همه چیز فراموش می‌شود و غرق در دنیا و هواهای نفسانی می‌شویم. و بعضی از عبادات مثل نماز با حضور قلب و روزه با شرایط و اعمال خیر و صالحه و... را مقطعی و گذرا انجام می‌دهیم و تداوم ندارد؛ و علت عمده این سهل‌انگاری این است که اگر اعمال دینی را به منزله خانه‌ای در نظر بگیریم، اطاعت از فرمان‌های الهی در حکم سقف برای آن خانه است، اما پایه و ستون خانه است که نقش اساسی و مهم در استحکام آن دارد؛ طبق روایات متواتر، پایه‌های اساسی شریعت ما معرفت و محبت است که در یاد دائمی امام معصوم علیه السلام هر زمانی خلاصه می‌گردد؛ امام حسین علیه السلام فرموده‌اند:

معرفت به امام هر زمانی، معرفت به خداست. (۱)

و چون بدون استمداد و یاد این امام بزرگوار به اعمال واجب و مستحب وارد می‌شویم اثری از ترقی و پیشرفت به سوی خدای تعالی را در خود نمی‌بینیم. تنها استغاثه و یاد امام زمان علیه السلام است که هر عملی را به بهترین وجه و کامل‌ترین صورت و با اخلاص تمام به انجام می‌رساند؛ چون شیطان در وادی امام زمان علیه السلام راه ندارد. امیدواریم که حق تعالی به خاطر این وجود گرامی بر ما منت گذارد تا این مطالب و مقامات اولیة امام علیه السلام را درک و به آن اعتقاد پیدا کنیم و روح جوانمردی به ما عطا نمایند تا به سوی وادی نور ولایت حرکت کنیم، زیرا تمامی همت شیطان و لشکریانش بر این است که خواب غفلت و نادانی را بر ما مسلط کنند و نگذارند حقیقت این اسم شریف و فضیلت این مقام را بشناسیم.

تنها کسانی می‌توانند نجات پیدا کنند که عاجزانه و مصرّانه به امامان مطهّر متوسّل شوند تا از هلاکت نفس در دنیا نجات پیدا کنند.

و ای عزیز بدان که همه منفعت یاد امام عصر علیه السلام برای وجود ماست و خدا نکند شیطان بر قلبمان القا کند که این نوع طرز تفکر افراط در دین است.

طبق آیه شریفه نقل می‌نماییم که ما جز برای عبادت خلق نشده‌ایم و هر عمل خیری که بابت کسب رضایت حق تعالی باشد، اعمّ از کاسبی و زحمت کشیدن در راه به دست آوردن رزق، حتی خوردن و خوابیدن، همه این اعمال عبادت محسوب می‌شود و برای عبادت حدّی قائل نشده‌اند. در زیارت آل یاسین می‌خوانیم: سلام بر شما در صبح و شام و در هر حال، در رکوع و سجود در سراسر روز و تمام شب تا و...؛ یعنی این ارتباط قلبی و توجه به ولیّ حق هیچ‌گاه نباید قطع گردد؛ درست است که ما نمی‌توانیم این‌طور باشیم اما حق همین است.

اگر در راه عبادت کوشا باشیم افراط نیست بلکه در نهایت تفریط هستیم؛ ما برای خوش‌گذارنی‌های خود حاضریم که همه وقت خود را به لهو و لعب، محرّمات، ماهواره، تلویزیون و غیره اختصاص دهیم، آیا این افراط نیست؟ در کاسبی‌های خویش به حلال و حرام و... متوسّل می‌شویم و برای ارضای نفس و تجملات زندگی حاضریم خرج‌های زائد، اسراف و تبذیر انجام دهیم، این‌ها افراط نیست؟ و خیلی از مسائل شخصی که هر کسی در محکمه وجدان خویش بر آن‌ها کاملاً آگاهی دارد.

اگر جرأت کنیم و بگوییم که هدف از خلقت ما یاد امام معصوم علیه السلام است، شیطان بر قلب جهّال القا می‌کند که بگویند:





این قدر در دین نباید تندروی کرد.

به هر حال شیطان - مخصوصاً به وسیلهٔ وهابیت - در صدد خاموش کردن این ندای حقّه است و به وسیلهٔ آلات و ابزار مثل موسیقی و فیلم‌های مبتذل و برنامه‌های ماهواره‌ای می‌خواهند نام ائمهٔ اطهار علیهم‌السلام را محو کنند، اما شیعهٔ مرتضیٰ علی علیه‌السلام باید در مقابل شیاطین به جهت نشر فرهنگ مهدویت آواز ولایت را بلند سازد؛ چنان‌که دستور داده‌اند که اذان را با صدای بلند بگویند، یا این‌که از شرایط مؤمن این است که در نماز «بسم الله» را بلند بگویند؛ عظمت اذان ما به شهادت دادن به ولایت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام است و وجه تمایز مذهب تشیع با اهل تسنن به این کلام و اسم مقدّس است. به همین دلیل این کلمهٔ حقّ باید با صدای بلند بر گلدسته‌های مساجد طنین‌انداز گردد.

بازگشت به سوی امام عصر علیه‌السلام

حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرموده‌اند: که من نقطهٔ باء «بسم الله» هستم؛ یکی از معانی این روایت با عظمت این است که درک کنیم شروع توحید ولایت علی علیه‌السلام است و اگر نقطه - که ولایت است - نباشد توحید و این اسم جلاله معنی پیدا نمی‌کند و تحقق و معنی این اسم با وجود امامت ولی حق صورت می‌گیرد. در حدیثی فرموده‌اند:

بنا عبد الله ولولانا ما عرف الله (۱)

اگر ما نبودیم، خدا شناخته و عبادت نمی‌شد.

یعنی در همهٔ زمان‌ها، کل موجودات جهان - حتی انبیا - از لسان ائمهٔ اطهار به توحید و حق تعالی شناخت پیدا کرده‌اند؛ و هم‌چنین شأن و عظمت بی‌انتهای حق تعالی به وسیلهٔ عبادت و تسبیح ائمهٔ



اطهار برای جمیع موجودات نمایانگر شد.

نتیجه این که بهترین شیوه آگاه ساختن دل های دیگران به سوی فرهنگ انتظار، همانا جاری ساختن کلمه مقدس «یا صاحب الزمان» است و این عمل ریا نیست بلکه هر عملی که آشکار گردد اگر قصد و نیت درونی آن برای رضایت حق باشد مثل بلند گفتن «بسم الله» و... دیگر ریا محسوب نمی شود؛ یعنی اگر به قصد خوب جلوه دادن و مقدس نشان دادن کلمات طیبه مثل «بسم الله» و «یا بن الحسن»، آن ها را بلند بگوییم عملی حرام است؛ اما اگر قصد از انجام این عمل متوجه ساختن دیگران به ساحت مقدس امام زمان ارواحنا فداه باشد از اعظم عبادات است و هیچ عمل خیر و نیکی با این عمل عظمی برابری نمی کند که مؤمن با توجه و از سویدای قلب بگوید: «یا صاحب الزمان». و اگر به زبان جاری ساختن این کلام خیلی سخت است، می توانیم از دل و خیلی آهسته امام خویش را صدا بزنیم، زیرا مراد اولیّه آشتی، ارتباط قلبی خود شخص است با امام زمان علیه السلام. و چون إن شاء الله انتظار ظهور آقا بقیة الله را داریم و به فرمایش بزرگان دین تمامی علائم حتمی قبل از ظهور تحقق یافته است، باید هر یک از شیعیان بر خود واجب و وظیفه بدانند که بهترین و آسان ترین راه برای فراهم ساختن زمینه ظهور، متوجه کردن مردم و آشکار نمودن کلمه «یا صاحب الزمان» است.

پس برای تعجیل در امر ظهور باید این اسم شریف در جامعه پراوازه گردد؛ که فرموده اند:

من أحب شيئاً لهج لذكره<sup>(۱)</sup>

هر کس چیزی را دوست بدارد همواره نام آن را بر زبان جاری می‌سازد.

و چون چنین نمودیم کم‌کم مانند منتظران امام عصر علیه السلام می‌شویم و همه اعمال ما تحت الشعاع نور امام علیه السلام قرار می‌گیرد و در گروه صالحان و مؤمنان قرار خواهیم گرفت.

و چون اهل انتظار شدی در عرش اعلیٰ جزء منتظران ولی عصر علیه السلام مشهور می‌شوی؛ همان‌طور که در بین مردم به تو می‌گویند این شخص امام زمانی است. و وقتی به مقام اهل انتظار رسیدی حتی جناب عزرائیل و فرشتگان نیز تو را به اسم ایمانت که امام زمان علیه السلام است می‌شناسند و چون سراسر وجودت عطر ولی امر علیه السلام را گرفت نکیر و منکر هم اجازه ندارند با خشم به یک منتظر نزدیک شوند جز با احترام و تکریم و محبت.

ما الآن نمی‌توانیم عظمت و نفوذ قدرت و صلت با امام عصر علیه السلام را درک کنیم بلکه فقط تعریفی از عظمت و بزرگی و قدرت این ارتباط مشخص می‌گردد.

در حقیقت این مطالب فقط یک قطره ناچیز از یک اقیانوس بی‌کران است زیرا کسی که با این حال از دنیا برود به منزله کسی است که در رکاب امام زمان خود شهید شده است و روایات زیادی در این باره وارد شده است.

### ظهور اسماء الله

اسماء الهی جدای از ذات حق و جزء صفات و اسماء هستند و هر چیزی که جدای از حق تعالی باشد مخلوق حضرت باری تعالی است. و این مخلوق کسی جز این چهارده نور مقدس نمی‌باشد؛ در قرآن فرموده است:

## ﴿ وَ لِلّٰهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا ﴾<sup>(۱)</sup>

برای خداوند نام‌های نیک است حق تعالی را به آن نام‌ها بخوانید.

امام رضا علیه السلام از قول حضرت صادق علیه السلام می‌فرماید:

سوگند به خدا؛ ما همان اسماء حسناى خدا هستیم که او عملی را از احدی جز به شناخت ما نمی‌پذیرد.<sup>(۲)</sup>

و در زیارت ششم حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است:

### السَّلَامُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ الرَّضِيِّ<sup>(۳)</sup>

سلام بر اسم نیکوی خداوند.

امروز این اسم نیکو کسی نیست جز مولا صاحب الزمان علیه السلام که اسم ایشان و نام خداست.

امروز تجلی تمامی مقامات و مراتب اسماء الله بر امام زمان علیه السلام است، زیرا در این عصر «اسم الله الرضی» این بزرگوار است و هر حرکتی و عملی باید با نام مبارک ولی عصر علیه السلام شروع شود. همانا این کلمه طیبه باعث دفع هر بلا و رسیدن به هر موفقیت است.

برای هر عملی نوری است که اگر مداوم باشد دل را همیشه نورانی نموده و همه ظلمت‌ها و پلیدی‌ها را بیرون می‌کند و به محض این‌که از این اسم شریف و مقدس غافل شویم این نور ضعیف خواهد شد و در نهایت خاموش می‌شود و بر اثر این تاریکی قلب، حال مناجات و راز و نیاز و توفیق‌گریه و انابه از

۱. سوره اعراف، آیه ۱۸۰.

۲. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۴۲، ح ۱۱۶.

۳. مفاتیح الجنان.

دست می رود؛ و وقتی به خود می آییم و چشم هایمان را باز می کنیم می بینیم که همه هستی معنوی و صفا و نورانیت ما از بین رفته و دل ما مأوا و مسکن شیاطین شده و در آن یادی از امام زمان ارواحنا فداه وجود ندارد.

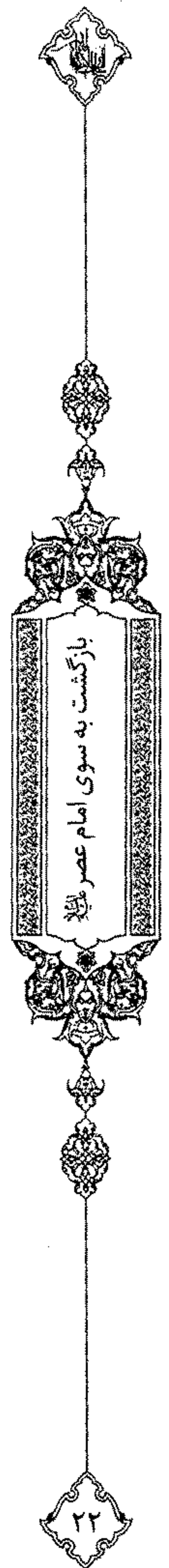
یکی از دلایلی که انسان ها و مخصوصاً جوانان گاهی شکست می خورند و گاه در مسیر مستقیم گام می نهند - مثل توفیق اعمال نماز شب، حال توجه، توبه و گریه بر مصائب امام حسین علیه السلام و ... که گاهی آن را انجام می دهند و گاهی دیگر سهل انگاری می کنند و مبتلا به وسوسه های شیطانی و پیرو هواهای نفسانی می شوند - این است که در اول راه، استمداد از امام عصر علیه السلام و توجه به آن حضرت را فراموش می کنند و به قوت و افکار و دانستنی های خویش اتکا می کنند.

برای به تکامل رسیدن و شروع سیر و سلوک که دخالتی از وسوسه های شیطان در آن نباشد باید دائماً به امام عصر علیه السلام عرضه بداریم: «یا بن الحسن؛ من لی غیرک» و هر کس صادقانه این ذکر را بگوید و به ولی حق توجه نماید غیر ممکن است که دست او را نگیرند. اگر با توجه قلبی و دائمی امام زمان علیه السلام را صدا بزنیم تمامی مراحل تهذیب نفس به لطف خاصه ایشان به سادگی طی می شود؛ فرموده اند:

هل العیش إلا هذا<sup>(۱)</sup>

آیا زندگی جز یاد ماست.

یعنی همه هدف از زندگی شما یاد کردن از ما اهل بیت است و



خوشبختی شما در گرو همین یاد است.

این همه سر و صدا برای تهذیب نفس و مراحل بندگی اگر از این راه طی شود، هیچ شکستی در آن نیست و بسیار سریع به نتیجه می‌رسد چون به معدن نور دست آویخته و متوسل شده‌ایم. به شرط این‌که در ابتدا به نورانیت امام زمان علیه السلام شناخت پیدا کنیم و اسماء الله را بشناسیم و بدانیم که او ظاهر خداست زیرا که آن‌ها وجه الله هستند و فرموده‌اند: «معانی خدا ما هستیم»<sup>(۱)</sup>.

ای برادر، بدان که چه کسی را خطاب می‌کنی؛ منظور ما یک جسم مادی به نام «مهدی علیه السلام» نیست، بلکه تمام جهان هستی با همه بزرگی‌اش در این شخصیت الهی جمع گشته است و به خاطر آن وجود مقدس و به قدرت یداللهی خلق شده است و امروز یدالله مولی صاحب الزمان است.

حق تعالی آن چنان به این انوار مقدسه محبت ورزیده که فرموده‌اند:

لا حبيب إلا هو<sup>(۲)</sup>

هیچ حبيب و دوستی نیست جز اهل بیت رسول.

و حضرت باری تعالی آن چنان علاقه‌ای از خود نشان داده که همه اسماء، صفات، کمالات عالیه، نمایندگی تام الاختیار و اراده خویش را در ائمه اطهار علیهم السلام قرار داده است و این دوستی آن چنان شگفت‌انگیز است که حق تعالی همه ذرات هستی و هزاران هزار عالم را تحت فرمان و سلطنت ایشان قرار داده و محبت به ایشان را محبت خویش و بغض به این انوار مقدسه را بغض به خود نسبت

۲. زیارت آل یاسین.

۱. بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۱۳.

داده است؛ و هر یک از محبتین امیرالمؤمنین علیه السلام که از روی جهل و نادانی مرتکب گناه شده باشند به خاطر دوستی و محبت آن حضرت می‌بخشد و گناهانشان را به حسنات تبدیل می‌گرداند:

حَبَّ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ يُحْرِقُ الذُّنُوبَ كَمَا تُحْرِقُ النَّارُ  
الْحَطَبُ (۱)

محبت (حضرت) علی بن ابی طالب علیه السلام گناهان را می‌سوزاند همان‌گونه که آتش هیزم را می‌سوزاند.

نکته: همیشه خدا بی‌نیاز و بی‌شریک است و این ذوات مقدسه با تمامی مقامات خود، در رتبه خلق و در نهایت عجز و بندگی در برابر عظمت حضرت باری تعالی هستند. این مطلب در دعاها و مناجات ایشان مشخص است.

پس ای برادر بکوشیم حداقل برای نیازهای دنیایی و اخروی خود به این «اسم الله» متوسل شویم، تا بتوانیم از سفره آسمانی ولایت که حق تعالی برای ما گرسنگان گسترده است بهره ببریم و تا ابد از تشنگی و گرسنگی بی‌نیاز شویم. هیچ راهی آسان‌تر و بهتر از توسل به «ذکر الله اکبر» سراغ نداریم که تمام مراحل بندگی را با یک توجه قلبی به ساحت مقدس امام عصر علیه السلام طی کنیم و توجه آن امام همام را به خود جلب نماییم.

هر چه بیشتر تلاش داشته باشیم بیشتر به ما نیرو می‌دهند، که نه سختی روزه گرفتن را داراست، نه بیداری و شب‌زنده‌داری، نه مشکل انفاق کردن، نه سخت بودن مبارزه با نفس و نه زحمت کشیدن در راه کسب فضایل انسانی و دوری از رذایل اخلاقی. گفتن

این اسم الهی حلاوت خاصی در روح و روان انسان ایجاد می‌کند؛  
در زیارت جامعه کبیره می‌فرمایند:

چه قدر شیرین است اسم‌های شما.

عرضه داشتیم که وقتی ریشه هر عملی یاد از امام زمان علیه السلام شد و  
دل انسان موقع نام بردن به ایشان توجه پیدا کرد، همه فضایل و  
عبادات و اعمال خیر به بهترین شکل ممکن انجام خواهد گرفت و  
از برکت این ارتباط با مبدأ و منشأ، همه رذایل و بدی‌ها محو  
می‌گردد.

و بدان که بر اثر مداومت بر این عمل شریف دل انسان نور  
محبت به خود می‌گیرد و راه مناجات و استغاثه به سوی امام  
زمان علیه السلام باز می‌شود.

و مؤمن به جایی می‌رسد که دیگر به یک کلمه «امام زمان» اکتفا  
نمی‌کند بلکه در خلوت خود اظهار فقر و بیچارگی و عجز می‌نماید  
و سر به خاک می‌گذارد و می‌گوید:

«یا بن الحسن من لی غیرک»

«یعنی ای آقای من، جز تو کسی را ندارم.»

ای مولای من، همه درها بسته است.

همه کسان در عین آشنایی با من بیگانه‌اند و جز تو آشنایی ندارم.

ای سید من، هیچ دری جز در این خانه در کره خاکسای وجود

ندارد و جز تو کسی را نمی‌بینم و کسی را ندارم.»

و هر روز دل خویش را جلا و صفا می‌دهی و راه ارتباط با

امام عصر علیه السلام را باز می‌کنی اگر با چشم اشک آلود بگویی: «عزیز علی»



### توسل، رفع مشکلات و برآورده شدن حاجات

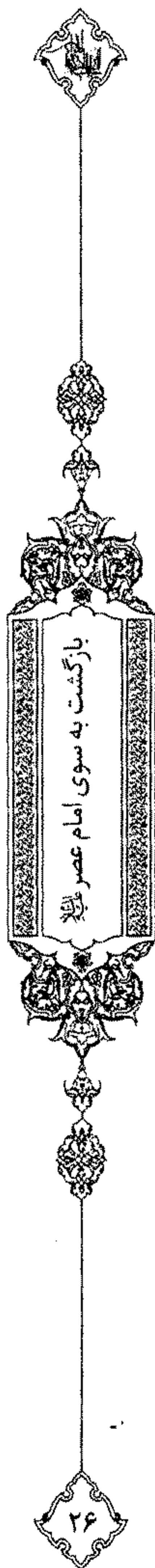
وقتی به امام زمان علیه السلام متوسل شدی باید بدانی که دیگر هیچ کسبی جز ایشان نباید در دلت باشد و وجودت باید به این مطلب اقرار داشته باشد که هیچ شیء و موجودی در دنیا اعم از اهل و عیال، ثروت، قوت، خویشان و غیره در امور مؤمن دخیل نیستند جز به اراده و اشاره امام خود؛ و به امام زمانت بگویی که فقط تو مؤثر حقیقی هستی و همه اثرات و نیروها به اراده شما اثر بخش است.

وجود و فکرت باید به این مطلب یقین و اعتقاد پیدا کند و همه مردم را چون خودت گدایانی ضعیف و درمانده بدانی و باید بدانی که فقط یک ارباب و پادشاه وجود دارد که همه کون و مکان از طرف حق تعالی به او بخشیده شده است، کسی که برخلاف انسانها ذره‌ای بخل در او راه ندارد و سراسر وجودش مملو از جود و کرم بی نهایت است؛ آن چیزی که ما از درک آن عاجزیم و بر اثر ظلمت دل نمی توانیم آن را ببینیم.

پس یکی از شرایط مهم برآورده شدن حوائج، مأیوس بودن از خلق و قطع طمع از مردم است، این عقیده را توسل نامیده‌اند و در روایت فرموده‌اند: هر گاه حاجتی از خدا خواستید باید از همه اسباب منقطع شوید.

یکی از دلایل برآورده نشدن حوائج این است که ما، هم به

۱. بسیاری از فرازهای دعای ندبه در مورد امام زمان علیه السلام است و باعث ارتباط با آن



حق تعالی امید داریم و هم به اسباب متکی هستیم؛ این اشتباه است زیرا رمز مهم برآورده شدن حاجت این است که حقیقتاً وقتی گفتی «یا صاحب الزمان ادرکنی ولا تهلکنی» دیگر در دلت به هیچ کس امید نبسته باشی و یک مؤمن منتظر اگر از گرسنگی بمیرد نباید کسی جز امامش صدایش را بشنود.

امام رئوف چون می بیند که او کسی دیگر را نمی طلبد و یک حرف بیشتر ندارد و می گوید: یا امام زمان یا مرگ و این آیه را صادقانه می گوید: ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ شفیع می شود و حق تعالی در خزائن رحمت و برکات خویش را که همانا امام زمان علیه السلام باشد به سوی او باز می کند و آن چنان عطایی به او می شود که از گدایی کردن خود لذت و صف ناپذیری می برد.

هر فقیری که به درگاه امام عصر علیه السلام استغاثه نماید به پادشاهی عالم رسیده است، زیرا او آن چنان کریمانه دست ها را می گیرد که همه متحیر می شوند. همه ائمه اطهار علیهم السلام به این روش رفتار می نمودند و هر سائلی به در خانه ایشان پناه می برد بیش از نیازشان به آن ها عطا می کردند.

### دنیای بدون غم و اندوه

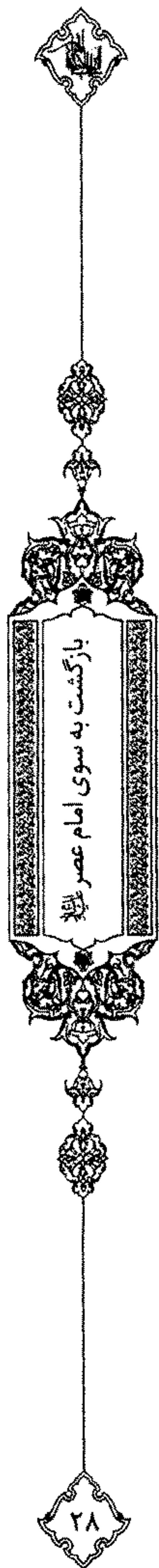
اولین اثر توجه قلبی به صاحب الزمان علیه السلام این است که دنیای یک منتظر را درک می کنی و می بینی که به دور از غم و اندوه است: ﴿فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾<sup>(۱)</sup>.

غم و غصه دنیا از وابستگی و تعلقات به وجود می آید ولی

۱. سوره یونس، آیه ۶۲.

دنیای امام زمان علیه السلام پر از صفا و نشاط و خالی از تعلقات است و پریشان حالی و خوف و اندوه در آن وادی راه ندارد. و اگر دل انسان به این کلمه مقدسه عادت کند، از شدت و زیادتی نور این پادشاه عالمیان، هر چه ظلمت و کثافات نفسانی - که منشأش محبت دنیاست - از دل بیرون می‌رود؛ و تو با عادت به این کلمه مقدسه به مقام دوستی و اولیایی می‌رسی و چون قلبت آشیانه نور امام گشت، میل به تمایلات نفسانی و زر و تزویر دنیا در قلب کم می‌شود و یا تقریباً محو می‌گردد؛ در آن زمان فقط یک چیز وجودت را فرا می‌گیرد و اگرچه با مردم در داد و ستد هستی ولی روح و دلت با حبیب مشغول است و چشم دلت وجه الله را می‌بیند و همت تو رسیدن به باب الله است، تا وارد شوی به همان خانه که حصن الهی است و به تو امنیت بخشیده است، تا از آزار و اذیت و عذاب چه در دنیا و چه در آخرت ایمن باشی؛ و اگر به گرفتاری، فقر و یا بیماری مبتلا شوی آن‌ها را هدیه‌ای از طرف امام خود می‌بینی؛ هدیه‌ای که چون از ناحیه امام وقت به تو رسیده است و یقین کردی که همه عالمیان بیمارند و فقط یک طبیب مهربان وجود دارد، گرفتاری‌ها را مثل یک داروی تلخ که برای شفای خورند، هم چون عسل شیرین میل می‌کنی.

و بدان که اگر همت تو رسیدن به امام زمانت باشد همه رنج‌ها و بلاها را نعمت می‌پنداری، نعمتی که برای سلوک و تربیت و شفای امراض روحی تو است، زیرا این راه‌ها برای رسیدن به مقصد باید طی شود؛ در این شرایط است که با وجود بلا، در نهایت آسایش و آسودگی زندگی می‌کنی و از درخواست و سؤال کردن از خلائق بی‌نیاز می‌شوی و برای رفع هر مشکلی دست نیاز به سوی



کریم‌ترین و مهربان‌ترین شخص دراز می‌کنی، کسانی که حتی دشمنانشان از رأفت و کرم آن‌ها بی‌نصیب نبودند، مثل حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام که عطا‌های فراوانی به دشمنانشان می‌کردند؛ آمده است که دشمن در حال جنگیدن شمشیر ایشان را طلب کرد و این امام مهربان از روی جود و کرم تنها سلاح خویش را عطا نمود؛ و امام حسین علیه السلام در کربلا سهمیه آب خویش را به کسانی که برای جنگیدن با او آمده بودند بخشید؛ اما متأسفانه چه بد جبران کردند! به هر حال وقتی با یقین بگویی: «یا صاحب الزمان من لی غیرک» و در دل به جز امام، از کسی چیزی طلب نکنی، اگر امروز ندادند در آینده بیش از آن چیزی که می‌خواستی به شما می‌دهند؛ مؤمن با دیر شدن حاجت، مضطرب و پریشان و از مولایش ناامید نمی‌شود و یقین دارد که امام در این کار حکمتی می‌بیند و در ساعت موعود و پس از مراحل بندگی و رسیدن به مقام تسلیم و توکل، به اندازه‌ای به او عطا می‌شود که بیشتر از انتظارش بوده است و مثلاً اگر او یک چیز می‌خواست مولایش صدها گوهر گران‌بها به او می‌بخشد.

یکی از دلایل دیر رسیدن به حاجت، بی‌میلی و بی‌رغبتی به دنیا است. بی‌میلی به دنیا بخشی از زهد و از شرایط مهم بندگی است. روایات زیادی در مورد دوری از دنیا ذکر فرموده‌اند و مؤمن پس از این که از دنیا دل بکند به آسودگی و راحتی می‌رسد و حرص و طمع از او دور می‌شود و محبت و وابستگی او به دنیا کم می‌گردد و قدم به وادی امام زمان عجل الله تعالی فرجه می‌گذارد، که سراسر آسایش و راحتی است. چون حرص او کم شود به آنچه از مولایش به او برسد قانع می‌گردد و شب‌ها بدون پریشان‌حالی و با آرامش می‌خوابد و نیمه‌های شب برای توبه، گریه و نماز با نشاط قیام



می‌کند و دیگر غصه دنیا را نمی‌خورد و می‌داند که در کنار تلاش متعادل برای معاش، غم روزی ندارد زیرا یقین دارد که آنچه روزی اوست باید به او برسد و با این روایت شریف خویش را قوی می‌کند:

مزه ایمان را نمی‌چشید مگر زمانی که یقین کنید آن چیزی که باید می‌رسیده حتماً به شما رسیده و آنچه به شما نرسیده هیچ‌گاه به شما نمی‌رسیده. (۱)

لذا انسان مؤمن با اندک تلاش معمولی و متعادل برای به دست آوردن رزق، قسمتی از روز را با یاد مولایش سپری می‌کند و عمده همت خویش را به مناجات و عبادت و کسب معرفت صرف می‌کند و پس از بی‌رغبتی به دنیا، امام عصر علیه السلام به اراده خویش مشکل‌اش را حل می‌کند و او موقعی به حاجتش می‌رسد که از شدت و اشتیاق‌اش نسبت به آن حاجت دنیایی کاسته شده و طالب نیست مگر به قدر ضرورت؛ و آن‌گاه به مقام قناعت و بی‌نیازی می‌رسد.

بازگشت به سوی امام عصر علیه السلام

### غفلت از یاد امام علیه السلام علل نزول بلا

از شرایط حتمی رسیدن به حاجت، توبه و انابه و تضرع و زاری به درگاه حق تعالی و به سوی امام زمان علیه السلام است؛ همه انبیا و تمامی مؤمنان نیز در اثر ترک اولی، به توبه و گریه و ناله مبادرت می‌ورزیدند و به خاطر رسیدن به حاجت، به ترک اولی و سپس به بلا مبتلا شدند.

مؤمن برای دفع بلا و مصیبت باید به توبه و تضرع پناه ببرد



چنان که جناب آدم دو یست سال گریه کرد و سپس به برکت تو سئل به پنج تن آل عبا علیهم السلام توبه او پذیرفته شد.

ارتکاب گناه یکی از علت های ابتلا به مصیبت های دنیا است که ما به دست خویش آن را فراهم می سازیم و قرآن می فرماید:

﴿ وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ ﴾ (۱)

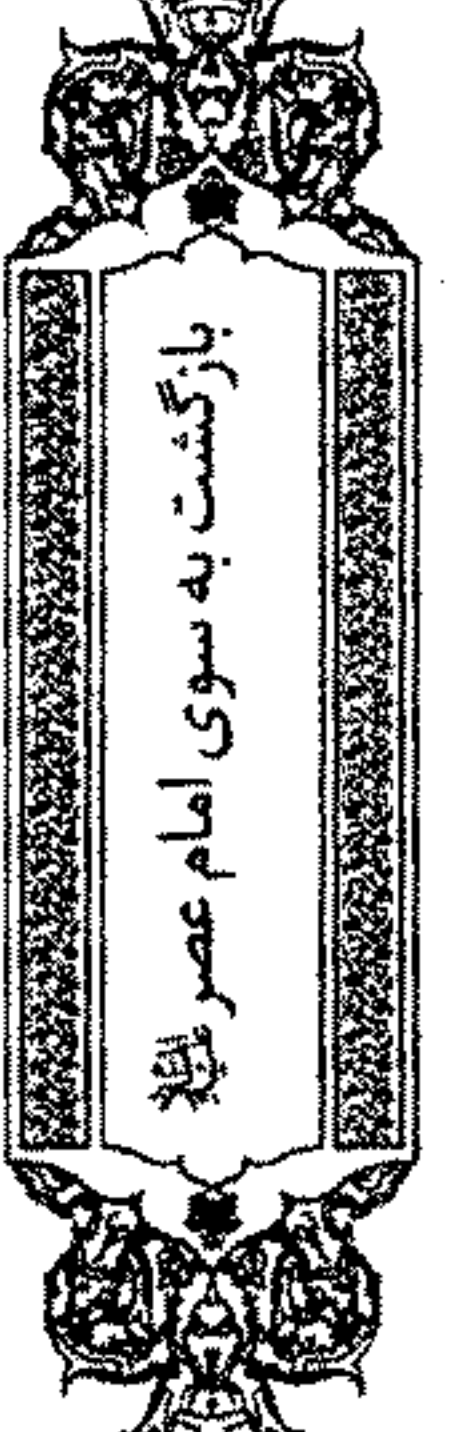
آنچه از رنج و مصیبت به شما می رسد به دست خودتان کسب کردید و کماکان خدا از بسیاری از آنها می گذرد و عفو می نماید.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده اند:

هیچ پایی به سنگ نمی خورد و هیچ سری به درد نمی آید و هیچ رزقی کم نمی گردد مگر به دلیل انجام گناه. (۲)

هر کسی می تواند این حقیقت را در مشکلات و مصائب زندگی خود بیابد، بزرگ ترین گناه ما غفلت از یاد مبارک امام زمان ارواحنا فداء است و به خاطر کفران نعمت است که مشکلات و بلاها دائماً در هم پیچیده تر می گردد، البته قرآن می فرماید: «ما از بیشتر خطاهای شما چشم پوشی می کنیم».

بعد دیگر نازل شدن بلا بر مؤمن، تقرّب او به سوی حق تعالی است ولی انسان بلا را بر خود سنگین می بیند و احساس خفقان و ناامیدی می کند و مضطرب و پریشان می شود و هنگامی که تمامی درها را بسته می بیند سر به آستان کریمانه حضرت باری تعالی می گذارد و فریاد بر می آورد: «المستغاث بك يا صاحب الزمان»؛ او امام



خویش را تنها دست یاری دهنده می داند و این جاست که امام علیه السلام با نگاهی مهربانانه و به دست کریمانه خویش، مؤمن پریشان را آرامش می بخشد و نور امید به دلش می تاباند و امام علیه السلام او را برای بندگی و تعالی، تحت تربیت و پرورش قرار می دهد و به او الهام می نماید که باید به وادی توبه و استغفار وارد شوی و اشک ندامت و پشیمانی بریزی و بر این اشک ها و سوزها مداومت کنی و در آن موقعی که در خلوت سر به خاک گذاشته ای تمام خودبینی ها و غرور و کبر و عجب درونی از دل پاک می گردد.

با این ندبه ها خود را در برابر پروردگار عظیم و بلند مرتبه، خوار و ذلیل می بینیم و بهتر است که در این حالت و در تاریکی شب با گذاشتن صورت بر خاک اظهار پشیمانی و استغفار نماییم و گناهان فراموش شده خویش را که در برابر عین الله (امام زمان ارواحنا فداء) انجام شده به یاد آوریم و از شدت شرم و ترس از عذاب آخرت و مبتلا شدن به بلا در دنیا، اشک های خود را جاری سازیم.

مؤمن در این نوع از حالات احساس نزدیکی و قرب می کند و نوعی صفای باطن و نورانیت در وجود خویش می یابد و بر اثر تضرع و زاری مداوم بر گناهان و تکرار بر ادعیه و مناجات به مقام توأبین راه می یابد و بر اثر گریه های فراوان بر گناهان، بین او و ولی حق محبت ایجاد می شود. یکی از دلایل این دوستی با امام علیه السلام این است که مؤمن درک کند که چه قدر مورد لطف و رحمت امام عزیز قرار گرفته است، زیرا او می داند که در دریایی از گناه و معصیت گذشته و حال غوطه ور است و کوهی از گناه بر دوش خود حمل می کند و مستحق عذاب است ولی بر اثر رأفت و محبت این پدر مهربان به او اجازه داده می شود که با این همه اعمال زشت و زبان

آلوده او را صدا بزند.

### عطایای کریمانه

امام علیه السلام به خاطر گناهان شیعیانشان نزد باری تعالی بسیار طلب آمرزش می‌کنند حال آن‌که هیچ نیازی به ما بشریت دنیا و ماورای این جهان ندارند؛ ما باید بدانیم که از زیادتی جود و کرم ایشان بوده است که از عدم و نیستی پا به هستی و دنیا گذاشته‌ایم تا به نعمت‌های بی‌شمار مخصوصاً بهشت جاودانه برسیم و بدانیم که این امام و اجداد مطهرش - مثل امام حسین علیه السلام - دریایی از بلاها را به جان خریده‌اند تا بلا و مصیبت‌های این دنیا و مخصوصاً آن جهان از شیعیان دفع گردد.

در عالم برزخ حقایق بسیاری روشن می‌شود که چه قدر این انوار مقدّس نسبت به ما مهربان هستند؛ و آن موقعی که به گردن ما طوق انداخته می‌شود و به سوی جایگاه‌های عذاب کشانده می‌شویم خواهی دید که امام زمان علیه السلام تشریف آورده و امر می‌فرمایند: دست از او بردارید، او در دنیا به مصائب ما محزون بوده و در دل محبتی نسبت به ما داشته است، او را رها کنید زیرا تمام امیدش به ماست، او را به ما ببخشید که جز ما کسی را ندارد.

امام علیه السلام به خاطر عطای کریمانه‌اش دست‌های دوستدارانش را می‌گیرد و به بهشت ابدی می‌رساند و می‌فرماید: چیزهایی که هیچ‌گاه در خیال و تصوّر کسی نمی‌گنجد متنعم شوید و در بهشت جاویدان باشید، زیرا انجام و ختم محبت و رزیدن به ما، شما را به این جا کشانده است.

امام علیه السلام در کنار تمامی کم و کاستی‌های مؤمن - که از روی غفلت



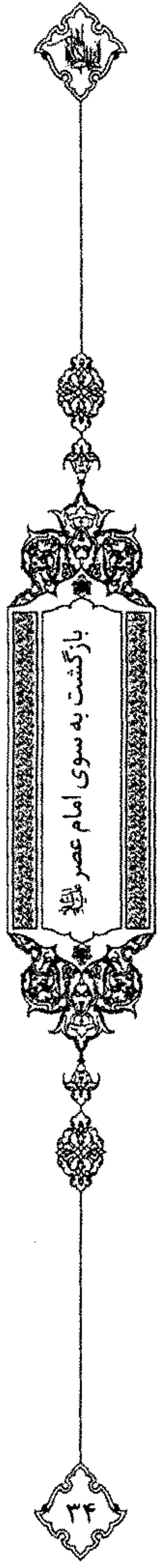


و فریب شیطان و از روی جهل و نادانی انجام داده است - از کارها و ثواب‌های خود در کف ترازو می‌گذارد؛ کفه ترازوی مؤمن در اثر این الطاف کریمانه آن چنان بالا می‌رود که چشم همه ناصبیان و دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام کور می‌شود و چشم دوستانشان از شدت شوق و ذوق به پاداش‌های بی‌شمار روشن می‌شود.

با داشتن تمامی معصیت‌ها و کثافات اعمال در این دنیا، یکی از مهربانی‌های امام زمان علیه‌السلام این است که هنوز ایشان ما را مورد عذاب و تنبیه قرار نداده است و این قدر لطف و رحمت ایشان بر ما زیاد است که انگار در تمام عمر هیچ گناهی را مرتکب نشده‌ایم و آن چنان مهر ایشان گسترده شده است که همه گناهان خود را به فراموشی سپرده‌ایم و احساس پاکی و خوب بودن می‌کنیم؛ و البته اگر غیر از این احساس بود باید از شدت شرمندگی و وحشت و ترس از عذاب الهی سر به بیابان‌ها می‌گذاشتیم و همیشه گریان و نالان می‌شدیم و این‌که این چنین نیستیم به علت ابر رحمت امامت و باران بخشش و مهر و امید به امام زمان علیه‌السلام است که بر سر ما ریزش نموده است.

هیچ بنده‌ای جز چهارده معصوم علیهم‌السلام خالی از خطا و یا گناه نیست و این دعا را همگان باید بخوانیم و معترف باشیم که این چنین هستیم:

سَيِّدِي لَوْ عَلِمْتِ الْأَرْضُ بِذُنُوبِي لَسَاخَتْ بِي، أَوْ الْجِبَالُ  
لَهَدَّتْنِي،  
أَوْ السَّمَوَاتُ لَأَخْتَطَفْتَنِي أَوْ الْبِحَارُ لَأَغْرَقْتَنِي (۱)



۱. دعای بعد از زیارت امام هشتم حضرت علی بن موسی الرضا علیه‌السلام.

ای آقای من، اگر زمین از گناهانم آگاه می‌شد مرا در قعر خود فرو می‌برد، اگر کوه‌ها مطلع بودند بر سر من خراب می‌شدند، اگر آسمان‌ها می‌دانستند مرا قطعه قطعه می‌کردند و اگر دریاها می‌فهمیدند مرا غرق می‌کردند.

پس هیچ دلیلی برای احساس خوب بودن نداریم و باید یقین و باور کنیم که در نهایت ذلت هستیم و هر روز کوهی از گناه را با خود حمل می‌کنیم و با همین وضعیت در برابر چشمان خدا - که امام زمان علیه السلام می‌باشد - هر صبح و شام عرض اندام می‌کنیم، بابتی خیالی و بانشاط و غرق در مشغله‌های دنیایی، از معصیت‌ها و گناهان خویش غافلیم. و این نیست مگر حلم و پرده‌پوشی حضرت حق تعالی که ستار العیوب است و به وسیله رحمت خودش که امام زمان علیه السلام می‌باشد گناهان بندگان پوشیده می‌شود تا مردم نبینند.

از آن جا که انسان طبعاً سوء استفاده کننده است از این رحمت و حلم امام علیه السلام که رحمة للعالمین است سوء استفاده می‌کند، لذا مؤمن از گناهان خویش غافل می‌ماند و این بزرگترین اشتباه است، بلکه مؤمن باید معصیت‌های خویش را به یاد آورد و به گریه و زاری بیافتد و از امام خویش عذرخواهی کند و این خطاب را به امام خویش عرضه بدارد:

... إِنَّ بَيْنِي وَ بَيْنَ اللَّهِ تَعَالَى ذُنُوبًا قَدْ أَثْقَلْتُ  
ظَهْرِي وَ لَا يَأْتِي عَلَيْهَا إِلَّا رِضَاةٌ. (۱)

... بین من و خدای متعال گناهان بسیاری است که بخشش و عفویش جز به رضایت شما میسر نیست. (یعنی برای بخشیدن گناهان،

رضایت و عفو امام علیه السلام شرط است.

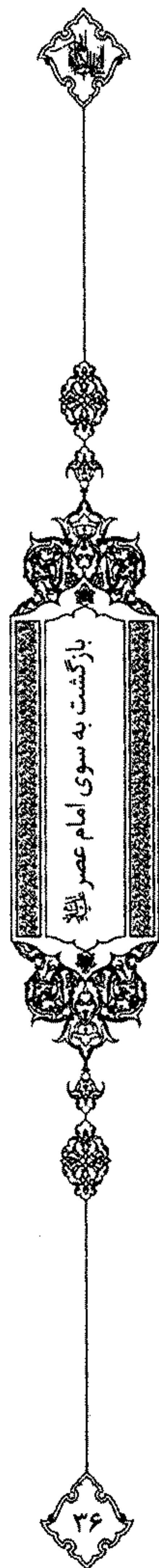
رأفت و مهر امامت به این است که با دست خویش که یدالله است به روی اعمال زشت ما پرده بپوشاند، تا دیگران بدی‌های ما را نبینند و به ما مهر و محبت بورزند و به خاطر لطف کریمانه امام عصر علیه السلام بدی‌ها و ظلمت‌های ما در حجاب مانده باشد و از چشم خلائق مخفی باشد.

حال فهمیدی که دلت متوجه چه امام رئوفی شده است و زبانت چه کسی را صدا می‌زند. در روایت است اگر انسان‌ها از اعمال زشت یکدیگر آگاه می‌شدند، حتی برادر حاضر نبود برادر خود را دفن کند؛ ولی چه قدر جوانمردی و بزرگواری می‌خواهد که پادشاه و امامی تمام ریز و درشت اعمال رعیت خود را ببیند ولی به روی خودش نیاورد و چه قدر قباحت و بی‌شرمی می‌خواهد که ما با تمامی گناهان مان باز هم از گناهان و اعمال ناشایست حیا و شرم نمی‌کنیم و هر روز زخمی به دل مجروح او می‌زنیم و انتظار فریادرسی هم داریم!

از مهربانی امام علیه السلام این است که ما از نعمت‌های ایشان تا ابدیت استفاده می‌کنیم اما به جای سپاس‌گزاری، با اعمال ناشایست و غفلت از یاد ایشان به مقام این بزرگوار اهانت می‌کنیم و با همه این موارد هنوز مورد مؤاخذة و تنبیه قرار نگرفته‌ایم.

ما باید بدانیم که امام علیه السلام از اعمال ناشایست محبتین رنجیده خاطر است؛ مخصوصاً به خاطر غفلت از مقام شامخ امامت که متصل به توحید است، زیرا غافل شدن از ولی حق یعنی غفلت از حق تعالی.

به هر حال به وسیله گریه و توبه می‌توان با امام زمان ارواحنا فدا.



آشتی کرد و به او نزدیک شد و استغفار و توبه باعث ریزش رحمت و رسیدن به حاجت است که قرآن می فرماید:

﴿ يَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَاراً وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ ﴾ (۱)

ای قوم؛ از خدا آمرزش طلبید و به درگاه او توبه کنید تا از آسمان بر شما رحمت فراوان نازل شود و بر قوت و توانایی شما بیفزاید؛ و زنهار به نابکاری از خدا روی مگردانید.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده اند:

به وسیله استغفار بوی بد گناهان را از بین ببرید و معطر شوید. (۲)

مؤمن زمانی به حاجتش می رسد که پرورش می یابد و مراحل بندگی را طی می کند؛ این سیر و کسب مقامات بندگی از مهمات و از ضروریات عبودیت است، لذا باید از نردبان توکل، تسلیم، زهد، بی رغبتی به دنیا، قناعت، توبه و تضرع بالا رفت.

پس انسان کسی را مورد خطاب قرار می دهد که پرورش همه آیات حق به دست با کفایت اوست و امروز این مقام شامخ والا به آن امام گرامی تعلق دارد، کسی که از او مهربان تر و کریم تر وجود ندارد، پس با این عقیده و دیدگاه هر چه در دل داری بیرون کن و برای رسیدن به حاجت بگو: «یا صاحب الزمان، به دادم برس» و به این استغاثه اصرار و پافشاری کن و مداومت و گریه داشته باش تا

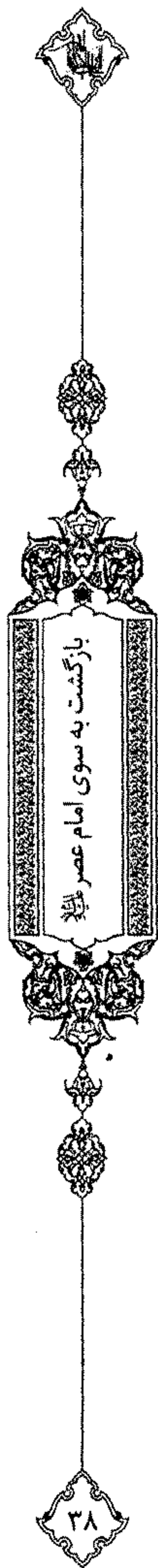
این شاء الله - به حاجت برسی و بدین گونه دنیایی بهشت گونه به نام دنیای امام زمان ارواحنا فداه برای خود فراهم می سازی و در نهایت آسایش و راحتی زندگی می کنی و همه خلائق را در حرص، شهوت، بدبختی، اضطراب و دنیایی جهنمی می بینی، لذا از این نعمت آسودگی که به خاطر اعتقاد به امام زمان علیه السلام به تو بخشیده شده و توفیق داده شده است، به درگاه احدیت سپاس گزار باش؛ خدایی که به تو توفیق داده تا او را صدا بزنی و بگویی: «یا بن الحسن، من لی غیرک».

شکر باعث زیادتی و ماندگاری نعمت است و بزرگترین شکرگزاری پس از الحمد لله از دل و زبان، ارائه و عرضه آن نعمت به خلائق است یعنی باید یاد امام زمان علیه السلام را در جامعه تبلیغ کنی و دعا کردن برای ظهور ایشان را به دیگران تأکید کنی و این از بزرگترین سپاس هاست.

همیشه به وسیله نشر یاد امام عصر علیه السلام مراتب شکرگزاری را اجرا کن تا به وسیله این نوع شکرگزاری به مقام و یقتص آثار کم برسی و به نگاه امام عصر علیه السلام برای خلائق فروزنده شوی.

تکرار این اسم شریف و توجه به ایشان تنها همین چند ثانیه نیست بلکه بر اثر اعجاز و صفا و نور این کلمه، مؤمن به ذکر این اسم اعظم حریص می گردد، هم چنان که به اشتباه و بر اثر فریب شیطان در اندوختن اموال دنیا حریص می شود.

انسان باهوش و آگاه، طمع و حرص را باید به سوی عبادات و اعمال صالحه جهت بدهد، بدین معنی که ذکر «یا صاحب الزمان» زمینه ای شود برای خلوتگاه مؤمن؛ و هر کسی باید در طول شبانه روز دور از تعلقات و پریشانی های دنیا دقایقی راز و نیاز و



اشک و ناله داشته باشد. این خلوتگاه آب و غذای روح مؤمن است تا قوت بگیرد و از لوازم حتمی سیر و هجرت به سوی امام عصر علیه السلام است و ما بهتر است که در بیست و چهار ساعت حداقل ده دقیقه را در خلوت صرف ابراز محبت به ائمه اطهار علیهم السلام کنیم، مثلاً به وسیله یاد و ریختن اشکی در مصائب جانسوز عاشورا و مصیبت مادر مظلومه‌شان و دعا برای فرج - با سوز و ناله - و سپس عرض حال و استغاثه خدمت امام عصر علیه السلام، آن‌گاه اظهار ندامت از گناه و ابراز جملات محبت‌آمیز خدمت امام عصر علیه السلام و خواندن فرازهایی از دعای ندبه: «لیت شعری این استقرت بك النوی» و هر مطلب و یا شعری که بتواند دل را بسوزاند و اشک را جاری سازد و بتواند وسیله ایجاد دوستی و ارتباط و آشتی دل شما با قلب عالم امکان شود، زیرا هیچ استادی برای سیر و سلوک و هیچ خلقی مهربان‌تر، دلسوزتر، کریم‌تر و طیب‌تر از این وجود مقدس در عالم وجود ندارد.

یا بقیة الله؛ رضیتک یا مولای اماماً و هادياً و ولیاً  
 و مرشداً لا أبتغی بك بدلاً ولا أتخذ من دونك ولیاً. <sup>(۱)</sup>  
 مولای من؛ خشنودم که تو امام، راهنما ولی و مرشد من هستی،  
 جایگزینی برای تو نمی‌جویم و جز تو ولی نمی‌گیرم.

و همان قدر بدان که به علت مهر و محبت فراوان به محبتین اهل بیت علیهم السلام، اگر یکی از مؤمنان به یک مریضی کوچک و یارنج و اندوه گرفتار شود، قلب امام علیه السلام نیز به رنج و غم مبتلا می‌گردد.  
 حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده‌اند:

إننا لنفرح لفرحکم ونحزن لحزنکم ونمرض

۱. مفاتیح الجنان، زیارت امام عصر علیه السلام.

## لمرضکم وندعو لکم وتدعون فنؤمن. (۱)

ما با شادی شما شادمان می شویم و به حزن و غم شما محزون، با بیماری شما مریض می شویم؛ و شما دعا می کنید و ما آمین می گوئیم.

چه قدر این قلب عالم امکان رنج ها و مصیبت ها را تحمل می کند، بلکه بارها اتفاق افتاده است که این وجود مقدّس را در حال غم و با چهره ای بسیار اندوهگین و با اشک جاری دیده اند.

برخی از علل غم های ایشان عبارت است از:  
- اندوه بر مصائب اجداد طاهرین اش.

- بر اثر گناهان و معصیت های شیعیان شان به وجود می آید و باعث آلودگی و گمراهی و ظلم نمودن می شود.

- بی تفاوت بودن به امور همدیگر که تزییع حق برادران دینی است.

- و طبق بسیاری از روایات این عمل، ضایع نمودن حقوق امام و اهانت به ولیّ حق به شمار می رود.

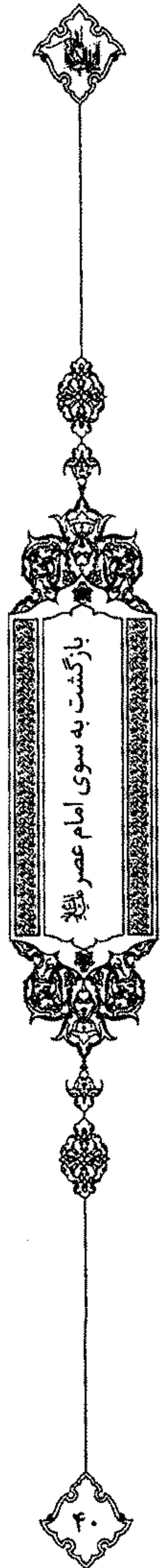
- رعایت نکردن مسائل اسلامی از قبیل بدعت ها.

- دوری کلّ خلاق از مدار بندگی و شرمندگی ایشان در پیشگاه

حق تعالی است و ...

البته دلایل دیگری نیز وجود دارد که باعث رنج و اندوه فراوان امام علیه السلام می گردد اما بر اثر عدم ارتباط با آن جناب اطلاع کاملی وجود ندارد.

هر کدام از ما می توانیم یک غم از هزاران اندوه را از دلش بزداییم. این وجود الهی به هیچ چیزی این قدر خوشحال نمی شود که انسان مؤمن برای جدّش اندوهناک شود، مخصوصاً مادر



مظلومه‌شان؛ و دوست دارد که با آن حال حزن و گریه برای فرجش دعا کنی و یادی هم از ایشان داشته باشی که یاد امام زمان علیه السلام یاد خداست.

### إِنْ ذَكَرْنَا مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ (۱)

به درستی که یاد ما، یاد خداست.

و بدان که منفعت تمامی این توجّهات به شما می‌رسد زیرا امام بی‌نیاز از هر چیزی است و نیازش فقط به سوی معبودش است. اگر هر کسی خود را موظف بداند که همیشه به یاد امام زمان علیه السلام باشد و برای فرجش دعا کند یقیناً در آینده بسیار نزدیک این مسئله دامن‌گیر همه جامعه شیعه خواهد شد و می‌توان با تربیت نفوس جامعه به سوی دعا برای تعجیل فرج، زمان ظهور را نزدیک نمود. با همین چند دقیقه خلوت و راز و نیاز هر روزه می‌توان با امام خویش ارتباط قلبی پیدا کرد و بر اثر این وصلت، می‌توان نورانی شد و آن نور، اطرافیان ما را نیز فراگیرد. مادر افراد خالص امام زمانی چنین دیدیم که بر اثر تأثیر کلمه مبارکه و عظمای «یابن الحسن» تا به امروز جامعه مؤمنین به سوی امام عصر علیه السلام هدایت گشته‌اند.

یکی از شرایط مهمّ نزدیکی به آن عصر طلایی، همت و خواست ما شیعیان است و قرآن هم فرموده: «مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم» (۲).

### اشتغال به دنیا، فاصله با امام زمان علیه السلام

جای تعجب این جاست که ما به خاطر مسائل مادی و حوائج دنیایی خود خیلی در خانه اهل بیت علیهم السلام را می‌کوبیم و به حدّی

۱. بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۴۶۸. ۲. اشاره به آیه شریفه ۶۰ از سوره غافر.





اصرار می‌ورزیم که اگر اندکی دیر به ما حاجت بدهند هر لحظه امکان قهر و یا سقوط و سُستی در دین می‌رود ولی در این امور حیاتی و اساسی - که هدف از خلقت نیز همین بوده - بسیار سُست و بی‌اعتنا هستیم؛ هیچ حالتی غم‌بارتر از این بی‌خیالیِ مؤمنان نسبت به امور انتظار و دادرسی، دل‌امام‌زمان عجل الله فرجه را اندوهگین نمی‌سازد، بلکه نهایت ناجوانمردی و بی‌حرمتی این است که به جای سپاس‌گزاری از نعمت‌های الهی که به خاطر ایشان به ما می‌رسد متأسفانه تمام تلاش‌ها برای اصلاح دنیایمان است.

علی بن مهزیار به قصد زیارت امام عصر علیه السلام نوزده بار به سفر زیارت بیت‌الله رفته بود اما موفق نشد؛ او در سفر بیستم به زیارت امام خویش تشرّف پیدا کرد و امام علیه السلام فرمودند:

علی بن مهزیار، ما شب و روز منتظر آمدنت بودیم؛ چرا دیر پیش ما آمدی؟

گفت: آقا جان، من که راهی برای رسیدن به محضر شما نداشتم.

فرمودند: راهی نداشتی؟! نه چنین نیست؛ دلیلش آن است که شما مشغول زیاد کردن اموال خود شده بودید و مؤمنین ضعیف را در فشار قرار دادید؛ اکنون چه عذری دارید؟

علی بن مهزیار با شرمندگی از غفلت خویش توبه نمود. ما متأسفانه خویش را عاقل می‌دانیم و فکر می‌کنیم اصلاح و پیشرفت امور مادی از زیادتی عقل ماست، در صورتی که اگر کسی همّتش به صورت حرص در امور دنیا باشد از کمی ایمان و نقصان عقل اوست. اگر همّ و غمّ مؤمنی برای امور آخرتی و معنوی زیاد باشد باید بداند که رأس همه اعمال عبادی آشتی و ارتباط قلبی با

بازگشت به سوی امام عصر علیه السلام

حجّت حق است و لذا عقل او کامل تر بوده و توفیق حق نصیب وی شده است.

مؤمن با شرایط ایمان که اولش ورع و پارسایی است با همین اسم اعظم هر قفل بسته‌ای را باز می‌کند و هر گره ناگشودنی را می‌گشاید و اگر یقین زیادتر شود با همین اسم الله طیّ الأَرْض می‌کند و این نام مقدّس «یا صاحب الزمان» نفسی است که اگر به هر مریض در حال مرگ برسد، او را زنده می‌کند.

این‌ها ادّعا نیست، بلکه جزء اسرار الهی است که هر کسی به آن دست یابد آن را می‌فهمد و چون ما لذّت این شربت گوارا را نچشیدیم، امکان دارد که در دل خود بدان شک کنیم، امام علیه السلام فرمودند:

فمن أنکر شیئاً و ردّه فقیه رد علی الله جلّ اسمه و کفر  
بآياته و أنبیائه و رسله. <sup>(۱)</sup>

اگر کسی فضایل و یا گفتار ما را انکار کند و نپذیرد در حقیقت خدا را انکار کرده و به آیات پروردگار و پیامبران و رسولان کافر شده است.

پرده‌های ظلمانی که بر اثر گناهان، بینایی چشم ما را گرفته است نمی‌گذارد که ماورای این دنیا را ببینیم که تمام ذرات هستی تحت اراده و قهاریت پادشاه عالمیان بوده و تنها کسی که بر اریکه حق تکیه زده حضرت بقیّة الله الأعظم ارواحنا فداه است.

امام صادق علیه السلام فرمودند:



لو أذن لنا أن نعلم الناس حالنا عند الله ومنزلتنا عنده لما  
احتملوا. (۱)

اگر اجازه داشتیم که حال خود و مقام و مرتبه‌ای را که نزد خداوند  
داریم بیان کنیم شما نمی‌پذیرفتید و قبول نمی‌کردید.

به هر حال نه تو را طاقت شنیدن است و نه ما لیاقت و شایستگی  
بیان کردنش را داریم؛ مگر می‌توان به‌گونه و اسرار این  
اسم‌الله‌العظمی پی برد؛ انبیا هم نتوانستند مقامات آل محمد علیهم‌السلام را  
درک کنند.

به جهت تقویت یقین و ایمان منتظران مولی عرضه می‌داریم که  
در روز عاشورا در هند و پاکستان و - الحمد لله - در مشهد، به مدت  
دو سال است که شاهد بودیم برخی افراد با گفتن «حسین، حسین»  
به مدت نیم ساعت روی آتش راه رفتند و پاهایشان نسوخت!  
با کدامین منطق و علم و تکنولوژی و طبابت مطابقت دارد؟! و  
این جز یک عمل خارق‌العاده و اعجاز نیست. گوشت و پوست  
اصلاً با آتش هم سنخ نیستند بلکه شدیداً بر ضد همدیگرند، یعنی  
در همان چند ثانیه اولیه آتش باید پوست و گوشت را بسوزاند؛ اما  
نه از درد خبری بود و نه اثر سوختگی باقی مانده بود و همین کلمه  
شریف «حسین» امروز یعنی «مهدی، مهدی، مهدی».

پس شما خواننده گرامی هم مردانه و صادقانه بگو: «یا مولی یا  
صاحب الزمان؛ أنا مستغیث بك» و در صدد اصلاح اعمال باش آن‌گاه  
بین به برکت این ارتباط و توجه قلبی همیشگی و مداومت بر این

بازگشت به سوی امام عصر علیه‌السلام

۱. المحتضر، ص ۱۲۸؛ بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۳۸۵، ح ۴۱؛ القطرة، ج ۱، ص ۵۴۹.

اسم اعظم آیا معجزه می‌شود یا نه؟ آیا مشکلاتِ درهم پیچیده حل می‌گردد یا نه؟ با این توجه هر گناهی تبدیل به حسنه می‌شود و تو جزء محبوبین حق تعالی قرار می‌گیری و فرشتگان به خدمت برای تو افتخار می‌کنند؛ این مطالب را که عرضه می‌داریم طبق روایات است.

ارتباط با وجود گرامی مولا صاحب الزمان ارواحنا فداء و توجه قلبی به ایشان فضایی دارد که بسیار عظیم است. این دنیا ظرف پذیرش و تحمّل و توانایی فهم و درک مقامات ائمه اطهار علیهم السلام را ندارد و ما نمی‌دانیم چه کسی را صدا می‌زنیم؛ انبیا و فرشتگان آسمان‌ها آرزوی نوکری، استغاثه، فریادرسی، توجه و توسّل به این کلمه عظمای الهی را دارند و چون به راحتی و بدون زحمت بلکه از روی کرم و لطف به ما ارزانی شده است قدر آن را نمی‌دانیم و در پی رسیدن به وادی امام زمان ارواحنا فداء کاهلیم.

### ذکر امام علیه السلام باعث گشایش و نجات

یک حکایت از دهها موردی که این اسم مطهر باعث گشایش و نجات گردیده ذکر می‌کنم، به این امید که یقین و شناخت ما به مقام امام زمان ارواحنا فداء زیاد گردد.

جناب مرحوم خادمی شیرازی تمامی فکر و ذکرش کلمه «یا صاحب الزمان» بود و این ذکر برای او ملکه شده بود آن گونه که برای شروع و انجام هر کار و حرکتی ذکر «یا صاحب الزمان» ورد زبانش بود، ایشان فرمودند:

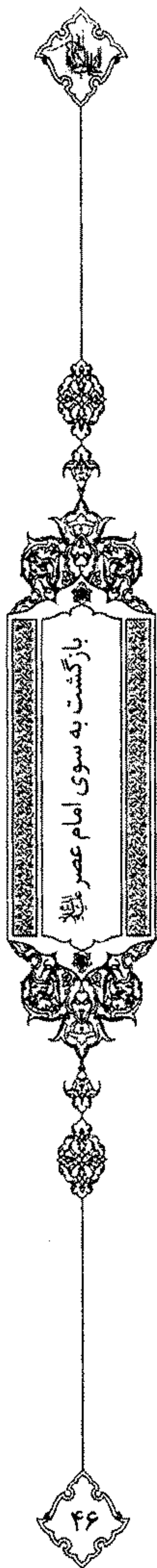
یک شب بنده را برای عقد دختری دعوت نمودند چند لحظه بعد عروس وارد شد تا خطبه عقد جاری گردد. احساس کردم که در

زیر روسری، که بر سر او قرار داشت غده‌های بزرگی نمایان بود، با تعجب در مورد این قضیه پرسیدم.

پدر عروس که یکی از ثروتمندان شهر بود عنوان کرد: دخترم به بیماری سرطان مبتلا است و پزشکان از معالجه او مأیوس هستند و تشخیص دادند که او فقط تا یک هفته دیگر زنده خواهد ماند! به همین دلیل تصمیم گرفتیم به یک جوان فقیر روستایی مبلغی پول داده و از او خواستیم با دخترمان ازدواج کند!

با شنیدن این سخنان بسیار متأثر و ناراحت شدم و به عروس گفتم: آیا می‌دانی ما امام زمانی بسیار مهربان و رئوف داریم که هر کس با دلی شکسته و ناامید از همه جا به ایشان متوسل شود، یقیناً موفق خواهد شد. امام زمان ارواحنا فداء کسی است که می‌تواند به اذن حق تعالی هر مرده‌ای را زنده کند چه رسد به بیمار یا قرض‌دار یا.... با او در این باره سخنان بسیار گفتم تا این که متوجه شدم شدیداً تحت تأثیر قرار گرفته و گریه می‌کند. من هم فرصت را غنیمت شمردم و در یک لیوان آب، ذکر شریف «یا صاحب الزمان» را که به حق، اسم اعظم الهی است چند بار تکرار کردم و در آب دمیدم و به او دادم. ایشان هم با اشتیاق زیاد و با حال توجه و گریه به امید یافتن شفا و سلامتی آب را نوشید!

روز بعد از طرف خانواده ایشان به من تلفن شد که حتماً به بیمارستان بروم وقتی به بیمارستان رسیدم با تعجب دیدم که پزشکان و پرستاران از شفای بیماری که دارای مرض صعب‌العلاج بوده متحیر و بهت زده‌اند و این نکته جالب توجه بود که آن جوان از فقر نجات پیدا کرد و با ازدواج با این خانم به ثروت رسید و دارای چند فرزند شد.



باید یقین پیدا کرد که در مواقع اضطرار هر درد بی درمان و هر مشکلی که خلق از حل آن عاجزند با توجه قلبی و صداقت با این اسم اعظم بر طرف خواهد شد.

البته قطع امید از همه جا و از هر چیز و اصرار و تضرع و زاری نمودن، از شرایط مهم توسل است. همه انبیا و تمام مؤمنان از بدو خلقت کارشان استغاثه و گدایی به درگاه این ذوات مقدسه بوده است و آنان با همین اسماء الهی مشکلات بسیار پیچیده را حل می کردند.

در کتاب «اختصاص» از امام رضا علیه السلام نقل شده است:

إِذَا نَزَلَتْ بِكُمْ شِدَّةٌ فَاسْتَعِينُوا بِنَا عَلِيَّ اللَّهُ وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ وَاللَّهُ  
الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا. <sup>(۱)</sup>

هنگامی که در سختی و شدتی قرار گرفتید به وسیله ما از خداوند متعال استعانت و کمک بجوئید که خدای تعالی می فرماید: ﴿ وَاللَّهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا ﴾ <sup>(۲)</sup>؛ «برای خداوند نام های نیک است، خدا را به آن نام ها بخوانید».

امام رضا علیه السلام فرمودند که امام صادق علیه السلام فرموده است:

به خدا سوگند، ما همان اسماء حسناى الهی هستیم و خدا عملی را از احدی از مردم جز به شناخت ما نمی پذیرد. <sup>(۳)</sup>

هیچ عهد و نذری برای حل مشکلات بهتر از این نیست که انسان با خدای خویش پیمان ببندد که پس از این در راستای ترویج

۲. سورة اعراف، آیه ۱۸۰.

۱. بحار الانوار، ج ۹۱، ص ۵.

۳. القطرة، ج ۲، ص ۶۲.

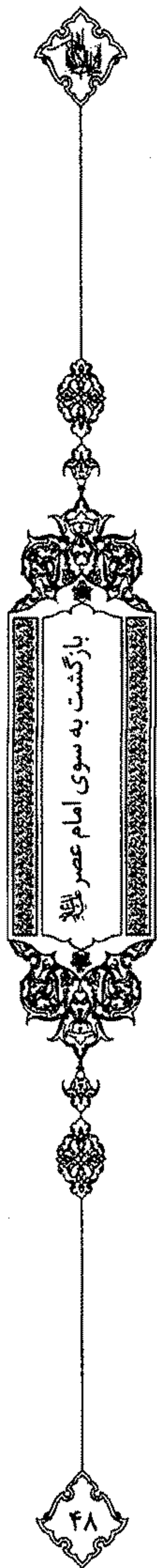
این اسم شریف و دعا برای تعجیل ظهور ایشان در جامعه قدم بردارد؛ اگر مؤمن بر این امر عبادی عظیم مداومت نماید، خواهد دید که پس از مدتی کوتاه با تمام گرفتاری‌ها و ناملایمات امروزه به دنیای سراسر نور ولیّ حق وارد می‌شود و می‌تواند با قلبش امام علیه السلام را بنگرد و از فیوضات این تجلی اعظم الهی فیض دریافت کند.

شرط دریافت این فیض این است که از مداومتِ توجّه قلبی به امام خویش دست برندارد، آن‌گاه مهر و رأفت او را احساس می‌کند و لذا می‌تواند در این دنیای آلوده از گناه و معصیت، بهشتی برای خویش فراهم سازد و در آسودگی و راحتی کامل زندگی کند و همیشه بر اثر تکرار این ذکر و توجّه، در امنیت باشد. چیزهای شگفت‌انگیز دیگر نیز وجود دارد که هر کسی با تلاش در این راه می‌تواند آن را کسب کند و به جایی برسد که هیچ گوشی نشنیده و هیچ چشمی ندیده مگر آنانی که خود را در آغوش پرمهر امام خویش جای داده‌اند.

بدان که هر چیزی به تلاش و سعی و همت در این امر بستگی دارد و مداومت ورزیدن خالصانه و توجّه قلبی به سوی ولیّ حقّ او را به درجه اعلاّی عبادات و اعمال خیر و خالص می‌رساند؛ هدف از دعاها و نمازها توجّه با تمام وجود به حقّ تعالی است تا قلب‌ها متوجّه او گردد و با یادِ اِلهِ العالمین خاضع و خاشع شود.

انسان با این شرایط به مقام عبودیت و بندگی می‌رسد و رو به امام کردن یعنی رو به سوی خدا نمودن و توجه به امام زمان علیه السلام به همان سمتی است که حقّ تعالی به آن سمت عبادت می‌شود.

و اوست قبله و قطب تمام ممکنات و مؤمن با احترام و تعظیم این جهت‌های عبادی - که آل محمد علیهم السلام باشند - خدای خویش را تکریم و احترام نموده است، هم چون کعبه که جهت برای عبادت



همگان است.

مقام امام زمان ارواحنا فداء به مواردی که برشمردیم خلاصه نمی‌شود، زیرا از حد شمارش و عدد برتر است و ما از درک و فهم آن عاجز و ناتوان هستیم.

انسان عاقل و سعادت‌مند کسی است که با امام زمانش ارتباط قلبی داشته باشد زیرا همه بدبختی‌ها و فلاکت‌ها و گناهان و اعمال ناپسند، به خاطر دوری و غفلت از یاد امام زمان صلوات الله علیه است. ما افرادی را می‌بینیم که تمام وجودشان را محبت و یاد امام عصر علیه السلام فراگرفته است و دنیا و احوالات آنان با روزگار و احوال دیگران تفاوت زیادی داشته است، این در حالی است که مردم دنیا دائماً در حرص و طمع دنیا هستند و شب و روز ندارند و به حدی غرق شهوات شده‌اند که دیگر اثری از شرافت انسانی در آن‌ها دیده نمی‌شود.

آنان برای رسیدن به ثروت، حاضرند به بدترین جنایات مثل قتل و غارت دست بزنند و کم‌ترین ابتلای آنان به گناه، دروغ گفتن و فعل حرام است و از هیچ عمل زشت و ناپسندی فروگذار نمی‌کنند تا به منافع خویش دست یابند.

این افراد همیشه ذلیل و برده دنیا هستند و آسایش و راحتی ندارند و همیشه سرگردان و نگرانند اما خوشا به حال آنانی که خداوند عقل سلیم نصیبشان کرده است و با نزدیک شدن به دنیای ولی حق به آسایش و راحتی دو سرا دست یافته‌اند.

﴿أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ (۱)

همانا دل‌ها به ذکر حق، آرام می‌شود.



و در روایتی فرموده‌اند :

یعنی بمحمد ﷺ تَطْمِئِنُّ الْقُلُوبُ .

بدبخت و سرگردان کسی است که از این دنیای باصفا و آرام و نورانی دور است و هر کسی از یاد اهل بیت علیهم‌السلام غفلت بورزد، معیشتش به سختی می‌رسد؛ یعنی به خسران عظیم مادی و معنوی مبتلا خواهد شد.

ما به عنوان زینت بخش مسئله یاد امام زمان صلوات الله علیه شعری را که از قلم استاد گرامی جناب حجّة الاسلام والمسلمین آقا سید احمد موسوی می‌باشد تقدیم می‌داریم :

دل ار یسَاد مَهْدیّ زهرا نباشد	در او هیچ خیری به دنیا نباشد
یقین یسَاد مَهْدیّ بود ذکر الله	حقیقت همین است که حاشا نباشد
بخواهی تو در زندگی ره، همین است	چو در راه حق، غیر از این ره نباشد
ولای علی نور ایمان مؤمن	به جز حبّ او نور دلها نباشد
خوشا حال آنان که در راه مَهْدی	به جز نام او در زبانها نباشد
خوشا حال آنان که در انتظارش	به غیر از ظهورش تمنا نباشد
هر آنکس که در یاد مَهْدیست هر جا	دگر او گرفتار دنیا نباشد
هر آنکس که آلوده نبود به دنیا	چو فردا خجل پیش مولا نباشد
هر آنکس فراموش مَهْدیست فردا	سرافراز و در پیش زهرا نباشد
بیا دشمنی کن به اعدای مَهْدی	که دین جز تولّی و تبرّی نباشد
بیا «موسوی» بهر مولا دعا کن	دعای تو از بهر دنیا نباشد
به پرونده‌ات گیر امضای مَهْدی	محبت که بی مهر و امضا نباشد

بازگشت به سوی امام عصر علیه‌السلام

# فصل دوم

**ولایت، رمز معرفت**

## سپاس‌گزاری از نعمت عظمای ولایت

قرآن درباره سپاس‌گزاری از نعمت می‌فرماید:

﴿اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ﴾ (۱)

به یاد آورید نعمت خدا را.

و در روایتی امام معصوم علیه السلام می‌فرمایند:

آن نعمتی که از شما سؤال می‌کنند ما هستیم.

امروز کدامین نعمت، عظیم‌تر و شریف‌تر از ولایت وجود دارد، امام زمان علیه السلام تبلور این نعمت عظمی است. کم‌ترین سپاس‌گزاری از وجود مبارک امام علیه السلام همانا یادآوری و توجه نمودن در طول شبانه‌روز به وجود اقدس همایونی ایشان است و آیه فوق همین مطلب را یادآوری می‌کند. وقتی که شیطان قسم یاد کرده است که همه را فریب می‌دهم جز مخلصین، یعنی چه؟ یک بُعد این آیه در آیه دیگر توضیح داده شده:

شیطان می‌گوید: از چهار طرف به انسان هجوم می‌آوریم تا از شکر نعمت غافل شود. (۲)

۱. سوره مائده، آیه ۱۰.

۲. سوره اعراف، آیه ۱۷؛ ﴿ثُمَّ لَا تَأْتِيَنَّهُمْ مِنَ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ﴾.

## شناخت مقامات امام معصوم علیه السلام ادای حق آنان است

فرموده‌اند :

هر حقی که بر خدای تعالی است برای ما اهل بیت نیز همان حق است. (۱)

طبق این حدیث شریف، اگر حقی از امام علیه السلام بر ما باشد کم‌ترین مرتبه ادای این حقوق الهی و آسان‌ترین عمل این است که دل مؤمن در طول شبانه‌روز چندین بار به مقام امام خویش متوجه گردد و استغاثه داشته باشد و با گفتن نام کلمه الله به هر مقدار که می‌تواند به وادی ادای حق امام علیه السلام وارد شود و ما باید بدانیم که اگر حقوق ائمه علیهم السلام را رعایت نکنیم در دنیا و آخرت مستحق عذاب سخت می‌شویم.

امروز در عصر غیبت ادای حق امام توجه قلبی به امام عصر علیه السلام در طول شبانه‌روز است.

گاهی می‌گویند که این همه خوبی برای فلانی کردیم چه قدر نمک شناس است که یادی از ما نمی‌کند، آیا واقعاً تا به حال فکر کرده‌ایم که حق امام بر ما یعنی چه و انجام ندادنش چه عواقب خطرناک و عذابی را در بردارد!

حق بعدی این است که مقامات ایشان را بشناسی و بدانی که یاد امام علیه السلام یعنی یاد خدا؛ و وجود امام زمان علیه السلام حکایت از وجود حق تعالی می‌کند چون او منزّه و برتر از آن است که به شکلی موجود گردد و یا در مکانی و سمتی قرار بگیرد و ذات حق تعالی منزّه از جا و مکان و جسم است اما به دلیل این که می‌خواست

شناخته شود موجوداتی را از نور عظمت و خاصه خودش آفرید.  
 و برخلاف موجودات دیگر، در روایت آمده است که فرمود:  
 خشنودی ایشان را رضایت خویش و خشم ایشان را غضب  
 خویش و اطاعت و محبت ایشان را اطاعت و دوستی خویش قرار  
 دادم. حضرت حق مثل ما بشر دارای صفات غضب و خشنودی  
 نیست، بلکه اینها از صفات مخلوقات است. ذات او منزّه است از  
 این که دارای گوش و چشم و دست و قلب و زبان باشد و لکن ایشان  
 را شنوایی و بینایی و دست خود قرار داده و به وسیله این دست کار  
 انجام می دهد و با این چشم می بیند، لذا ایشان به ید الله، عین الله،  
 ثار الله و ... خوانده شدند. خداوند همه صفات عالیّه خویش را در  
 این چهارده انسان ملکوتی قرار داد و آنان را نماینده تام الاختیار  
 خویش معرفی کرد و امضای وارده، علم و افعال امام زمان علیه السلام را به  
 خویش منصوب نمود لذا آنان اراده الله، علم الله و قوت الله شدند؛  
 امام باقر علیه السلام فرمودند:

نَحْنُ لِسَانُ اللَّهِ وَ نَحْنُ وَجْهُ اللَّهِ وَ نَحْنُ عَيْنُ اللَّهِ فِي  
 خَلْقِهِ. (۱)

ما زبان خدا و وجه خدا و چشم خدا در خلق او هستیم.

و این بدان معنا نباشد که فکر کنی حق تعالی از حاکمیت و  
 سلطنت خویش کنار رفته و هیچ دخل و تصرف، حرکت، بینایی و  
 شنوایی در دستگاه خلقت خویش ندارد! خیر، بلکه حضرت  
 حق تعالی فی نفسه بینا و شنوا و حاکم در ملک خود می باشند اما از  
 زیادتی محبت به ایشان و معرفت به خویش این مقامات عالیّه را از

ناحیه خویش به اینان ارجاع نموده که فرموده‌اند:

لا حیب إلا هو واهله. (۱)

هیچ دوست و حبیبی جز خاندان اهل بیت برای حق تعالی نیست.

متأسفانه بر اثر عدم معرفت به نورانیت ائمه اطهار و نداشتن استعداد و هضم مقامات این انوار الهی نمی‌توانیم بیشتر از این چیزی درک و فهم کنیم که فرموده‌اند:

ایاکم و الغلو فینا، قولوا إنا عبید مربوبون وقولوا فی فضلنا ما شئتم. (۲)

پرهیز کنید از این که درباره ما غلو کنید (غلو یعنی ما را خدا بدانید) بگویید ما بندگان خدا و پرورش یافته پروردگار هستیم و آنگاه درباره فضایل ما هرچه خواستید بگویید.

هر کسی که می‌خواهد به سوی خدا رو کند باید به وجه‌الله رو کند، زیرا همه توانایی‌های خدا در این امام هویدا است و آینه تمام و کمال حضرت حق می‌باشند، بلکه همه صفات و ظاهر حق که جدای از ذات اوست در آینه به شکل امامت تجلی کرد و وجه‌الله نامیده شد.

پس اگر امام زمان علیه السلام را یاد کنی و صدا بزنی در حقیقت حضرت حق تعالی را صدا زده‌ای و منشاء و سرچشمه مراحل بندگی و عبودیت یاد امام عصر علیه السلام است که فرموده‌اند:

۱. زیارت آل یاسین.

۲. القطرة، ج ۱، ص ۷۰ از الخصال، ج ۲، ص ۶۱۴.

## إِنَّ ذَكَرْنَا مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ. (۱)

بدرستی که یاد ما، یاد خداست.

چون خدا چنین خواسته، این شرکت در خدایی نیست، بلکه از کثرت عظمت و جلال و شأن پروردگار هیچ مخلوقی نمی‌تواند با او در تماس باشد مگر چهارده نور مقدس که آن‌هم از نور خاص و مربوط به خود پروردگار است، پس لباس بشریت به اینان پوشانید و تحت تربیت خود قرارشان داد تا امین الله، امر الله، حکم الله شدند و به وسیله اینان است که حق تعالی شناخته و عبادت می‌شود.

آیا هنگامی که خداوند به ملائکه فرمان داد که به حضرت آدم سجده کنید یا به سمت کعبه رکوع و سجود کنید، جناب آدم و آن ملائکه مقرب مشرک شدند؟ و آیا در پرستش حق شریکی پیدا شد؟ خیر، بلکه این‌ها جهات و نشانه‌ها و علائم عبادت و اطاعت از فرمان‌های الهی است و چون خداوند از ظرف مکانی و زمانی و هستی منزّه است، لازم بود که بندگان به پناهگاهی رو کنند، پس بدین لحاظ امام معصوم علیه السلام قبله الله شد.

سر منشاء همه شعائر و علائم عبادی همانا محمد و آل محمد علیهم السلام هستند و عصاره و چکیده این چشمه جوشان فیض الهی مولا صاحب الزمان علیه السلام است.

خداوند ائمه اطهار علیهم السلام را ارکان و ستون توحید خویش قرار داد و اگر ستون نباشد بنا و سقفی قرار نمی‌گیرد، این همان مطلبی است که فرموده‌اند با معرفت ما به معرفت خدا خواهید رسید. اکنون می‌فهمیم که چه کسی را صدا می‌زنیم؛ امام علیه السلام فرموده‌اند:

نحن جلال الله و كرامته التي اكرم الله العباد  
بطاعتنا. (۱)

ما مظهر جلال و بزرگواری خداوندیم و بندگان به اطاعت و  
فرمانبرداری از ما به کرامت و بزرگواری حق تعالی نائل می‌شوند.

وجود مبارک ائمه علیهم‌السلام همه سلطنت و پادشاهی کون و مکان را  
فراگرفته است و رحمت و بخشش ایشان، تمامی ذرات هستی را به  
فیض می‌رساند لذا اینان رحمة للعالمین شدند.

هم‌چنین علم و قدرت و اراده امام زمان علیه‌السلام در موجودات و همه  
کائنات نفوذ کرد و بدین لحاظ ایشان قدرت الله، علم الله و اراده الله  
شدند.

نور این منیر هر ظلمتی را روشن کرده و فیض وجودی‌اش به  
هر چیزی قدرت و حرکت بخشیده است لذا اینان نور الله شدند.  
همه نیروها و حرکت‌ها به اراده امام عصر علیه‌السلام و از شعاع نور  
وجود او سرچشمه می‌گیرد، پس بدان به سوی چه کسی چشم  
دوخته‌ای.

ما تحمل و درک عظمت مقامات امام را نداریم، بلکه فقط انبیا  
آن هم به مقدار ناچیزی توانستند به معرفت نورانیت ایشان پی  
ببرند!

ما باید در تحصیل ذره‌ای معرفت، آن هم در مقابل عظمت  
لایتناهی این معارف شیرین و گران‌بها که حق تعالی به ما ارزانی  
داشته است تلاش بیشتری داشته باشیم تا بر اثر سهل‌انگاری  
مشمول قسمتی از این آیه نشویم که می‌فرماید:

۱. تفسیر برهان، ج ۴، ص ۲۷۲، ح ۱.



﴿ إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا ﴾<sup>(۱)</sup>.

ما به انسان راه را نشان دادیم او یا [ آن را بر می‌گزیند که ]  
قدردان خواهد بود و یا [ از آن روی می‌گرداند که در آن صورت  
نسبت به نعمت الهی ] کفران کننده خواهد بود.

حال در این دنیا اختیار با ماست آیا فضایل و مقامات نورانی ائمه  
را به راحتی بپذیریم و سر تعظیم فرود آوریم و این راه را که  
حق تعالی به ما نشان داده بپذیریم یا این که بر اثر جهل و تاریکی  
قلب و کمی استعداد خدای ناکرده آن را انکار کنیم که فرموده‌اند:

فمن انكر شيئاً و رده فقد ردّ على الله جلّ اسمه و كفر  
بآياته و انبيائه و رسله.<sup>(۲)</sup>

اگر کسی فضایل و یا گفتار ما را انکار کند و نپذیرد، در حقیقت خدا  
را رد کرده و به آیات پروردگار و پیغمبران و رسولان الهی کافر شده  
است.

اگر پذیرش ما در برابر مقامات نورانی ائمه زیاد گردد عنایت  
بیشتری به ما می‌شود و راه را بهتر به ما نشان می‌دهند و ما را از  
شربت شیرین و زلال فضایل سیراب می‌سازند:

﴿ وَ يَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى ﴾<sup>(۳)</sup>.

خداوند هدایت بیشتری نصیب کسانی می‌کند که هدایت را  
پذیرفته‌اند.

۱. سوره انسان، آیه ۳.

۲. القطره، ج ۱، ص ۵۱۵؛ بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۱۴.

۳. سوره مریم، آیه ۷۶.

ما باید بدانیم که اگر سر خضوع و تسلیم در برابر فضایل نورانی  
ائمه فرود آوریم مشمول این رحمت و خیر خاصه حضرت حق  
می شویم.

انّ رسول الله كان يدعو أصحابه فمن اراد به خيراً سمع  
و عرف ما يدعوه إليه. (۱)

پیامبر خدا همه اصحاب خویش را دعوت می کرد آن کس که [ خدا ]  
برایش خیر و خوبی خواسته بود دعوت پیامبر را می شنید و نسبت به  
آن معرفت پیدا می کرد.

یکصد و بیست و چهار هزار پیغمبر و جمیع موجودات آسمانی  
چون دارای فهم و قدرت درک بیشتری هستند توانستند که اندکی از  
عظمت، مقام و شأن این انوار مقدسه را بفهمند ولی ما انسان ها مگر  
در عالم برزخ آن هم بسیار ناچیز، بزرگی این ذوات مقدسه را  
بتوانیم بفهمیم.

در تفسیر «**يَقِيمُوا الصَّلَاةَ**» (۲) فرمودند: هر کس ولایت ما را به پا  
داشت نماز را برپا داشته است. بر پا داشتن ولایت سخت و دشوار  
است و آن را تحمل نمی کند و طاقت پذیرش آن را ندارد مگر فرشته  
مقرب یا پیغمبر مرسل و یا بنده مؤمنی که خدا قلب او را برای ایمان  
امتحان کرده است. (۳) پس فرشته هنگامی که مقرب نباشد و پیغمبر  
وقتی مرسل نباشد و مؤمن هنگامی که امتحان نشده باشد نمی تواند  
آن را بپذیرد.

۲. سورة ابراهيم، آیه ۳۱

۱. بحار الانوار، ج ۵، ص ۲۰۷.

۳. حدیث معرفت نورانیت.

همه پیامبران همانند بندگان و گدایان، جبین خود را به درگاه ائمه اطهار و به امید فیض و کرم ساییدند و خود را در برابر ایشان عبد ذلیل و فقیر شمردند و به جهت این خضوع و فروتنی بوده است که نزد حق تعالی به مقام و منصب رسیدند.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

ای مفضل، سوگند به خدا حضرت آدم سزاوار آفرینش به دست حق تعالی و دمیدن روح خویش در او نشد جز به سبب ولایت علی بن ابی طالب و خداوند با موسی سخن نگفت مگر به سبب ولایت حضرت علی علیه السلام و خداوند عیسی را آیت و نشانه بر جهانیان قرار نداد جز به واسطه فروتنی و خضوع که نسبت به حضرت علی علیه السلام داشت.

سپس فرمود:

ما استاهل خلق من الله النظر اليه الا بالعبودية لنا. (۱)

هیچ آفریده‌ای شایستگی توجه از سوی خداوند را پیدا نکرد جز به واسطه بندگی بر ما.

اکنون اندکی دانستی که امام زمان علیه السلام دارای چه عظمت و قدرت و فرمانروایی است؛ این که اصرار داریم باید متوجه این کلمه مقدسه شویم فقط گفتن یک «یا صاحب الزمان» علیه السلام نیست که آن هم برای رسیدن به روزی، ثروت، شفای مریض و یا خلاصی از غم و اندوه دنیا باشد، هر چند که آن‌ها کریم‌اند و عنایت می‌فرمایند، بلکه باید بدانی که این اسم الله سراسر گیتی را فرا گرفته و تمامی حرکات و پایداری موجودات با این اسم اعظم الهی صورت می‌گیرد و

جهان با این اسماء الهی شروع و ختم می‌گردد:

بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَخْتِمُ. (۱)

همه چیز به وسیله شما گشوده می‌شود و همه چیز ختم می‌گردد.

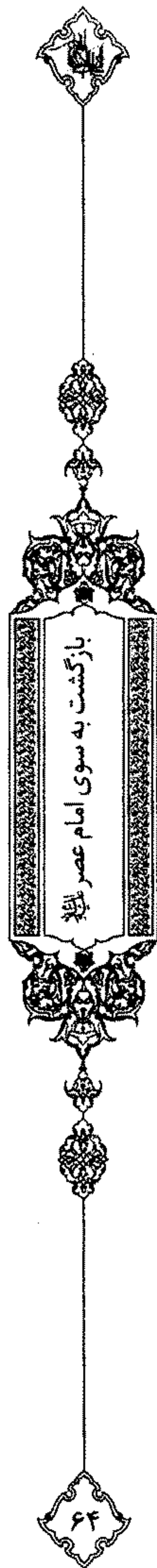
پس منظور ما مقاماتی است که بر این اسم شریف مترتب است، حال دقت کن که دلت متوجه چه مقامی می‌گردد و برای چه او را می‌طلبی؛ انسان باید با عجز و بندگی در برابر یک فضای لایتناهی از عظمت و بزرگی بایستد و بداند که افرادی مثل انبیا و عاقلان عالم بوده‌اند که به مرتبه‌گدایی آل محمد علیهم‌السلام رسیده‌اند. در حدیث آمده است:

مَا نَبِيٌّ نَبِيٌّ قَطُّ إِلَّا بِمَعْرِفَةِ حَقِّنا وَ بِفَضْلِنا عَلَيَّ مِنْ سِوَانَا. (۲)

هیچ پیامبری به نبوت نرسید مگر از طریق معرفت نسبت به حق ما و برتری دادن ما بر غیر ما.

هر چه عقل انسان بیشتر و شفاف‌تر می‌شود بهتر فضایل و مناقب ائمه علیهم‌السلام را می‌پذیرد و در صدد ارتباط قلبی با ولی حق برمی‌آید. خدای تعالی در این دنیای آلوده و ظلمانی، راه آسان، سریع و کامل و هم‌چنین عالی‌ترین راه بندگی را به مؤمن الهام می‌نماید بدون آن‌که به رنج و زحمت طاقت‌فرسایی نیاز باشد؛ خاصیت استغاثه به این خاندان این طور اقتضا می‌کند.

این عمل از عبادت‌های مهم بوده و سرمنشاء هر عمل خیر و نیک است و دوری از کثافات و رذایل و تبدیل خوبی‌ها از شعاع این عمل به دست می‌آید.



رفع هر مهم و برآورده شدن هر حاجت و رها شدن از عذاب آن دنیا و آقایی و سروری در سرای آخرت و عبادت عظیم در یک لحظه توجه کامل به سوی ولی حق خلاصه می شود.

و قلب تو در این چند ثانیه معنوی پر نور به سوی ولایت الهی خاضع می گردد و در کمتر از دقیقه ای دل شما هزاران هزار کیلومتر راه عبودیت را طی می کند.

این اسم عظیم در کهکشانها انعکاس عجیبی از خود بروز می دهد چون عظمت و بزرگی و مقام این اسم الله در نزد افلاکیان بسیار عزیز و محترم است. آنان حیات خود را وابسته به استغاثه و تضرع به این اسم و مقام شریف می دانند و همه موجودات هستی با این مقام و نام الهی از بدو خلقت خویش آشنا بوده اند و یاد این امام علیه السلام - که در واقع اعتراف و تسلیم قلبی در برابر مقامات و فضایل بی شمار این سلطان اعظم کائنات است - شما را به همسایگی آل محمد صلی الله علیه و آله می رساند و در پیشگاه نبی اکرم عزیز می شوی و آن جناب می بیند که در دنیایی که میلیاردها انسان مشغول انجام لهو و لعب و حرام هستند و در معاصی خود سرگردان و غوطه ور و در منجلاب مادیات غرقند، تعدادی افراد انگشت شمار لحظاتی از روز خویش را با یاد فرزندش حجة بن الحسن علیه السلام سپری می کنند.

پس بیاییم با یک توسل و همت عالی و با تداوم بر این کلام ملکوتی و ادای آن به عنوان امری واجب، به مقام محمود که مختص آل محمد صلی الله علیه و آله است نائل شویم.

اکنون دست نوازش امیرالمؤمنین علیه السلام را بر سر خود احساس می کنی و لبخند رضایت بخش علت غایی خلقت یعنی صدیقه طاهره علیه السلام را در قلب خود می بینی؛ و این ندا به گوش ائمه خواهد رسید و خوشحال خواهند شد از این که شخصی در این دنیای مملو

از ظلمت، با چشمی گریان و در گوشه‌ای تنها فرازهای آخر دعای ندبه را زمزمه می‌کند: این وجه الله الذی منه یوتی... و یا می‌گوید: سخت است بر من که مادر دوری تو گریه کنیم اما مردم نسبت به شما بی توجه باشند.

پس بدان که رعیت چه پادشاهی هستی، بیا و به خودت رحمی کن و هجرتی از نهاد خود به سوی آن مهربان داشته باش و بدان و آگاه باش که هیچ عمل خیر و عبادتی همانند توجه قلبی به امام زمان علیه السلام نمی‌تواند تو را از گردنه‌ها و عقبات برزخ و قیامت نجات دهد که فرموده‌اند:

آن موقعی که مرگ به سراغتان آمد و به سینه شما رسید فقط محبت ماست که برایتان سودمند خواهد بود.

یعنی نماز، روزه، خمس و هر عمل واجب و مستحب در صورتی سودمند است که سر لوحه اعمالت توجه و محبت به امام عصر علیه السلام باشد. در روایت آمده است:

اسلام بر پنج چیز استوار است: به پاداشتن نماز، پرداخت زکات، حج خانه خدا، روزه ماه رمضان و ولایت ما اهل بیت. پس چهار مورد از آن در شرایط خاصی ساقط می‌شوند ولی ولایت در هیچ شرایطی ساقط نمی‌گردد. کسی که دارایی ندارد پرداخت زکات بر او واجب نیست و کسی که مالی ندارد حج از او ساقط است و کسی که مریض باشد نشسته نماز می‌خواند و ماه رمضان را روزه نمی‌گیرد ولی ولایت برای شخص سالم یا مریض و یا برای ثروتمند و فقیر در هر شرایطی لازم و واجب است.<sup>(۱)</sup>

با این روایت گران‌بها می‌فهمیم که به وسیله توجه به امام علیه السلام در

شروع هر کاری اعمال ما جان می گیرند و احساس وجود می کنند تا روزی که آن اعمال بتوانند دستگیر تو باشند.

در روایت دیگر فرموده اند:

سرلوحه اعمال مؤمنین نوشته شده حُب علی بن ابی طالب علیه السلام.

پس بیاییم خود را از اسباب و هواهای نفسانی و دوری از محبت های دنیا منقطع سازیم و با تصمیم جدی و عزمی راسخ و با توسل و تضرع حقیقی، با ولی حق عهد و پیمانی ببندیم.

در کتاب اسرار موفقیت، تصمیم نگرفتن را عامل ضعف دانسته اند و به این مضمون فرموده اند: اگر تصمیم حقیقی بگیریم، هوای نفس بسیار ضعیف و مغلوب خواهد شد؛ هوای نفس آن چنان قوی نیست بلکه این ما هستیم که برای حرکتی به سوی امام عصر علیه السلام اراده نمی کنیم.

به حول و قوه الهی در کتاب بعدی به نام «امام عصر علیه السلام در انتظار ما!» حرکتی آسان به سوی آغوش پر مهر و پدرا نه امام عزیز بیان خواهد شد و شما با ادای همین یک کلمه نورانی می توانید صاحب اعمال صالحه شوید و بر ملک پادشاهی کنید. وقتی سراسر وجودت را امام زمان علیه السلام فراگرفت ملائکه الهی خادم تو می شوند و بر اثر نزدیکی به نور ولایت، از ظلمت نفس جدا می شوی و به مقام صالحان و اوتاد که مقام شیعیان است راه می یابی.

این عظمت شیعه بوده است که حضرت ابراهیم پس از مشاهده ملکوت عرض نمودند: خدایا مرا از شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام قرار بده.

یک شیعه واقعی به این مقامات شگفت انگیز می رسد، مقاماتی که انبیای اولوالعزم آرزوی آن را دارند، زیرا آنان امام و آقای را انتخاب کرده اند که کل کائنات - به اذن خدا - به خاطر ایشان و به

دست با کفایت این انوار مقدس خلق گردیده است و هم‌چنین جهان و ماورای هستی مانند انگشتی در دست امام زمان علیه السلام است و آن، علمی است که محیط بر همه چیز است.

و یقین داشته باش که گدایی و نوکری این درگاه باعث فرمانروایی و پادشاهی دو سرا است ولی به یاد امام عصر علیه السلام نبودن باعث تباهی انسان در دو سرا می‌گردد و کوتاهی و سستی در حق ائمه علیهم السلام باعث عذاب بسیار شدید می‌شود؛ در زیارت جامعه کبیره آمده است:

آن کس که نسبت به شما کوتاهی ورزد تباه می‌شود. (۱)

نبودن امام علیه السلام در عرصه سلطنت ظاهری دنیا، خودش ضرر و بدبختی ما انسان‌هاست و در این موقعیت که غفلت همگانی همه ما را فراگرفته است نمی‌توانیم این ضرر عظیم را درک کنیم. در این باره حضرت امیر علیه السلام در نهج البلاغه می‌فرمایند که مردم همه خوابند وقتی عزرائیل بیاید بیدار می‌شوند، اما متأسفانه بعد از مرگ راه بازگشتی برای جبران نمودن این خسارت عظیم وجود ندارد؛ و در آن دنیا ضررهای عظیم غفلت از این تجارت بزرگ را خواهیم فهمید؛ حضرت امیر علیه السلام فرموده‌اند:

أنا التجارة المربحة. (۲)

من آن تجارت سودآور هستم. (۳)

۱. زیارت جامعه کبیره.

۲. تأویل الایات، ص ۶۶۴؛ بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۳۳۰.

۳. این حدیث اشاره به آیه ۱۰ سوره صف دارد که می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ

أَدْرَأَكُمُ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُم مِّنْ عَذَابِ أَلِيمٍ﴾.



افسوس که هزاران از این احادیث و نکته‌ها نمی‌تواند قلب‌های  
ظلمت گرفته جامعه مؤمنین را تکان دهد مگر چند نفری که  
صاحب فکر و عقل باشند و با استغاثه فراوان به درگاه امام زمان علیه السلام  
راهی به سوی نور و فرار از ظلمت نصیب آنان گردد که فرموده‌اند:

**فینتظر خروجه المخلصون.**<sup>(۱)</sup>

فقط مؤمنان با اخلاص، ظهور او را انتظار می‌کشند.

### **زیارت یا تجدید پیمان با قبور ائمه علیهم السلام**

در روایت آمده است که هر امامی با دوستانش پیمانی دارد،  
همانا درجه‌اعلی و کمال این عهد و پیمان آن است که به زیارت  
قبور ائمه خود بروند.<sup>(۲)</sup>

این عهد و پیمان در عالم ذر بوده است و مادر آن‌جا قول داده‌ایم  
که پیرو ایشان باشیم و جز ایشان هیچ کس را در دل خود راه  
ندهیم و کسی را نشناسیم و جز محبت اینان به هیچ چیزی علاقه  
نورزیم؛ ولی متأسفانه این عهدها را شکسته‌ایم و همه را فراموش  
کرده‌ایم و این یادآوری پیمان برای مؤمنان آگاه و هوشیار است.

همانا از همه برتر و اعلی مرتبه این عهد زیارت قبور  
ائمه اطهار علیهم السلام است و این خود سرّی از اسرار است، زیرا این عمل  
شریف حرف اول را می‌زند و هر کس با داشتن محک ولایت که در  
دست دارد اسرار این عمل را پیدا می‌کند.<sup>(۳)</sup>

۱. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۰، ح ۴؛ القطرة، ج ۱، ص ۷۵۶.

۲. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۶۱.

۳. در بخش بعدی که درباره مقامات و معرفت نورانیت است با توضیحاتی که بیان  
می‌گردد می‌توانید مطالب را به درستی استنباط فرمایید.



ما برای زیارت قبور سیزده معصوم از راه‌های دور و نزدیک با اشتیاق فراوان عازم می‌شویم، اما چهاردهمین آنان که امام زمان علیه السلام است باید به چه نحو زیارت شود:

- یکی این است که در دل از این امام همام یاد کنیم و زبان را با ذکر اعلای «یا صاحب الزمان» علیه السلام گویا و مطهر سازیم.

- یکی دیگر قرائت زیارت آل یاسین در هر روز است که اگر با توجه کامل خوانده شود طبق مضمون بعضی از روایات هیچ عملی بالاتر از آن نیست: «افضل الاعمال انتظار الفرج»؛ مؤمن عاقل و زیرک کسی است که از میان اعمال نیک بهترین آن‌ها و از میان گل‌های گلستان گل خوشبو، زیبا و یگانه را انتخاب نماید.

در جهان خلقت و دستگاه عظیم آفرینش مقدس‌تر و بهتر از کلمه یا صاحب الزمان و مکمل آن که صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلام است چیز دیگری نداریم؛ و اگر این دو ذکر شریف با هم گفته شود بسیار مؤثر است. بدان که یاد امام عصر علیه السلام همانا یاد از محمد و آل محمد علیهم السلام است که در صلوات فرستادن تجلی نموده است و در روایت است که صلوات از همه اذکار برتر است.

### صلوات و اثرات آن

یکی از عوامل بسیار مهم اصلاح نفس و خروج از ظلمت نفس و تخلیه اخلاق رذیله صلوات فرستادن است و مؤمنین آن را بسیار تجربه نموده‌اند و صلوات بهترین قوه و نیرو و نوری است که همه ظلمت‌ها را از بین می‌برد و هیچ سپری در مقابل تیرهای بسیار زهرآگین شیطان همانند توجه به ولی عصر علیه السلام و صلوات وجود ندارد. و مهم‌ترین اثر صلوات صفا و نورانیت دل می‌باشد که باعث شستشوی قلب از غبار و آلودگی است.

روایات بسیاری وجود دارد در مورد این که اثر بخشی این ذکر الله زمانی به نتیجه مطلوب می رسد که توجه به آن کامل باشد؛ در واقع آن مقدار از ذکر مورد قبول است و اثر خود را می گذارد که توجه به آن بیشتر باشد. مؤمن باید توجه کامل داشته باشد و تمامی فکر و حواس خود را باید در صلوات دادن متمرکز کند و باید به معنی فارسی آن توجه تام داشته باشد و تمام وجود باید با زبان هماهنگ باشد؛ در واقع متن عربی بر سر زبان می چرخد اما سراسر وجود انسان می گوید: خدایا بر محمد و آل محمد علیهم السلام رحمت فرست.

و بدین طریق شیرینی و حلاوت خاصی از صلوات سراسر وجود ما را فرامی گیرد و میل به کثرت و زیادتی این دعا پیدا می کنیم.

بهرتر این است که همانند دعا کردن که دست و چشم ما به سوی آسمان است و همانند گدایان طلب فیض می کنیم - و این عمل باعث خضوع و توجه کامل است - این ذکر شریف صلوات رانیز با همین ترتیب انجام دهیم و اگر موقعیت باشد می توان بدین طریق به معنی صلوات توجه قلبی پیدا کرد و به جای صد صلوات، ده صلوات با توجه و حضور قلب بفرستیم، در این صورت قطعاً بهتر می توانیم نتیجه بگیریم و چون شیرینی و نورانیت این ذکر را احساس خواهیم نمود مجبور می شویم که برای کسب فیض رحمت بیشتر و ذخیره توشه برای عالم بعدی، تعداد صلوات را زیاد کنیم که فرموده اند:

ما فی المیزان شیء اثقل من الصلاة علی محمد و آل

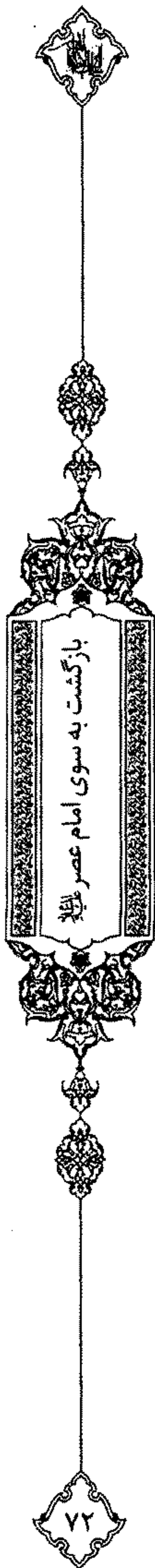
در ترازوی اعمال هیچ چیزی مثل صلوات سنگینی ندارد.

همه ما نیز در صدد هستیم که از چیزهای خوب، بهترین را انتخاب کنیم و آن عملی را که پاداش آن از همه بیشتر باشد اجرا کنیم.

انگیزه ما از صلوات فرستادن نباید به جهت اصلاح نفس و کسب توشه آخرتی باشد. البته به برکت صلوات این دو عمل به وجود می آید. بلکه صلوات باید خالص و بدون معامله برای خدا باشد.

و ما چه بخواهیم و چه نخواهیم از برکت این ذکرالله خواص بی شمار دنیوی و اخروی را برخوردار می شویم ولی نیت مؤمن از این عمل عبادی باید اظهار ارادت و محبت و سپاس‌گزاری باشد بدین معنا که شما می خواهید با درود و تحیت فرستادن به آل محمد علیهم‌السلام بندگی خود را ابراز کنید.

بهترین نوع سپاس‌گزاری از امام خود همین است که بدانسی در برابر این همه نعمت‌های بی شمار - مخصوصاً سلامتی دل که مملو از محبت و ولایت است - از سلامتی جسم و روان نیز بهره‌مند هستی و دست نیاز و خواری و ذلت به سوی خلق بر نداشته‌ای؛ اهل و عیال سالم هستند و از زندان و بیمارستان و مردمان شرور به دور هستی؛ هم‌چنین به دعای امام زمان علیه‌السلام از بلاهای زمینی و آسمانی و جنگ‌های خانمان سوز به دور هستی و از امنیت و آسایش و رفاه در زندگی برخوردار هستی و به اراده امام عصر علیه‌السلام از بیماری‌های صعب‌العلاج‌رهایی یافته‌ای؛ و در نهایت به خاطر وجود با برکت



این امام عزیز همه نباتات و نعمت‌ها و گردش افلاکیان و بالاخره رسیدن به بهشت جاودانه برای ماست.

همه نعمت‌هایی که ما نمی‌توانیم بشماریم از سر تصدق امام مهربان به ما ارزانی شده است و ما در عوض این همه نعمت‌های فراوان می‌توانیم - به عنوان سپاس‌گزاری - در طول روز زبان و دل خود را به صلوات فرستادن با حضور قلب عادت بدهیم و در کنار آن از این امام غریب و مظلوم یاد کنیم.

یکی از اثرات شگفت‌انگیز صلوات، گشودن گره‌های بسیار پیچیده است که با نذر ختم صلوات به صورت معجزه‌آسا حل می‌شود؛ مؤمنین بارها این معجزات را تجربه نموده‌اند و این نیست مگر به خاطر اهمیتی که حق تعالی برای تحیت و درود فرستادن بر این خاندان قائل شده است.

اما عمده و عصاره این ذکر الهی به عبارت «عَجَّلْ فَرَجَهُمْ» است؛ یعنی اگر با توجه قلبی درود فرستادی و در ادامه همان حضور قلب برای تعجیل در امر ظهور دعا کنی - ان شاء الله - به مقام و مرتبه منتظرین قیامش خواهی رسید؛ و اگر مرگ یک منتظر فرارسد هیچ باک و اندوهی در مورد مراحل وحشتناک بعد از مرگ برای او نیست و طبق روایات متعدد جزء شهدای در رکاب امام معصوم علیه السلام قرار می‌گیرد و دیگر هیچ سؤال و جوابی ندارد و یکسره در جوار نیکان و شیعیان و در بهشت با تمام نعمت‌های بی‌نظیرش قرار می‌گیرد.

### قوم بنی اسرائیل و امر ولایت

مطلبی که برای ما محبین و وابستگان به خاندان وحی اهمیت دارد حکایت‌های عجیب قوم بنی اسرائیل است که به لحاظ اعتقاد و



یقین به امر ولایت معصومین علیهم السلام خیلی جدی و پیشرو در این امر خواهد بود تا جایی که آنان بیشتر مشکلاتشان را با توسل به محمد و آل محمد علیهم السلام حل می کردند! البته آنها بر اثر تعلیم و تذکرات پیامبران آن اقوام به محمد و آل محمد علیهم السلام متوسل می شدند و پیامبرانشان نیز برای نشر فضایل و مناقب محمد و آل محمد علیهم السلام مبعوث شده بودند، در روایت آمده است:

انّ الله تعالى لم يبعث نبياً من لدن آدم إلى أن صار  
جدك محمد صلى الله عليه وآله إلا وقد عرض عليه ولايتكم  
اهل البيت. (۱)

حق تعالی از زمان حضرت آدم تا خاتم انبیا هیچ پیامبری را به رسالت مبعوث نکرد مگر این که ولایت شما اهل بیت بر او عرضه شد.

ما برای تقویت یقین به اعجاز ذکر شریف صلوات، تنها چند روایت را یادآور می شویم:

بر شما باد که زیاد صلوات بفرستید، ما در مقام پاداش به جای صلواتی که شما فرستاده‌اید آن اعمال صالح را که به انجامش توفیق پیدا نکرده‌اید تا روز قیامت برای شما انجام می دهیم. (۲)

پیامبر صلى الله عليه وآله فرمودند:

أولى الناس بي يوم القيامة أكثرهم على صلاة في دار الدنيا. (۳) فردای قیامت نزدیک‌ترین مردم به من کسی است که

بازگشت به سوی امام عصر عجل الله فرجه

۱. بحار الأنوار، ج ۴۶، ص ۳۹. ۲. دارالسلام، ج ۲، ص ۱۱۲. ۳. القطره، ج ۱، ص ۱۵۸؛ بحار الانوار، ج ۹۱، ص ۶۳.

در دنیا بیشتر بر من صلوات فرستاده باشد.

در تفسیر امام عسکری علیه السلام ذیل آیه شریفه: ﴿وَ إِذْ نَجَّيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ﴾<sup>(۱)</sup> «به یاد آورید هنگامی که شما را از فرعونیان نجات دادیم و آنها را به بدترین عذاب شکنجه می کردند»، آمده است که آن حضرت فرمودند:

از عذاب شدید آنها این بود که ایشان را به کشیدن گِل برای ساختمان به کار می گرفتند و از ترس این که فرار کنند آنها را در بند می کردند؛ با سختی گِل را از نردبان بالا می بردند و چه بسا از بالا سقوط می کردند و می مردند یا زمین گیر می شدند و هیچ اعتنایی به آنها نمی کردند تا این که خداوند تبارک و تعالی به حضرت موسی علیه السلام وحی (پیغام) فرستاد که به قوم خود بگو:

لَا يَتَدُونَ عَمَلًا إِلَّا بِالصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ  
لِيخَفَّفَ عَلَيْهِمْ.

عملی را جز با صلوات بر محمد و آل اطهار او شروع نکنند تا آن کار بر آنها آسان گردد.

آنها این دستور را اجرا کردند و کارهای دشوار برایشان سبک شد.

و نیز فرمودند: هر کسی که بر اثر فراموش کردن صلوات سقوط کرد یا زمین گیر شد اگر برایش ممکن است خودش صلوات را بگوید و اگر برایش مقدور نیست دیگری به جای او صلوات فرستد تا آن گرفتاری به او خسارت و ضرری وارد نکند.<sup>(۲)</sup>

مرحوم آیه الله حاج شیخ محمد تقی اصفهانی معروف به آقا نجفی اصفهانی در احوالات خودش نوشته است: وقتی در



نجف اشرف مشغول ریاضت بودم و در آن دوره اسراری بر من کشف و ظاهر شد. یکی از آن اسرار این بود که شب چهارشنبه‌ای در مسجد سهله نشسته بودم و نزدیک سحر بود که یکی از بزرگان و مردان رجال الغیب را دیدم و مسائل زیادی را از او پرسیدم که همه را از قول حضرت جواب داد و من هم می‌نوشتم تا فراموشم نشود؛ یکی از آن سؤال‌ها این بود که گفتم: ذکر یا وردی به من یاد بدهید تا در مواقعی که حاجتی داشتم یا گرفتاری پیدا کردم به وسیله آن رفع کنم.

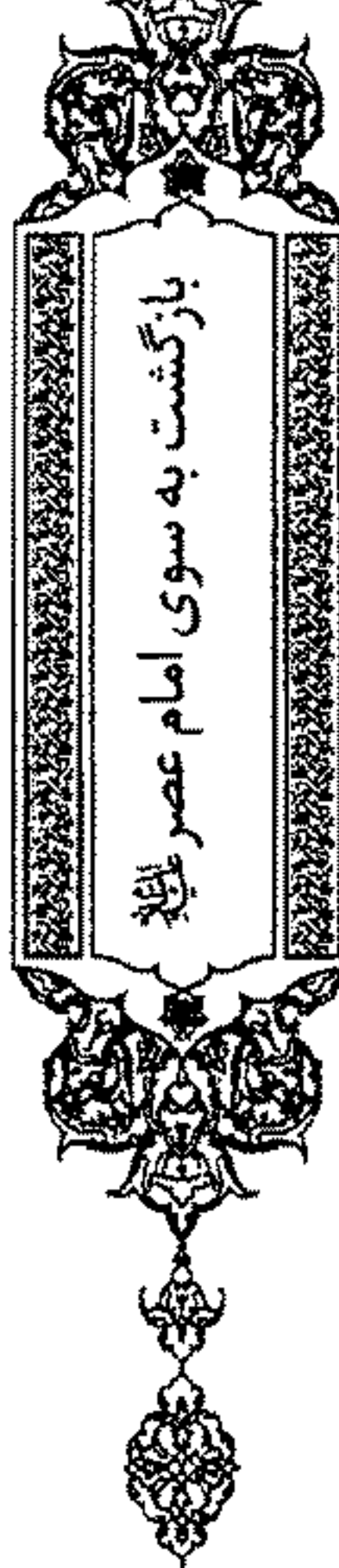
فرمودند: هیچ ذکری مانند صلوات بر محمد و آل محمد علیهم‌السلام در درگاه خدای تعالی مقرب‌تر نیست یعنی هیچ ذکری بهتر و نزدیک‌تر و سریع‌الاجابه‌تر از صلوات بر محمد و آل محمد علیهم‌السلام نیست.

### هیچ راهی بجز توسل به معصومین علیهم‌السلام وجود ندارد

به هر حال از روی ناچاری و یا حداقل به چند علت مهم راهی بجز توسل به معصومین علیهم‌السلام وجود ندارد و ما باید به امام خویش پناه ببریم. در این جا به چند مورد از علل توسل و درخواست ظهور امر فرج اشاره می‌نماییم.

#### الف - طلب آسایش و دفع بلا

یکی از آن دلایل این است که بشر در تیررس حوادث و بلاها قرار دارد مخصوصاً در این عصر اتم که جهان ما آستان بلاهای وحشتناک است، از قبیل زلزله، سیل، مرض‌های صعب‌العلاج، فشارهای روحی وارد شده در اثر قرض‌ها و کمی رزق و روزی، بی‌خانمانی‌ها و غیره... و برای محفوظ ماندن از بلاها و مصیبت‌ها چاره‌ای نیست مگر این که به پناهگاه امن الهی، به راحتی و آسودگی





جا بگیریم .

امروز تو محبّ امام زمان علیه السلام در راحتی و آسایش قرار داری و در شبانه روز به یاد امام خود هستی ، هر روز در ایجاد محبت و الفت قلبی سعی و کوشش می ورزی ، او را ناظر بر اعمال خویش می دانی ، مصیبت جانگداز زندان غیبت را احساس می کنی ، جگر پر خون از مصائب و ظلم های اجدادش را می نگری و می دانی که براساس مصلحت حکیمانه حق تعالی دست او برای انتقام بسته است و دلت می سوزد و از اعماق وجود برای ظهورش دعا می کنی ، اما این را بدان که اگر امروز تو به یاد او هستی ایشان نیز هم امروز و هم فردای سخت در این دنیا و در آخرت به یاد تو و دستگیر تو خواهد بود زیرا او اول جوانمرد و کریم عالم هستی است و او کسی است که در جود و بخشش نظیر ندارد .

هیچ یک از مؤمنین از لطف و دادرسی های امام عصر علیه السلام بی نصیب نیست و دستگیری های بی شمار حضرتش زبانزد خاص و عام است و این اقتضای کرم است که هر سائلی به در خانه این ذوات مقدسه پناه ببرد او را در آغوش گرم پدرانه پذیرفته و به بهترین شکل پذیرایی می کنند و باید دانست که وارد شدن در این خانه امن و معدن جود ، منوط به استغاثه می باشد ؛ یعنی هیچ کس جز امام علیه السلام در دل انسان نباشد :

﴿ قل الله ثم ذرهم ﴾ .<sup>(۱)</sup>

بگو خدا سپس همه را واگذار .

یعنی هنگامی که حاجتی از ولی حق که نماینده تام الاختیار پروردگارت است خواستی ، از دیگران قطع طمع کن و از همه کس



ناامید و مأیوس باش زیرا امام علیه السلام توکل را این طور معنا نمودند؛ باید در کره خاکی فقط یک در را باز و همه درها را بسته ببینیم و از همه اشیا ناامید شویم و اسباب را مؤثر ندانیم.

استفاده از وسایل و اسباب با شرط اعتقاد به این که اراده حق تعالی در اجزای کائنات نفوذ دارد کاملاً ضروری است اما این را هم بدانیم که همانا ارادة الله ائمة اطهار علیهم السلام هستند:

إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ قُلُوبَ الْأَئِمَّةِ مُورِداً لِرَادَتِهِ فَإِذَا شَاءَ اللَّهُ شَيْئاً شَأْوَاهُ. (۱)

خداوند قلوب ائمة اطهار را محل اراده خویش قرار داده است و هرگاه او چیزی را بخواهد ایشان نیز آن را می خواهند.

موفقیت و شکست در رسیدن به حاجت نیز به اراده امام عصر علیه السلام صورت می گیرد:

فما شيء منه إلا و أنتم له السبب و إليه السبيل. (۲)

چیزی از آن نیست جز این که شما سبب آن و راه رسیدن به سوی آن هستید.

مؤمن بر اثر گدایی و تضرع و اصرار به درگاه امام وقت - که همانا درگاه حق می باشد - به جایی می رسد که برای او تقدیرات بد به خوب و گناهان به حسنات تبدیل می گردد. با این اعتقاد می توان به وادی یقین و اجابت دعا رسید.

به هر حال برای در امان ماندن از چنگال حوادث و رهایی از دام های شیطانی و برای سالم ماندن باید زیر سایه رحمت امام پناه بگیریم زیرا در روزهای درماندگی که هر کسی محل امنی را



بارگشت به سوی امام عصر علیه السلام



می طلبد کسی بجز پناه بی پناهان به دیگری اعتنایی ندارد.

### ب- رهایی از عذاب در لحظه مرگ

زمان حساس دیگری که توسل، استغاثه و ذکر دائمی موجب آرامش می گردد مرحله دوم رهایی از دست جناب عزرائیل است!

در روایت آمده است که لحظه جان کندن سه هزار مرحله دارد و هر یکی مساوی با هزار ضربه شمشیر است.

ملاحظه فرمایید که مردن حقیقتی است غیر قابل انکار و بزودی همه ما باید تسلیم این بلای سهمگین - لحظه جدایی جسم از روح - باشیم و عواقب هولناک و حساب رسی و عرصه وحشتناک عالم برزخ و قیامت را درک کنیم، پیامبر ﷺ در روایتی فرمودند:

اگر می دیدید آن چیزی که من می بینم هر آینه از شدت حزن و اندوه عذابها سر به بیابانها می گذاشتید و همیشه گریان بودید. (۱)

البته از طرف حق ندا آمد که این قدر بندگان ما را نترسان و آنها را به عفو و بخشش امیدوار کن!

البته عفو و رحمت الهی شامل کسانی خواهد شد که خود را به زیر ابر رحمت امامت برسانند یعنی حرکت و انابه ای باید باشد تا انسان مشمول رحمت قرار گیرد و امروز آن رحمت واسعه حق امام زمان علیه السلام است و اگر انسان مؤمن به یاد او قلب را مشغول سازد اعمالش نیز صالحه می شود؛ در روایت آمده است که این چنین انسانی، همانند شخصی است که در رکاب پیامبر صلی الله علیه و آله و یا در خیمه

ایشان و یا در رکاب حضرت مهدی علیه السلام و در خون خود غلطیده باشد و یا در روایتی دیگر آمده است که اجر ۲۵ شهید و یا هزار شهید را به او می دهند.

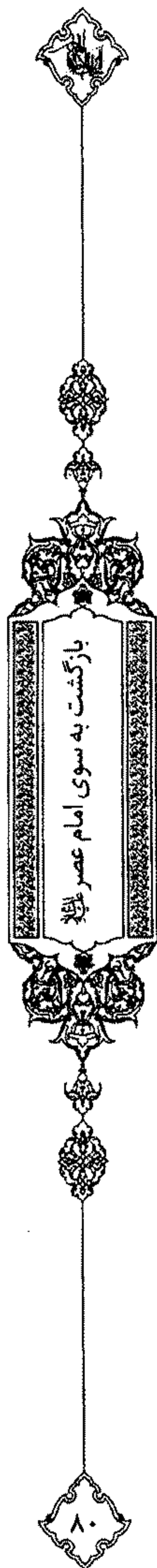
شخصی به امام باقر علیه السلام عرض کرد: من منتظر دولت کریمه شما هستم، آیا امیدوار باشم؟ امام علیه السلام فرمود:

اگر با این حال از دنیا بروی بر رسول خدا صلی الله علیه و آله، امیرالمؤمنین علی و امام مجتبی و امام حسین و علی بن الحسین علیهم السلام وارد می شوی... و فرشتگان با آغوش باز با دسته های گل به استقبال تو می آیند. (۱)

یعنی شهید موقع جان دادن در رکاب امام معصوم علیه السلام هیچ چیزی جز محبت خالصانه در دلش وجود ندارد و تنها هستی او جان وی است که از شدت دوستی آن را قربانی می کند. هم چنان که امام حسین علیه السلام با خدای خویش این کار را کرد.

یعنی مرتبه اعلاى اشتیاق و محبت، فدا نمودن جمیع هستی خود از مال و جان و همه تعلقات است.

و یک منتظر نیز در بستر راحت مردن موقعی به مقام شهادت می رسد که در دلش جز امام علیه السلام چیز دیگری نباشد و سراسر وجود او مملو از محبت باشد. یک مرحله بروز و تجلی این محبت انفاق درست از مال در راه دوستان امام عصر علیه السلام است و مرتبه عالی انفاق این است که برادر مؤمن را بر خویش ترجیح دهد و طبق روایات زیاد یاری دادن برادر مؤمن اعانت به امام هر زمانی است، تا آن جا که کوتاهی و سستی در حقوق برادران پایمال نمودن حق امام است.



۱. القطرة، ج ۱، ص ۵۲۴ از بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۳۶۱، ح ۳.

یاری دادن امام علیه السلام در روز عاشورا جان دادن در راه محبت و ولایت بوده و امروز انفاق نمودن مال در راه نشر فضایل و ولایت است.

این انفاق باید به مواردی تعلق گیرد که آن موارد باعث ترویج یاد امام زمان علیه السلام در جامعه باشد از قبیل برپایی مجالس امام عصر علیه السلام و پخش پوسترها و کتاب‌های امام علیه السلام ....

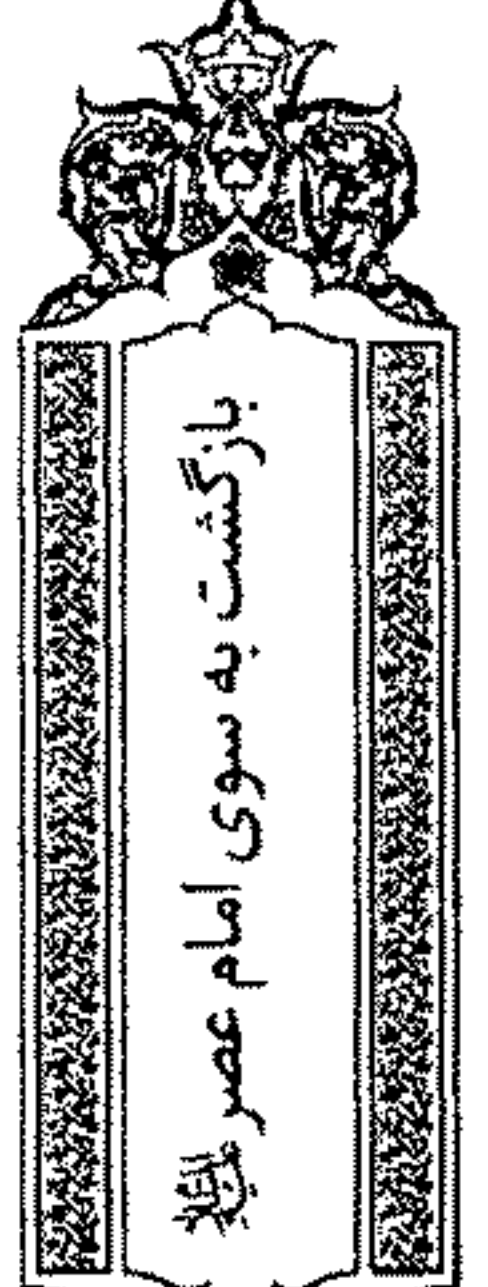
مخصوصاً اگر مؤمن منتظر، در فقر قرار گرفته باشد، با دستگیری او می‌توان نام امام زمان خویش را ترویج داد.

ما این حقیقت را شنیدیم که در زمان پیامبر گرامی وقتی که مهاجرین هجرت کردند جمعیت انصار آن‌ها را در خانه‌های خویش جا داده بودند و حتی بعضی از میزبانان به خاطر کثرت مهاجرین، از منزل خودشان به جای دیگر می‌رفتند و خانه را کاملاً در اختیار مهاجرین قرار می‌دادند؛ این داستان از دوستی و محبت به ولی حق حکایت می‌کند و از ارکان مهم دین ما دوستی با دوستان امیرالمؤمنین علیه السلام و دشمنی با دشمنان ایشان است.

خلاصه مطلب این است که شهید در رکاب معصوم هیچ گونه سؤال و جوابی ندارد و یک منتظر واقعی به مقام چندین شهید خواهد رسید. شرایط بعدی یک منتظر شناخت امام علیه السلام است که فرموده‌اند:

شما صالح نخواهید بود مگر این که معرفت پیدا کنید. (۱)

مرتبه اول معرفت به امام زمان علیه السلام این است که بدانیم حق ایشان بر ما واجب است و کم‌ترین حقوق ایشان این است که با تضرع برای ظهورش دعا کنیم و این عمل از شرایط اولیه یک منتظر



است و تداوم این راه در ترغیب دیگران به این امر عظیم الهی است.

### ج - حضور در بهشت روی زمین

جهان به دست مبارک امام عصر (عجله) بعد از ظهور یکسره مبدل به گلستان می شود و تمامی نعمت ها کامل شده و به ما خواهد رسید. در روایتی نقل شده است که فرموده اند: جهان در زمان ظهور مانند همان بهشتی می شود که آدم و حوا در آن زندگی می کرده اند.

### د - گرفتن انتقام از غاصبین

مؤاخذه و مجازات غاصبین خلافت امیرالمؤمنین (عجله) و آن جنایت های عظیم و دردناک به بزرگ عالمیان حضرت صدیقه طاهره (عجله) و مجازات عاملین روز عاشورا از جمله مواردی است که بجز با توسل به دست نمی آید و به حق یکی از شرایط مهم محبت و دوستی از سویدای دل انتقام گرفتن از این جنایتکاران است که با ظهور مولا تحقق می پذیرد؛ امام عصر (عجله) از شدت حزن و اندوه در زیارت ناحیه مقدسه می فرمایند:

اگر روزگاران مرا به تأخیر انداخت و تقدیر حکیمانه خدا مرا از یاری تو بازداشت و به همراهتان نبودم تا با حق ستیزانی که با تو سر جنگ داشتند و به دشمنی با تو برخاسته بودند، به پیکار برخیزم، اینک بامدادان و شامگاهان برای تو سوگواری می نمایم و در مصیبت جانسوزت، به جای اشک، خون گریه می کنم. (۱)

در بعضی از مقاتل نقل شده است که روزی امام سجاد (عجله) موقع نوشیدن آب از زیادتی غم و اندوه آن قدر گریه کرد که خون از چشمان مبارکشان جاری شد و در پیاله آب ریخت.

۱. بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۳۲۰.

# فصل سوم

**معرفت به نورانیت**

از جمله حقوقی که از امام بر ما واجب شده این است که به مقامات نورانی اینان معرفت پیدا کنیم و بگوییم:

و کنا عنده بفضلكم<sup>(۱)</sup>

ما نزد خدا از گردن نهادگان به فضل شما هستیم.

و معرفت به این بزرگواران اصل و اول دین است و ما به خاطر تحصیل معرفت و بروز محبت این انوار مقدسه خلق شده ایم که فرموده اند:

لا یسع الناس إلا معرفتنا و لا یعذر الناس بجهالتنا من عرفنا کان مؤمناً<sup>(۲)</sup>

مردم راهی جز معرفت ما ندارند و به خاطر شناختن ما معذور نیستند و هر کس ما را بشناسد مؤمن است.

معرفت به امام علیه السلام هدف از خلقت و از حقوق حتمی و واجب به حساب می آید.

اکنون ببینیم این روایت شریف که می فرماید: هر کس امام زمان خود را شناسد به مرگ جاهلیت مرده است یعنی چه؟

۱. زیارت جامعه.

۲. اصول کافی، باب الحجة، ج ۱، ص ۱۸۷.



آیا تا به حال فکر کرده‌ایم که امام خود را چگونه و به چه طریقی باید بشناسیم و این معرفت به چه نحوی باید به دست آید؟ در واقع اگر معرفت پیدا نکنیم حتی اگر همه عبادات و اعمال صالحه را داشته باشیم طبق این روایت مانند جاهل و نادان قبل از زمان اسلام مرده‌ایم.

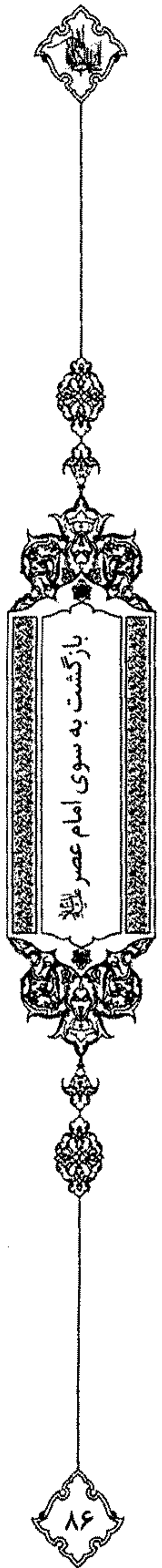
آیا واقعاً اگر مقامات نورانی امام علیه السلام را ندانیم مردن ما مثل مردن جاهلیت است؟

هر کس پیش وجدان خویش و با توجه به مطالب همین بخش (معرفت نورانیت) می‌تواند ببیند که آیا غیر از این مطالب و معارف فوق، حقیقت دیگری از این روایت می‌توان یافت، یا این که اگر ما بدانیم که او امام دوازدهمین است، در غیبت کبری به سر می‌برد، اسم پدر و مادر و زمان غیبت صغری را بدانیم و این که یک روزی ظهور خواهد نمود و جهان را پر از عدل و داد می‌کند، کافی است؟ آیا همین اعتقاد و شناخت ظاهری کفایت می‌کند؟ آیا طبق حدیث که می‌فرماید: هر کس ما را شناخت می‌تواند خدا را بشناسد، حق تعالی نیز به همین صورت شناخته می‌شود؟

### معرفت امام علیه السلام

ما با شناخت امام باید حق تعالی را بشناسیم ولی آیا حقیقتاً با همین اعتقاد ظاهری و دانستنی‌هایی که حتی مخالفین هم آن را می‌دانند، شناختی به دست می‌آید که ما را به معرفت توحید برساند؟

به نظر عقل سلیم معرفت به ظاهر امامت نیست بلکه آن روایت شریف بر این حقیقت دلالت دارد که باید هر مؤمنی در تلاش برای تحصیل معرفت به نورانیت و امام زمان علیه السلام باشد.



ما باید مقامات و ولایت تکوینی و تشریحی و فضایل بیش از حد شمارش آنها را قبول کنیم و یقیناً هر وجدان و عقلی که عطر ولایت به او رسیده باشد خود و دیگران را به شناخت به نورانیت ائمه علیهم السلام هدایت می‌کند.

البته طبق روایات باید دانست که ما هیچ‌گاه نمی‌توانیم پی به مقامات و فضایل آنان ببریم بلکه همه انبیا و موجودات آسمانی در این وادی حیران مانده‌اند و ما هر چه بخواهیم ابراز کنیم کمتر از قطره‌ای از یک دریای بی‌پایان است که فرموده‌اند:

### هیئات هیئات ضلت العقول وتاهت الحلوم و حارت الالباب... (۱)

هیئات هیئات، در وادی امامت عقل‌ها دچار سرگردانی، فهم‌ها و شعورها دچار تحیر، فکرها در حیرت، دیده‌ها ضعیف، بزرگان کوچک، حکما متحیر، خطبا گنگ، اندیشمندان در جهالت، زیرکان و باهوشان عاجز و شعرا و بلیغان ضعیف‌تر از آن هستند که بتوانند شأنی از شئون امامت یا فضیلتی از فضایل ایشان را وصف کنند و همگی اقرار به ناتوانی و تقصیر خود نموده‌اند.

نتیجه این که سعی بر این است که به حول و قوه الهی دل‌های خفته و ظلمت گرفته خویش را با یک عمل بسیار ارزشمند و عظیم که هیچ ثوابی و عبادتی به آن نرسد بیدار نماییم و آن عملی باشد که سراسرش اخلاص بدون ریا و عجب و آفت‌های نفسانی دیگر باشد و شربت گوارایی است که جان خسته هر درمانده‌ای را قوت و نشاط می‌بخشد و ما را به آن منظوری که حق تعالی بدان جهت



موجودات را خلق نموده است می‌رساند.

دستیابی بر این اکسیر احمر و کیمیای یگانه یعنی معرفت به توحید، که همانا معرفت به امام است وسیله‌ای برای شناسایی مقامات و فضایل این بزرگواران است تا بتوانیم بدین وسیله حق تعالی را بشناسیم.

ما به مدد و توسل به امیرالمؤمنین علیه السلام با ذکر احادیثی که به راه ارتباطی بین خدا و امام دلالت می‌کند و به وسیله سخنان عارفین به حق محمد و آل محمد و اولیای دین که به ما رسیده است در صدد هستیم که ذره‌ای ناچیز از فضای لایتناهی فضایل ائمه علیهم السلام را نمایان سازیم، تا هر کسی به اندازه استعداد و محبت به ائمه اطهار علیهم السلام گلی از این گلستان بی‌انتهای فضایل برگیرد.

همین شناخت به امامان ما بوده که باعث شده است تا انبیا به مقام بندگی و پیامبری برسند و سر تعظیم و فروتنی در برابر مقامات ایشان فرود آمدند.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

يا مفضل واللّه ما استوجب آدم أن يخلقه الله بیده و ینفخ فيه من روحه إلا بولاية علي علیه السلام و ما کلم الله موسى تکليماً إلا بولاية علي علیه السلام و لا أقام الله عيسى بن مريم آية للعالمين إلا بالخضوع لعلي علیه السلام.<sup>(۱)</sup>

ای مفضل؛ آدم سزاوار آفرینش نشد و روح حق تعالی در او دمیده نشد مگر به ولایت حضرت علی علیه السلام و موسی شایسته گفتگو با خدا نشد مگر به ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و عیسی را نشانه قدرت خود

بازگشت به سوی امام عصر علیه السلام



۱. بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۲۹۴، ح ۵۶؛ الإختصاص، ۲۵۰.

برای جهانیان قرار نداد مگر با تواضع و فروتنی برای حضرت  
علی علیه السلام.

سپس فرمودند:

اجمل الامر ما استأهل خلق من الله النظر اليه بالعبودية  
لنا.

مطلب را خلاصه کنم کسی جز با بندگی نمودن، لیاقت و شایستگی  
رحمت الهی را پیدا نمی‌کند.

پس معرفت به امام، یگانه شاه کلیدی است که هر قفل بسته را  
باز می‌کند و طبق این روایت، خداوند همه خوبی‌ها را برای او جمع  
کرده است:

مَنْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِ بِمَعْرِفَةِ أَهْلِ بَيْتِي وَ وِلَايَتِهِمْ فَقَدْ جَمَعَ  
اللَّهُ لَهُ الْخَيْرَ كُلَّهُ. <sup>(۱)</sup>

کسی که خدا به وسیله شناخت اهل بیت من و ولایت ایشان بر او  
منت بگذارد همانا همه خیر را برای او یک جا جمع کرده است.

پس تنها راه بندگی همین است و بنا و ستون دین و هدف از  
آفرینش این دستگاه عظیم و خلقت موجودات طبق آیه شریفه:  
«جن و انس را خلق نکردیم مگر برای عبادت» <sup>(۲)</sup> فقط معرفت  
است و در تفسیر این آیه فرموده‌اند که منظور از این عبادت معرفت  
ما اهل بیت است:

يا بن رسول الله ما معرفة الله؟

قال عليه السلام: معرفة اهل كل زمان امامهم الذي يجب عليهم

۱. بشارة المصطفى، ۱۷۶.

۲. سورة الذاريات، آية ۵۱: «ما خلقت الجن والانس إلا ليعبدون».

## طاعته. (۱)

ای پسر رسول خدا؛ معرفت خدا چیست؟  
حضرت فرمودند: معرفت امام اهل هر زمان؛ همان کسی که  
اطاعتش واجب است.

و اگر ما به شناخت راه پیدا کنیم طبق این روایت به همه خیرات  
و خوبی‌ها رسیده‌ایم.

نتیجه: ما طبق روایات فراوان، به این نتیجه می‌رسیم که منظور از  
بیان فضایل ائمه علیهم‌السلام معرفی توحید است و شیعه با مطرح ساختن  
مقامات نورانی معصومین علیهم‌السلام جلال و عظمت و یگانگی حق تعالی  
را بیان می‌کند.

حضرت امیر علیه‌السلام در حدیث معروف به «نورانیت» می‌فرمایند:

ای سلمان و ای ابوذر معرفت به نورانیت من معرفتِ خدای  
عزوجل است و معرفتِ خدای عزوجل معرفتِ من است به  
نورانیت. (۲)

اصل مطلب این است که بدانیم هیچ موجودی مثل و شبیه  
حق تعالی نیست: ﴿لیس کمثله شیء﴾ و حضرت حق تعالی برتر و  
فراتر از اوهام و اندیشه‌هاست.  
مناجاتی از امام رضا علیه‌السلام:

یا من حارت فی کبریاء هیته دقائق لطائف الاوهام و  
حسرت دون ادراک عظمته خطائف ابصار الانام. (۳)

۱. کتاب معرفت امام عصر علیه‌السلام از بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۹۳.

۲. بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۱-۷؛ مشارق انوار الیقین، ص ۱۶۰.

۳. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۷۲.

ای آنکه در بزرگی هیبتش اندیشه دقیق‌بینان حیران و سرگردان شده و دیده بینندگان از ادراک عظمتش بینایی خود را از دست داده است.

و خداوند از خردها پوشیده است همان‌طور که از دیدگان پنهان است.

آقا امیرالمؤمنین علیه السلام دستیابی و فهم و درک کردن ذات مقدس حق تعالی را برای همیشه بستند و فرمودند که راه به سوی ذات حق مسدود و طلب نمودنش مردود است، پس دندان طمع برای درک حق تعالی باید به کلی کنده شود زیرا چگونگی ذات اقدس باری تعالی برای همیشه محال است:

لَمْ لَا يَدْرِكُ بِالْعَقْلِ، قِيلَ: لِأَنَّهُ فَوْقَ مَرْتَبَةِ الْعَقْلِ. (۱)

[پرسیده شد:] چرا پروردگار به عقل و خرد ادراک نمی‌شود، فرمودند: زیرا او برتر از اندیشه و خرد است.

### معرفت به خدا، اسماء و صفات

معرفت به ذات که محال است، پس برای شناسایی حق تعالی باید چیزی موجود باشد که او را درک کنیم و بفهمیم؛ چیزی که هم سنخ ما و از جنس ما باشد تا او را احساس کنیم و شناسایی خدای تعالی فقط به این طریق ممکن است. بلکه جمیع صفات عالیه و به کمال رسیده حق تعالی بدون کوچک‌ترین نقصی و با همه جنبه‌های به کمال‌نهایی رسیده باید در موجودی تجلی و ظهور کند که هم جنس ما باشد تا ما او را درک و احساس کنیم؛ کسی که سخن او هم سنخ با قدرت شنوایی ما باشد تا بدین طریق حق تعالی مورد



شناخت واقع گردد و پس از معرفت از سوی موجودات مورد اظهار بندگی قرار گیرد.

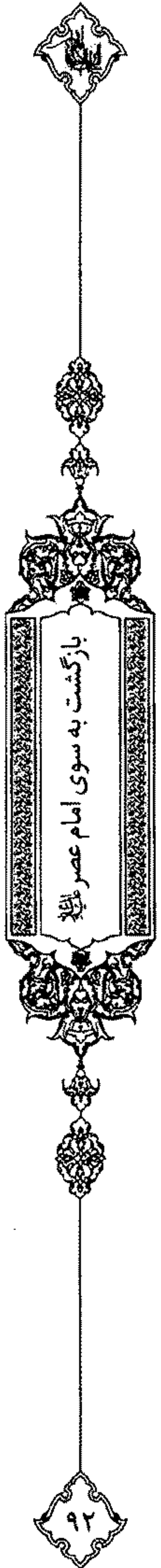
طبق احادیث فراوان و عقل سلیم همه این صفات عالیة حق تعالی در این چهارده نور مقدس تجلی نموده است و آنها: باب الله، عین الله وجه الله، ید الله، ثار الله، اذن الله، لسان الله، جنب الله، ظل الله، تبارک الله، قلب الله، امر الله، علم الله، حکم الله، روح الله، اسم الله، قدرت الله، رحمت الله، حبیب الله، خلیل الله و ... شدند.

این انوار مقدسه برای ارتباط با بشر و رهبری به سوی توحید جنبه خاکی و جسمی به خود گرفتند و صورت پیدایی و ظاهر حق تعالی شدند.

و خدا در اینها به وسیله قرار دادن صفات خود ظاهر شد و آنها همه چیز خدا شدند و اگر حق تعالی به وسیله صفات در آنها تجلی نمی کرد شناخته نمی شد. به همین خاطر است که فرموده اند: توحید خداوند متعال به وسیله ما تحقق می یابد.

ائمه مقام علم خدا هستند که محیط بر هر چیزی است، قدرت اویند که هر چیزی برای آنها مقهور و ذلیل شده است، گوش خدایند که هر صوتی را در هستی می شنوند، چشم اویند که تمام دیدنی ها و نادیدنی ها را بینا هستند، سلطنت اویند که مستولی بر هر چیزی می باشد، عرش خدایند که هر چیزی را فرا گرفته، نور اویند که هر چیزی را روشن کرده است وجه حق هستند که در هر چیزی جلوه گر شده و دست اویند که بر هر شیء تواناست.

این بزرگواران اسم الله اعظم هستند که جمیع ملک ملکوت را پر کرده است و او امر او هستند که هیچ سرپیچی در آن نیست و همه ذرات مطیع حکم ایشانند و هیچ صفتی از صفات حق تعالی نیست مگر آن که خود این انوار مقدسه آن صفت می باشند.



هیچ کس نمی تواند ادعا بکند که از راه شناخت به صفاتی که امامان معصوم دارا هستند می توان خدا را شناخت و به خاطر همین است که امام علیه السلام فرمود که شناخت به من شناخت به خداست، یعنی هر کس امام را که صفات حق است شناخت، خدا را شناخته است. روایت است:

**أول عبادة الله تعالى معرفته و أصل معرفة الله توحيدة.** (۱)

اول عبادت انسان معرفت به خداست و اصل معرفت شناختن توحید است.

یکی از تعاریف معرفت خدا یعنی این که ذات او را از صفات جدا بدانی و در ذات اقدس الهی هیچ چیزی را راه ندهی. مثلاً انسان وجودش ذات اوست و هر چه ما می بینیم مثل چاقی، لاغری، پیری، جوانی، زیبایی و زشتی صفات او هستند و صفت گاهی جابه جا می شود و یا تغییر می کند؛ مثلاً کوچک و بزرگ می شود و یا... ولی ذات انسان تا موقعی که زنده است تغییر پذیر نیست و به انسانیت خودش باقی است.

ذات حضرت باری تعالی تغییر پذیر نیست، کم یا زیاد هم نمی شود و هر چه ما از خدای تعالی می بینیم صفات اوست و برپایی و ماندگاری صفت به اراده ذات بسته است و ائمه ما مخلوق هستند و در رتبه خدایی فرود نمی آیند:

**لا تتجاوزوا بنا العبودية ثم قولوا ما شئتم و لن تبلغوا.** (۲)

ما را از مرحله عبودیت فراتر نبرید آن گاه آنچه می خواهید درباره

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۴۹.

۲. بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۲۷۴.



ما بگوئید، [ البته ] هیچ‌گاه نمی‌توانید به کنه عظمت ما برسید.

حق تعالی در رتبه خدایی یگانه است و با مخلوقاتش با هم در یک جا جمع نمی‌شود؛ پس به این بیان به یگانگی او اقرار کن چنانچه پیامبر گرامی فرمودند: خدایا تو چنانی که خود را به آن ستوده‌ای و من نمی‌توانم ستایش تو را به انجام رسانم؛ و یا این‌که فرمودند: نشناختیم تو را چنان‌که باید شناخت؛ و معنی و مفهوم توحید خالص همین است.

هم‌چنین حق تعالی را از خاطر نمی‌توان گذراند به جهت آن‌که تا چیزی شکلی نداشته باشد به خاطرها و افکار در نمی‌آید و چشمی نمی‌تواند او را بیابد زیرا که رنگ و شکلی ندارد و به گوش نمی‌توان آن را پیدا کرد زیرا که خدای تعالی صدا نیست، هم‌چنان به بینی و به زبان نمی‌توان او را فهمید زیرا بو و طعم نیست. پس همه از شناختن و چگونگی ذات باری تعالی ناتوانند:

### الله اکبر من ان یوصف

حضرت حق بزرگ‌تر از آن است که به وصف درآید.

کمال توحید در آن است که آنچه را می‌فهمی از خدا دور کنی و حق تعالی را برتر بدانی و راه سلامت و خضوع در برابر عظمت خدای تعالی آن است که به جهت عظمت و بزرگی اش نگویی خدا بی‌ناست بلکه بگویی برتر از بینایی است و نگویی خدا تواناست بلکه بگویی او برتر از هر توانایی و نیرو است و همه چیز را از ذات او دور کنی چون حضرت امیر فرموده‌اند: راه به سوی ذات مسدود است و به کمال توحید هم نمی‌توان رسید و آنچه می‌فهمیم به قدر عقل ماست آن هم مبرا از نقص نیست و این‌طور وصف‌ها و گفتار

لایق خدا نیست :

### فلک العلوی الاعلی فوق کل عال. (۱)

بالاترین برترین‌ها از آن توست و تو فوق هر برتر و والاتر هستی .

پس حق تعالی جلّ شأنه یگانه‌ای است ازلی که برای او ابتدا و انتها وجود ندارد و او یکتا و بی‌همتا است .

اما اولین چیزی که قبل از زمان و مکان به وجود آوردند همانا نور مقدس محمد و آل محمد علیهم‌السلام بوده است .

و بدان که خداوند آن نور را با آلات و اسباب نساخته است زیرا چیزی قبل از آن نبوده است . و آن نور را در جهتی خلق نکرده زیرا پیش از آن نور جهتی نبوده و همه سمت‌ها و جهت‌ها به واسطه آن نور مقدس پیدا شده است . هم‌چنین آن نور را چند و چونی نبود چرا که همه چند و چون‌ها بعد از آن و به واسطه آن پدید آمده است . برای آن نور رتبه‌ای نیز نبود زیرا همه رتبه‌ها به واسطه او پیدا شده و دیگر صورت‌ها و مراحل همه به واسطه و بعد از آن نور شریف خلق شده است .

امام زمان علیه‌السلام در نامه‌ای به عثمان بن سعید عمّری و در جواب بعضی از اشخاص ، مرقوم فرمودند که ما ساخته و پرداخته پروردگار خودمان هستیم و مردم ساخته و پرداخته ما هستند . پس آن نور اولیه تنها به ذات خود بوده و از این جهت از همه چیزها خالی ، یگانه و بی‌نظیر بوده است و کثرت و فراوانی برای او نبوده بلکه برای آن نهایی نیز نیست .

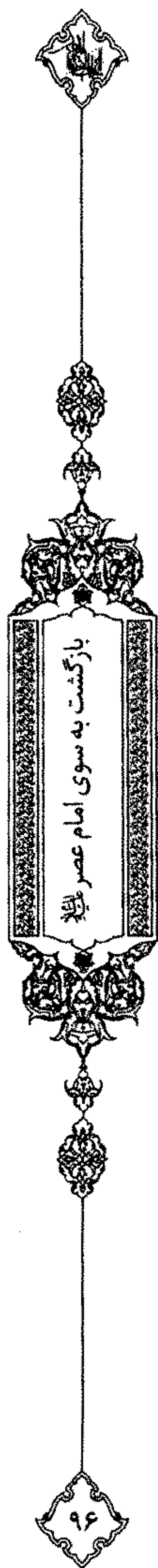
نور محمد و آل محمد علیهم‌السلام بدین جهت ظهور یگانگی حق

سبحانه و تعالی شد و صفت یگانگی حق تعالی در نور ایشان پیدا گشت، پس هر کس این صفت خدا را نشناخت هیچ چیزی از خدا را نشناخته است زیرا ذات اقدس الهی مسدود است و شناخته نمی شود و اگر صفات حق تعالی را هم نشناسیم پس چه چیزی از آن اعلی مرتبه جلیل و عظیم دانسته ایم.

پس همه همت ما باید در معرفت این نور اعلی به کار گرفته شود تا شاید به اندازه قطره ای از این دریای بی پایان به کام تشنه ما برسد. آن جایی که امام حسین علیه السلام فرمودند معرفت به ما یعنی شناخت به خدا، همین است که صفت خدا را بشناسی و بدانی که همه صفات حق اینانند.

اکنون که دانستی این نور اعلی قبل از همه مخلوقات بوده است، بدان که این نور را نهایی نیست چرا که هر شیء به اشیای قبل از خود یا به اصل و حد خود منتهی می گردد، در حالی که با آن نور مقدس هیچ شکلی و هیئتی نبود که به آن منتهی شود؛ اینان قبل از همه شکل ها خلق شدند و همه هیئت ها بعد از آن نور پدید آمدند پس آن را حدی و هیئتی نیست و بی نهایت است و به همین دلیل به ما بعد از خود احاطه دارد و این نور اعلی بر همه صفات ها و اسماء الهی مقدم شد و همه آن ها از جلوه های اوست.

پس بدین جهت نوری شد که به هر چیزی احاطه کامل دارد، قدرتی که همه ذرات هستی را فرا گرفته، رحمتی که ماسوی را فرا گرفته، علمی که هیچ چیز از او مخفی نمی ماند، حیاتی که در آن موت راه ندارد، سلطنتی که هیچ عجزی در آن یافت نمی شود، قهاریتی که هیچ چیز از قدرت او بیرون نیست و صفتی که جمیع صفات و کمالات تحت قدرت و تسلط او هستند؛ بدین جهت



نورالله شدند.

وقتی آن نور، **اَوَّلُ مَا خَلَقَ اللهُ** شد، یعنی آن بزرگواران بر هر موجودی سبقت دارند؛ پس آن نور علمی است که ضدش جهل نیست، بینایی ای که مقابلش کوری نیست، شنوایی ای که ناشنوایی ندارد و قدرتی که ناتوانی در آن وجود ندارد، زیرا همه اینها به واسطه آن نور و بعد از آن به وجود آمدند و همه مقامات این نور بر امام زمان ما مترتب است.

پس مقام این نور، ظهور و جلوه کلی خداست و چیزی از این کلی وسیع تر و عظیم تر وجود ندارد، پس همه اسمها و صفات دیگر الهی فرع وجود مقدس حضرت محمد صلی الله علیه و آله است و همه از نور مطهر او پیدا شدند، مثل این که شما در اطاقی صد آینه می گذاری بعضی کوچک و بعضی بزرگ، حال اگر تصویر شما در آن بیفتد، همه آن تصویرهای متعدد به خاطر وجود شما در آینه ها افتاده است و اصل و سبب آن شما هستید و وجود و ثبات تصویرها بسته به حضور توست و بقیه فرع و شعاع تو می باشند و اگرچه همه آینه ها حکایت از قد و رخسار تو می کنند اما اصل همه آنها نزد توست.

پس تنها جلوه اعظم خداوند است که اصل همه صفتهاست و حقیقت همه اسمهاست و هرگز ممکن نیست کسی به آن نور برسد و یا کسی طمع درک مقامات این انوار مقدسه را داشته باشد:

لا یطمع فی ادراکه طامع. <sup>(۱)</sup>

هیچ طمع کاری، در مورد درک [ذات] الهی طمع نمی کند.

پس خاتم النبیین ظهور اول صفات خداست و جلوه اعظم اوست و ایشان اشرف و اعلی از همه موجودات است و همان بزرگواران اسم اعظم خداوند عالم می باشند و هر کس مقام اسم اعظم را بشناسد و حق تعالی را به آن بخواند دعای او رد نخواهد شد. و اسم عظیم الهی را کسی پیدا نکرد مگر آن که به عظیم ترین صفت و اسماء الهی شناخت پیدا کرده است که همانا امروز ولی الله اعظم حجة بن الحسن ارواحنا فداء است.

اسم اعظم چون که کس شناسدش سروری بر کل اسماء باشدش  
علی بن ابراهیم قمی از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که خدای تعالی به حضرت موسی فرمود:

کسی که آنها (ائمه علیهم السلام) را بشناسد و به حق آنها معرفت داشته باشد در مواضع جهل و نادانی برای او علم و دانش و در جای ظلمت و تاریکی برایش نور و روشنایی قرار می دهد و قبل از این که مرا بخواند دعای او را اجابت می کنم و قبل از این که از من درخواست کند به او عطا می کنم. (۱)

و بدان که همه این نور و صفات بزرگ الهی در وجود گرامی مولای ما حضرت صاحب الزمان علیه السلام تجلی نموده است. اکنون دانستی که در کلمه مقدسه «یا صاحب الزمان» چه اسرار شگفت انگیزی نهفته است که جمیع کائنات در وجود این کلمه شریف جمع شده است.

۱. القطرة، ج ۱، ص ۸۳؛ تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۴۳؛ معانی الاخبار، ص ۲۰.

## تعریفی از توحید صفات

توحید صفات این است که هر چه در صفات ذوات مقدسه می بینی یگانه و بی همتا بدانی و بدانی که ایشان به غیر خدا نظر ندارند و برای غیر حق تعالی حرکت نمی کنند، بدون حکم او کاری انجام نمی دهند، بدون رضا و خواست او خواستی ندارند و برای ایشان میل و حرکتی به خواست خود وجود ندارد.

پس آن صفات که ائمه اطهار علیهم السلام می باشند نزد خدا مانند دست تو هستند. آیا هرگز دست شما بی اراده و حکم دل حرکت خواهد کرد و یا ساکن خواهد شد؟ پس معلوم می شود که به اراده قلب تو بوده که دست حرکت می کند؛ مثلاً میت نزد غسل، به هیچ طرف بر نمی گردد مگر به اراده و حرکت غسل.

پس این صفات همه در امام عصر علیه السلام جمع شده است و نزد حق تعالی آن چنان مطیع و منقاد می باشند که هیچ عملی از ایشان بروز نمی کند مگر به اراده حق:

إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ قُلُوبَ الْأَئِمَّةِ مُورِداً لِإِرَادَتِهِ فَإِذَا شَاءَ اللَّهُ شَيْئاً شَأْوَهُ وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ ﴿وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ﴾ (۱).

خداوند قلوب ائمه را محل اراده خود قرار داد پس هرگاه او چیزی را بخواهد ایشان نیز آن را می خواهند و فرمایش حق این است: «چیزی نمی خواهند مگر آنچه را خداوند بخواهد».

همه اعمال ایشان فقط برای خداست و به این سبب اینان نور

خدا شدند و خود این ذوات مقدسه هیچ پیدا نیستند و همه نور خداست پس خدا به یگانگی خود در صفات جلوه کرده است و شریکی در این جلوه و پیدایش - که محمد و آل محمد علیهم السلام هستند - ندارد چنانچه در ذات مقدسش شریک ندارد؛ و نور حق در این صفات پیدا است و توحید نور خداست.

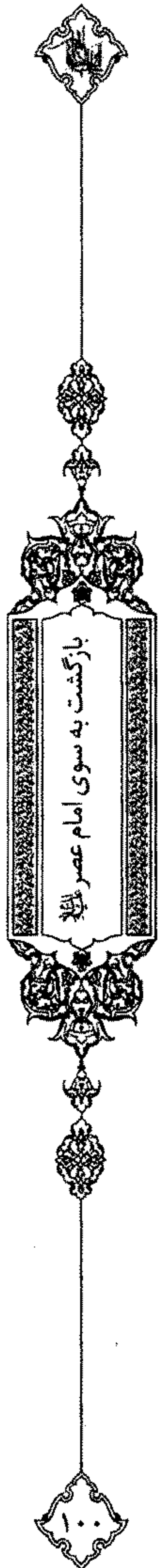
چنان که ذات مقدسش یگانه است نور او هم که محمد و آل محمد علیهم السلام هستند یگانه است. و شبیه او چیزی نیست و او بی مانند است و هیچ کس و هیچ چیز در آن مقام با نور محمد و آل محمد علیهم السلام همراه نیست و بدان که آن نور اول اسباب است و همه کارها به آن اسباب انجام می گیرد.

چون از همه چیز به خدا نزدیک ترند، آن قدر صفات توانایی و قدرت و علم و خواسته های خدایی در آنها یافت می شود که همه ذرات هستی را به حرکت و به جنب و جوش می آورند.

### تعریفی از توحید افعال

در درون یک ساعت همه چرخ ها حرکت می کنند اما هیچ جنباننده ای غیر از یک فتر اصلی وجود ندارد و یگانه حرکت دهنده همه چرخ ها یک چیز (فتر) است؛ پس جنباننده کل ملک هستی یک سبب یگانه و بی همتا است که امروز آن سبب اصلی امام عصر علیه السلام است و اگر ایشان التفات و نظر خود را برگردد همه عالم از هم می پاشد و فرموده اند:

اگر حجت خدا لحظه ای روی زمین نباشد زمین اهلش را



امام عصر علیه السلام کارگر همه کارهای کائنات است لکن به اراده و اذن حق تعالی؛ و همان گونه که مثلاً یک نجار سازنده تخت است اما به وسیله اره، تیشه، میخ، چوب و ...، حق تعالی نیز برای امور آفرینش اسبابی قرار داد، مثلاً با آفتاب روز را ساخت و به وسیله ابر جهت رشد نباتات و جانداران آب را در زمین خلق کرد.

او در همه کائنات یکتاست و با قدرت و اراده یگانه و بی نظیر خود که همانا امام عصر علیه السلام است کارها را با نظم به انجام می رساند و اعتقاد به این مطلب، توحید افعال نامیده می شود و خدا خالق هر شیء است.

بدان که هیچ چیزی بی علت موجود نمی شود، چنان که اول آتش موجود می شود سپس سوزش و سوختگی؛ یا اول آفتاب موجود می شود سپس نور و گرما.

پس علت و سبب ایجاد این دستگاه عظیم خلقت و خمیر مایه اصلی آن همانا نور شریف محمد و آل محمد علیهم السلام است، که ابدأ هیچ پیش گیرنده بر آن پیشی نگرفته است: ولایسبقة سابق؛ چرا که همه چیز، بعد از خلقت ایشان خلق شده است.

اگر هیچ روشنایی و نور بیش از شعله چراغ موجود نباشد، هیچ نوری ذات و مقام شعله چراغ را درک و فهم نخواهد کرد، پس بدان که علت و سبب پیدایش همه اشیا و موجودات از نور ایشان است و لذا می فهمی که محمد و آل محمد علیهم السلام صفت فاعلیت خدا هستند و می دانی که حق تعالی گردش کائنات را به وسیله آلات و اسبابی کلی و جزئی انجام می دهد.



در کل هستی اسبابی بهتر و با قدرت تر و کامل تر از وجود امام  
زمان علیه السلام وجود ندارد و به یمن وجود اقدس همایونی ایشان جهان  
پابرجاست، حضرت امیر در حدیث طارق می فرمایند:

و نحن سبب خلق الخلق. (۱)

علت و سبب کل خلائق ما هستیم.

و سایر خلق و هزاران هزار عالم موجود دور از درک و بینایی ما،  
به سبب آن بزرگواران ایجاد شده است.

اگر دست علی علیه السلام دست خدا نیست

چرا دست دگر مشکل گشا نیست

و بالای این دست، اراده حق تعالی کار می کند.

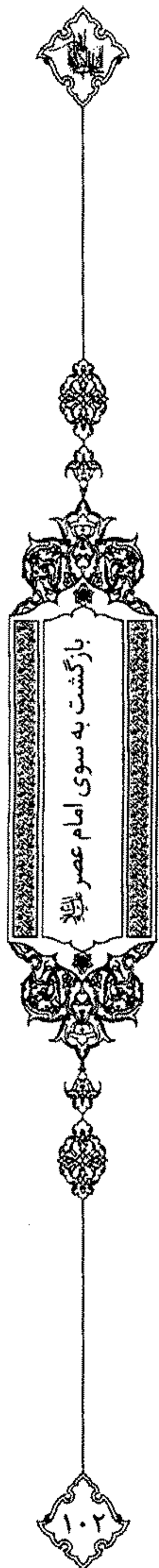
بدان که خداوند عالم مانند مخلوقات که در مکانی قرار دارند،  
در هیچ مکانی نیست، پس حق تعالی نه در آسمان و نه در زمین و نه  
در عالم غیب و نه در عالم شهادت است. او جثه بزرگی ندارد که  
فضای عالم را پر کرده باشد، بلکه به ذات اقدسش حاضر است و  
هیچ مکانی از او خالی نیست.

این مطلب از فهم و درک ما خارج است و هم چنین صفت او نیز  
که نماینده اوست و در همه ذرات هستی حضور دارد از فهم، خارج  
است. هیچ جای عالم خالی از صفت فعل نیست و او همه جا را در  
بر گرفته است لذا این بزرگواران اراده الله و ید الله نامیده شدند و در  
جمع هستی جایی وجود ندارد که امام زمان علیه السلام در آن جا حضور  
نداشته باشد:

و ما یخفی علی الامام شیء (۲)

۲. الثاقب فی المناقب، ص ۴۶۲، ح ۹.

۱. بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۲۰.



چیزی بر امام پوشیده نیست .

در زیارت هر روز ماه رجب که از ناحیه امام عصر علیه السلام و به دست محمد بن عثمان بن سعید به شیعیان ابلاغ گردید، آمده است: آنها را ارکان یکتایی و نشانه‌های خود قرار دادی و آنها را جانشین خود در هر مکانی نشانیدی، هر که ترا شناخت به آن آیات (اثمه) و نشانه‌ها شناخت؛ تا جایی که می‌فرمایند:

لا فرق بینک وبينها إلا أنهم عبادک وخلقک. (۱)

میان تو (خدا) و آنها فرقی نیست جز آن‌که آنها بندگان تو و مخلوق تو هستند.

از این عبارت می‌فهمیم که خداوند هر چیزی را غیر از ذات مقدسش در ذوات مقدسه به ظهور آورده است و هیچ چیزی از خدایی خودش را در آنان کم نگذاشته است، زیرا می‌خواست که به وسیله این ذوات مطهره آن گنج (ربوبیت) را بشناسیم، پس باید همه چیز خود را در این‌ها نمایانگر کند تا ما حق تعالی را بشناسیم. برای درک مسئله حضور ائمه اطهار علیهم السلام در همه جای کائنات مثالی می‌زنیم: هوا در تمام مکان‌ها راه دارد ولی دیده نمی‌شود و همه جا از هوا پر شده است و هیچ چشمی نمی‌تواند آن را ببیند؛ حقیقت امام عصر علیه السلام نیز در تمامی ذرات هستی نفوذ دارد که در ادامه دعای ماه رجب آمده است:

فبهم ملأت سمائك وارضك حتى ظهر ان لا إله إلا انت.

از وجود ایشان (اثمه) آسمان و زمینت را پر کردی تا آشکار شود که

۱. مفاتیح الجنان: توفیق شریف از ناحیه مقدس امام عصر علیه السلام در دعاهاى هر روز ماه

خدایی جز تو در عالم نیست.

هوا چون لطیف است بر اثر لطافت دیده نمی شود، اما به عقل و درک می توان آن را فهمید، اما لطافت وجود امام زمان و انوار مقدسه آل محمد علیهم السلام آن قدر زیاد و متفاوت با درک عقلی است که نمی توان آن را درک کرد و از عقل ها و وهم های خلاق برتر است، در حدیث فرموده اند:

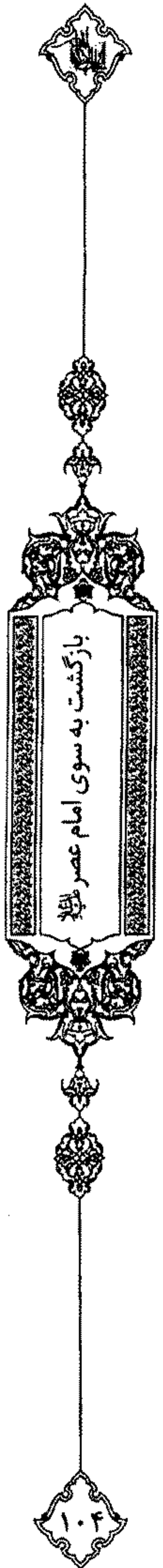
هیچ گاه به کنه عظمت و فضایل ما نمی رسید. <sup>(۱)</sup>

اگر این فراز از دعای ماه رجب را به خوبی درک کنیم چطور می توانیم درباره این ذوات مقدسه سخن بگوییم، این مطالب بجز برای خالی نبودن عریضه نیست چون در روایتی آمده است که هیچ کس نمی تواند ما را بشناسد، مگر کسی که ما بخواییم. <sup>(۲)</sup>

### معصومین علیهم السلام واسطه کل فیض الهی

پیش تر به این مضمون مطلبی بیان گردید که پیش از هر چیزی از جمله: رنگ ها و شکل ها، مکان و زمان، نور و ظلمت، بینایی و شنوایی، توانایی و ناتوانی، صحت و مرض، بالا و پایین و ... هیچ چیزی نبود و همه اشیا بعد از آن نور مقدس خلق شدند و چون اینان اولین خلق خدا هستند پس کل فیوضات و برکات اول به ایشان می رسد.

سپس به خاطر جود و کرم این بزرگواران فیوضات و برکات به همه موجودات جاری می گردد. قطب راوندی در کتاب خرائج از داود رقی نقل کرده است که محضر مبارک امام صادق علیه السلام شرفیاب



شدم به من فرمودند:

لولا اسمی و روحی لما اطردت الانهار و لا ائینعت الثمار  
ولا اخضرت الاشجار<sup>(۱)</sup>

اگر اسم من و روح من نبود رودها جاری نمی‌گشت و میوه‌ها  
نمی‌رسید و درختان سبز نمی‌شد.

به همین علت که اینان فیض او هستند همه پیامبران و مخلوقات  
آسمانی و زمینی از ناحیه حق، رعیت و جیره خوار اینان محسوب  
می‌شوند و هر چه دارند از محمد و آل محمد علیهم‌السلام است و همه  
رعیت‌ها باید تابع ایشان شوند؛ و هم‌چنین دین و شریعت آن‌ها،  
دینی جز دین محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیست که در زمان پیامبر ما به دست  
مبارک ایشان تکمیل گشت و در زمان ظهور به وسیله خاتم اوصیا  
حقیقت شریعت به کمال خود می‌رسد و به اجرا در می‌آید؛ از این  
جهت در روایت آمده است که در شب معراج فرشته‌ای به پیامبر  
عرض کرد: از این پیامبران بپرس به چه چیزی در دنیا مبعوث  
شدید، سؤال نمود و عرضه داشتند:

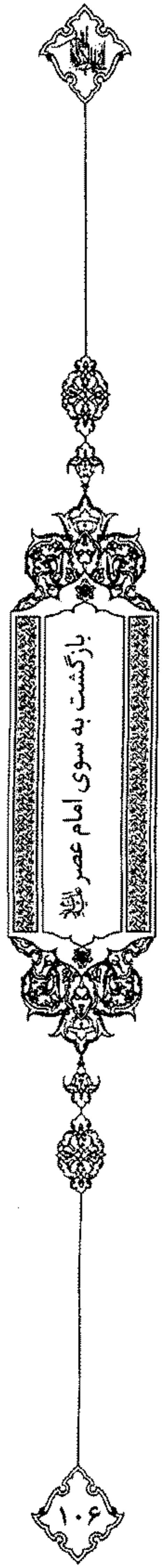
علی ولایتک و ولایة علی بن ابی طالب<sup>(۲)</sup>.

بر ولایت شما و ولایت حضرت امیر.

تمامی رسالت انبیا برای شناساندن توحید و شناساندن مقامات  
و فضایل آل محمد علیهم‌السلام بوده‌اند، البته پیغمبران چند دسته‌اند:  
الف - بعضی از آن‌ها بر هیچ قومی فرستاده نشده‌اند بلکه فقط  
نفس‌های طیب و طاهری داشتند و انسان‌هایی قابل فیض بودند آن

۱. بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۱۰۰.

۲. بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۳۰۷، ح ۷۰؛ المحتضر، ص ۱۲۵.



بازگشت به سوی امام عصر علیه السلام

هم فقط برای وجود و قرب خویش .

ب- بعضی دیگر علاوه بر این که مأمور بوده‌اند که فیض و فضل را به مردم برسانند، پیشوایی هم از پیغمبران بزرگ برای خود داشتند. مانند حضرت لوط که بر قوم خود پیغمبر بود و ملک بر او نازل می‌شد، اما پیشوایی نیز داشت که حضرت ابراهیم بود.

ج- بعضی از پیامبران مضافاً کتابی هم بر ایشان نازل شده بود و شریعتی داشتند که نسخ‌کننده شریعت‌های پیامبران سابق بود، مثل جناب نوح که صاحب شریعت بود اما حضرت ابراهیم آمد و آن شریعت را نسخ کرد و هم‌چنین حضرت موسی شرع حضرت ابراهیم را نسخ کرد.

د- بعثت بعضی از ایشان، هم برای خاص بود و هم برای عام مثل جناب نوح که بر همه انسان‌ها و حیوانات و غیره مبعوث شده بود ولی حضرت ابراهیم و موسی بر قوم مخصوصی مبعوث شده بودند. البته افراد از لحاظ غلبه نور بر ظلمت و یا بالعکس با هم تفاوت‌هایی دارند و هر چه ظلمت بر آنان چیرگی داشته باشد جهلشان بیشتر است و هر چه نور وجود بیشتر باشد عقل نیز کامل‌تر و سالم‌تر خواهد بود.

پیامبر گرامی ما که سراسر وجود ایشان نور خالص و خاص حضرت حق تعالی است عقل و علمشان بدون کوچک‌ترین نقصی به نهایت اعلی رسیده است و توانسته‌اند سراسر ملک و ملکوت را با نور وجود خودشان نورانی نموده و به فیض برسانند، لذا هر غنچه، گل، درخت، گیاه و جاننداری که رشد می‌کند و هم‌چنین همه نباتات و جمادات و گردش افلاکیان، از نور شریف وجود گرامی اول ما خَلَقَ اللهُ یعنی محمد و آل محمد علیهم‌السلام به فیض رسیدند و اینان روشنی‌بخش دیگران شدند و هر عملی تا به امروز و تا ابد الهام

گرفته از نور نبی اکرم ﷺ است که فرمودند:

### نحن اصل کلّ خیر. (۱)

ما اول و اصل هر خیر هستیم.

بلکه تمامی اختراعات مثبت و لوازم آسایش از قبیل نعمت نفت و گاز و خودروهای سریع السیر و غیره، همه به الهام و اراده نور آل الله یعنی مولا صاحب الزمان علیه السلام است که موجود می شود. و بدان که رسالت پیامبر ما با رسالت یکصد و بیست و چهار هزار پیامبر که مبعوث شدند فرق دارد زیرا رسالت ایشان به ولایت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام ختم گشت و بدین وسیله دین حق تکمیل شد:

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾. (۲)

امروز دین شما را برایتان کامل کردم و نعمت خودم را بر شما تمام نمودم و به دین اسلام برای شما راضی شدم.

نور علم و قدرت آل محمد علیهم السلام آن چنان زیاد است که اشرف موجودات شدند؛ و نور وجودشان بر خلاف انبیای گذشته تمامی گیتی را فرا گرفته است و با قدرت و علم خود از کل هزاران هزار عالم دیگر دستگیری می کنند عوالمی که از آن بهتر و قوی تر و عالی تر در عرصه امکان وجود ندارد.

پیامبر ما بدون واسطه و ارتباط با پیامبر دیگر و مستقلاً از ناحیه پروردگار، علم و شریعت را بیان و اجرا نمودند و پیشوا هم

۱. اصول کافی، ج ۸، ص ۲۴۲، ح ۳۳۶.

۲. سوره مائده، آیه ۳.

نداشتند و شریعت ایشان به وسیله پیامبر قبل و یا بعد نسخ نشد و تا قیامت نیز برپا خواهد ماند. ایشان بر انس، جن، ملک، نباتات، جمادات، حیوانات و موجودات دیگر، پیامبر است و امروز نیز هر موجودی بر اساس قابلیت خود از وجود نازنین امام عصر علیه السلام نفع می برد.

شریعت و طریق عبودیت حق تعالی برای همه موجودات مثل انسان، جن، ملائکه، حیوانات، جمادات و نباتات با هم فرق دارد و همه این ها بایک نگاه امام زمان علیه السلام دادرسی و فیض رسانی می شوند و ایشان بر تمامی ما سوی الله ولایت دارند و قرآن می فرماید:

هر چیزی تسبیح می کند و به حمد خدا در زمین مشغول است و هیچ پرنده در هوا نمی پرد مگر آن که آن ها هم امتی مثل شما هستند. (۱)

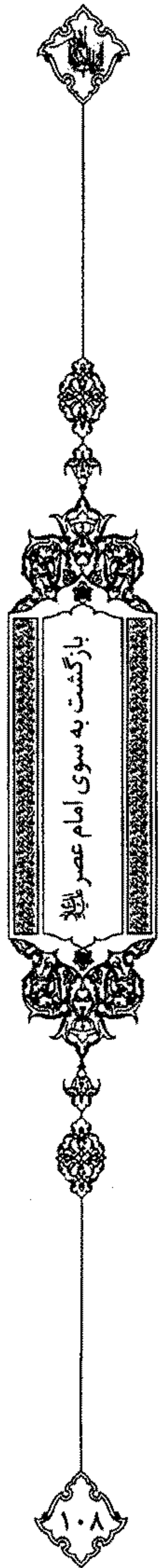
تسبیح و تقدیس ملائکه و موجودات دیگر باید با واسطه تعلیم و تربیت و جودی برجسته که همه جهات علم و قدرت را داشته باشد انجام گیرد و امروز کسی جز امام عصر علیه السلام واسطه تربیت نیست، بدین جهت صاحب رسالت آخرین و کامل ترین دین خدا شدند که فرمودند:

حلال محمد حلال الی یوم القیمة وحرام محمد حرام الی یوم القیمة. (۲)

حلال محمد تا روز قیامت حلال و حرام او تا روز قیامت حرام

۱. سوره انعام، آیه ۳۸.

۲. بحار الانوار، ج ۸۶، ص ۱۴۷؛ بصائر الدرجات، ص ۱۴۸.



خواهد بود.

### جهان در محضر امام معصوم علیه السلام

احاطه امام علیه السلام و نفوذ اراده و حضور ایشان در همه جا و کمتر از یک چشم به هم زدن انجام می شود و مثل نور چراغ است که به محض اتصال کلید، بالا، پایین، شرق، غرب، شمال و جنوب خود را نورافشانی می کند.

امام زمان علیه السلام در این مقام و مرتبه از جمیع جهت ها نظر و حضور دارند و هیچ کاری ایشان را از کار دیگر باز نمی دارد و امری از امر دیگر غافل نمی کند. همان حال که در مشرقند همان لحظه در مغرب حضور دارند و همان وقت که در آسمان هفتم تشریف دارند همان دم در زمین به فرمان روایی بر موجودات زمینی مشغول هستند و همان زمان که در غیب هستند همان موقع در شهود می باشند؛ مثل آفتاب که در یک لحظه ظاهر است و نورافشانی می کند و از همه جا مطلع است، در صورتی که خورشید به خاطر این بزرگواران خلق شد و تنها به اراده ایشان نورافشانی می کند. یکی از دلایل ارفع و اشرف بودن جسمیت محمد و آل محمد علیهم السلام از موجودات دیگر همین است که در یک لحظه در همه جا حضور دارند.

در روایت است که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در یک شب و در یک وقت در چهل خانه میهمان بودند، این مقامات از پایین ترین طبقه معرفت به نورانیت اینان است، آمده است:



## افضلکم ایمانا افضلکم معرفة<sup>(۱)</sup>

بهترین شما در ایمان آن کسی است که معرفت بهتری داشته باشد.

و شناخت به نورانیت ائمه علیهم السلام یعنی همین که عرضه می‌گردد. در تفسیر آیه: ﴿يَقِيمُوا الصَّلَاةَ﴾<sup>(۲)</sup> به زبانی ساده یکی از نازل‌ترین مراتب شناخت امامان معصوم علیهم السلام مطرح شده است که فرمودند:

هر کس ولایت مرا به پا دارد نماز را بر پا داشته است و بر پا داشتن ولایت من سخت و دشوار است و آن را تحمل نمی‌کند و طاقت پذیرش آن را ندارند مگر فرشته مقرب یا پیغمبر مرسل و یا بنده مؤمنی که خدا قلب او را برای ایمان امتحان کرده است.<sup>(۳)</sup>

خلاصه این که اقتضای بدن ایشان این شد که مثل ما بخورند، بیاشامند، راه بروند، بخوابند و...، تا مردم با اینان انس گیرند و سخنان ایشان را بشنوند و بدین طریق هدایت شوند. پادشاهانی که بر اساس جود و رأفت و مهر پدرانۀ خود آن چنان خاضع گردیدند که همگان حتی حیوانات بیابانی به راحتی بتوانند با ایشان تماس برقرار کنند و مورد لطف و هدایت قرار گیرند و رفع حاجت نمایند:

به نازم به بزم محبت که آنجا گدایی به شاهی مقابل نشیند  
فرموده‌اند:

أنا حجة الله على خلقه من أهل سماواته وأرضه وما في

۱. بحار الأنوار، ج ۳، ص ۱۴. ۲. سورة ابراهيم، آیه ۳۱.

۳. فرازی از حدیث معروف به «نورانیت».

السَّمَاءِ مِنْ مَلِكٍ يَخْطُو قَدَمًا عَنْ قَدَمٍ إِلَّا بَاذَنِي. (۱)

من حجت خدا بر تمام خلق از اهل آسمانها و زمین هستم و در آسمان فرشته‌ای قدم از قدم بر نمی‌دارد مگر به اجازه من.

امام علیه السلام در یک لحظه همه جا حضور دارند هم جسم و هم روح؛ مثلاً جسم پیامبر نیز آن چنان لطافتی داشت که بارها به معراج تشریف بردند و با این لطافت جسم، بدن ایشان دیده می‌شد؛ این بدین منظور بوده است که رعیت که وجودش مملو از ظلمت و کثافت است بتواند از وجود گرامی ایشان نفعی ببرد. بدن پاکشان همیشه باقی خواهد ماند و نه آب و نه آتش و نه خاک نمی‌تواند بر جسم شریفشان اثری داشته باشد. اینان به اراده حق تعالی از همه حوادث محفوظند مگر به اراده و خواست خودشان که در روز عاشورا شمشیر بر بدن مبارک امام و یا زهر بر بدن ایشان اثر می‌گذاشت؛ این بزرگواران تابع اراده و خواست حق تعالی هستند. بعضی‌ها می‌پندارند که غیر از این عالم ما دنیای دیگری وجود ندارد و پیغمبر و آل او فقط دارای همین جسم خاکی هستند که در زمین ظاهر شده‌اند، در صورتی که هزاران هزار عالم دیگر با تعدادی بی‌شمار مخلوقات وجود دارند و محمد و آل محمد علیهم السلام از آن عالم بالا در هر عالمی جلوه فرموده‌اند و لباس آن عالم را پوشیده و با زبان اهل آن سخن می‌گویند؛ ایشان هنگامی که به این دنیای ما تشریف فرما شدند به هیئت و شکل ما درآمدند و رسالت خود را به انجام رسانیدند.

آن بزرگواران لباس عالم اجسام را پوشیده و در میان مردم رفت و آمد می‌کردند و سخن می‌گفتند؛ در حدیث بساط آمده است که

حضرت امیر علیه السلام با اصحاب سفری داشته‌اند به عالم‌های دیگر که بسیار شیرین و طولانی است.

مؤمن باید ائمه اطهار علیهم السلام را از این دیدگاه بنگرد و به آن‌ها شناخت پیدا کند و بداند که حقیقت و ذات آن بزرگواران نسبتی به این جنبه جسمانی ندارد.

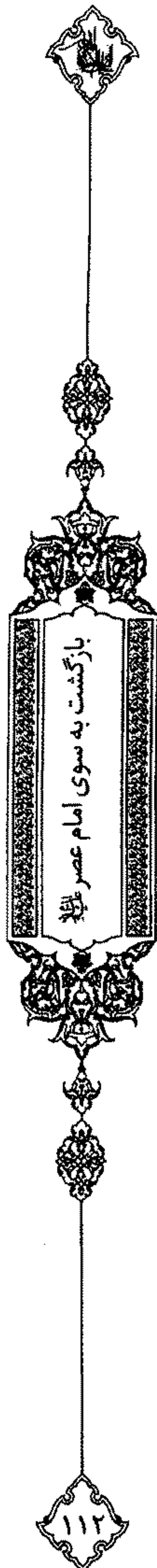
این نوع معرفت به نورانیت ایشان برای اهل آسمان‌ها باعث شرف و افتخار شد؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند:

یا علی علیه السلام يتفاخرون اهل السماء بمعرفتك ويتوسلون الي  
الله بمعرفتك وانتظار امرك. (۱)

یا علی، موجودات آسمانی به معرفت تو افتخار می‌کنند و به وسیله شناخت به تو و انتظار امرت به خدا متوسل می‌شوند.

اعتقاد شیعه در مورد ائمه اطهار علیهم السلام باید برتر از این باشد که آنان را فراتر از یک انسان خاکی و با قدرتی خارق العاده بدانند که در خیبر را می‌کند، بلکه بایستی با عینک نورانی به این انوار مقدسه نگریم. البته ظرف وجودی کره خاکی، مخصوصاً ما انسان‌ها در برابر یک دریای بی‌انتهای عظمت و شأن آل محمد علیهم السلام بسیار کوچک است.

همه مردم در این جسم دنیایی با هم شریک هستند و هوش و شعور این عالم را دارند و به همین خاطر این چهارده نور شریف در این دنیا به لباس و هیئت بشری ظاهر شدند و بر همگان تکلیف شد که از ایشان پیروی کنند و به مقامات ایشان شناخت پیدا کنند و هر کس به قدر قابلیت و فهم خودش که ظرف وجودی اوست تکلیف



دارد.

امروزه به لطف مولا صاحب الزمان علیه السلام شعور و فهم و محبت مردم به خاندان وحی بیشتر از زمان‌های قدیم است و چون انتظار نزدیک بودن به زمان ظهور را داریم - ان شاء الله - مصلحت در این است که علم به مقامات اهل بیت و این معارف حقه کم کم منتشر گردد تا حاملان این فضایل آن را به گوش جان طالبان خاندان وحی برسانند، تا استعدادها شکوفا شود و بتوانند در مراحل بعد، به آسانی تفصیل این تفضل را بشنوند.

### مشاهده حق تعالی

حق تعالی جلّ شأنه از رتبه خدایی خود هرگز پایین نمی‌آید تا مردم او را مشاهده کنند و از او چیزی بشنوند:

﴿لاتدرکه الابصار و هو یدرک الابصار﴾<sup>(۱)</sup>

دیدگان از دیدن او عاجز است و او دیدگان را می‌بیند.

مردم نیز هرگز از رتبه بندگی خود بالاتر نمی‌روند و خدا را مشاهده نمی‌کنند و از او چیزی نمی‌شنوند و ذات باری تعالی برتر از این است که به دیدن و یا به لمس کردن در آید.

پس در این میان برای پیشرفت بندگی و اصلاح فساد باید بین این دو واسطه‌ای باشد که همانا محمد و آل محمد علیهم السلام هستند و خلائق ناچارند که از ایشان تعلیم و تربیت بیاموزند و اطاعت و محبت ایشان بر خلق واجب شد.

اینان برگزیدگان از میان خلق هستند که از جهت صافی طینت قابلیت آگاهی و حمل اسرار الهی را دارند؛ اینان خزانه‌داران و

معدن برکات و فیوضات حق تعالی هستند و پرده از چشم ایشان برداشته شده است تا صلاح و فساد خلق را مشاهده کنند. خداوند به عنایت‌های خاصه خویش و مرحمت‌های بی‌کران، این ذوات مقدسه را به حکمت خود تربیت نمود و ایشان را بر چند و چون موجودات هستی مطلع گردانید به طوری که از ریز و درشت و ظاهر و باطن ذرات باخبر شدند و امروز امام عصر علیه السلام این مقام را دارا است.

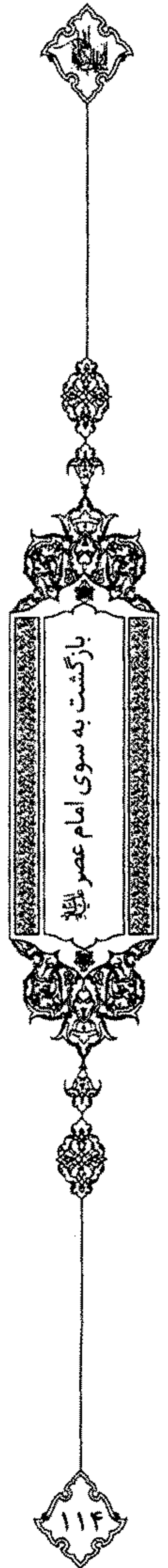
انسان با این نوع شناخت، به مقام بندگی می‌رسد؛ از مفضل نقل شده است که امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

یا مفضل! من عرفهم کنه معرفتهم کان مؤمناً فی السنم  
الاعلیٰ (۱)

ای مفضل! هر که آنها را به حقیقت معرفت بشناسد مؤمن و در درجات اعلائی ایمان قرار دارد.

پس خداوند متعال آنها را در میان خلایق امین خود قرار داد و ایشان را وجه، زبان، چشم، گوش، قلب، خون، دست، باب و... خویش قرار داد.

خداوند خلق را به گفتار و شریعت و علم آنها دعوت نمود و پیروی از ایشان را پیروی از خودش و خشنودی و غضب اینان را غضب و رضایت خودش قرار داد و باید دانست که فقط این انوار مقدسه عاقل، کامل و بینا هستند و بقیه موجودات نابینا، جاهل و ناقص هستند. هر کس به تکامل و روشنایی رسید به برکت دستگیری و عنایت خاصه ایشان بوده است و آنها به جسم



درآمدند تا همه موجودات هدایت یابند و همه به سوی معرفت الله و تسبیح و تقدیس حق تعالی مشغول شوند.

پس تاکنون به این نتیجه رسیدیم که پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام از جنس ما هستند ولی با صفات کامله و عالیه و ایشان از همه جهات اشرف و اعلی هستند، حتی جسم ایشان از عناصر چهارگانه و نباتی و جمادی به وجود آمده است اما از عرش، کرسی، انس، جن و ملک شریفتر، بهتر، قویتر، کاملتر و فاضلتر هستند.

یکی از دلایل این مطلب معجزات جسمی ایشان بوده که در تاریخ ثبت است، مثل: شق القمر، ردالشمس و...؛ مخصوصاً کلام آسمانی قرآن که از معجزات عظیمه است از دو لب مبارک ایشان جاری شده است.

ما اینان را قطب و قلب عالم امکان دانستیم و گفتیم که اینان اصل و منشاء فیض کُل هستند، پس جسم ایشان نیز باید غالب شود و ارفع از همه اجسام باشد؛ این جا به طور مختصر بعضی از جهات جسمانی اینان را عرضه می‌داریم:

لا تتكلموا في الإمام، فإن الإمام يسمع الكلام و هو جنين في بطن أمه. (۱)

در مورد مقام و منزلت امام صحبت نکنید چرا که او کسی است که در رحم مادرش می‌شنود.

و چون مادرش او را بزاید فرشته‌ای در میان دو چشمش این آیه را می‌نویسد:

﴿ وَ تَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقًا وَ عَدْلًا لَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَ  
هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴾ (۱)

سخن پروردگارت به صدق و عدل کامل شد، هیچ تبدیل  
کننده‌ای برای سخنان او نیست و او شنوای داناست.

بوی بدن امام علیه السلام از بوی مشک پاکیزه‌تر و خوشبوتر است و امام  
آن کسی است که در مقابل آفتاب سایه ندارد، خواب و بیداری  
ایشان یکسان است، از پشت سر می‌بیند همان‌گونه که با دو چشم  
می‌بینند، مرگ و زنده بودنشان یکی است چرا که در زیارت امام  
رضا علیه السلام می‌خوانیم:

تشهد مقامی و تسمع کلامی و ترد سلامی. (۲)

مقام مرا می‌بینی و کلام مرا می‌شنوی و جواب سلام مرا می‌دهی.

فضولات در بدن مبارکشان یافت نمی‌شود یا این که فرموده‌اند:

فما خرج منا من شيء ابتعلته الأرض. (۳)

هر چه از ما خارج می‌شود زمین آن را فرو می‌برد.

و برای ایشان مرگی نیست مگر به اختیار خودشان.

پس ای برادر فهم و درک خود را در این خاکدان، زندانی نکنید  
و سعی کنید که بالاتر روید؛ امام صادق علیه السلام به نقل از پدرشان  
فرموده‌اند که قدر و منزلت شیعه را به میزان روایت‌ها و معرفت  
آن‌ها بشناس؛ همانا معرفت یعنی درایت و فهم دقیق روایت و به

۲. مفاتیح الجنان، زیارت نامه امام رضا علیه السلام.

۱. سوره انعام، آیه ۱۱۵.

۳. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۳۹.

وسيلة فهم دقیق در روایات است که مؤمن به بالاترین درجات ایمان دسترسی پیدا می کند. (۱)

آن بزرگواران مقام های بی شماری دارند که این فضل و بزرگی تنها یکی از فضایل بی کران آنهاست.

### خلقت نوری

نطفه ایشان از یک نور شریف است که در صلب جناب آدم به ودیعه نهاده شد؛ و فرموده اند که از صلب پدری به پدر دیگر وارد و از رحم مادری به مادر دیگر منتقل شده اند نه این که - نعوذ بالله - از آب گندیده و نطفه پست و نجس باشند، بلکه نوری هستند که از صلب های پاک انتقال داده شده اند.

جناب عیسی یکی از رعیت های پیامبر ماست و به وسیله خضوع در برابر ائمه ما به این مقام رسیده است زیرا در روایت می فرمایند که هیچ پیامبری به نبوت نرسید مگر از طریق معرفت نسبت به حق ما. (۲)

ایشان از نطفه ای بدون آلودگی شهوانی و خارج از رحم مادرش پاک و مطهر ساخته شده و در رحم حضرت مریم به صورت اعجاز گذاشته شده بود، طعام جناب حضرت مریم نیز از عالم بالا نازل می شده است. طبق بعضی از روایات در برخی از مواقع خوراک و طعام محمد و آل محمد علیهم السلام از بهشت نازل می شده است:

یا سلمان؛ هذا طعام من الجنة لا يأكله أحد حتى ینجو من الحساب. (۳)

۱. معرفت امام عصر علیه السلام از بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۸۴.

۲. بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۲۸۱      ۳. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۱۸.



ای سلمان؛ این غذای بهشتی است کسی از آن نمی‌تواند میل کند تا این‌که از حساب قیامت فارغ شود.

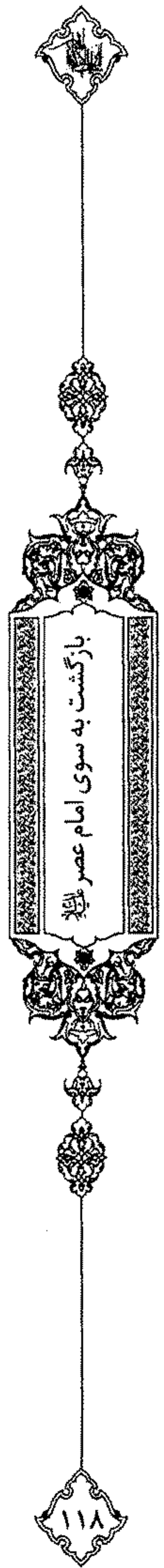
جابر از پیامبر ﷺ پرسید که خلقت شما چگونه است؟  
فرمودند:

جابر از یک مطلب بسیار مهم و بزرگ و عظیمی سؤال کردی کسی نمی‌تواند جوابش را تحمل کند مگر کسی که از طرف خدای بزرگ نصیب بزرگی از معرفت و ایمان را دارا شده باشد.

اما جسم شریفشان بعد از مرگ پوسیده نمی‌شود، حتی گوشت و پوست و مو بر اندام امام باقی می‌ماند. در روزگاران گذشته بارها دیده شده است - و حتی در همین دههٔ اخیر - که اجساد انسان‌های شریف و مؤمن مثل امام زاده‌ها بعد از بودن صدها سال در زیر خاک مانند روز اول دفنشان تازه مانده بوده‌اند. <sup>(۱)</sup>

پس معلوم شد که بدن ایشان سماوی و روحانی است مانند ستارگان آسمان که بالای سر ما هستند، ما آن‌ها را با چشم سر می‌بینیم ولی در عین حال سماوی هستند. این‌که حضرت امیر علیه السلام در یک شب و در یک لحظه در چهل خانه تشریف داشتند مثل این است که وجود شما در چهل آینه بیفتد و اگر هزار تا آینه هم باشد فرقی ندارد. البته شکی نیست که در این نمونه‌ها حقایق بیشتری وجود دارد که ما نمی‌توانیم آن‌ها را درک و فهم کنیم؛ این مثال‌ها فقط برای آسان شدن مطلب است.

و هم‌چنین است که وجود حضرات معصومین علیهم السلام فضای عالم هستی را پر کرده است و هیچ جای خالی وجود ندارد که امام



زمان علیه السلام در آن جا نباشد. ایشان رحمت و اسعه حق هستند هم چنان که خورشید در یک لحظه به همه جانورافشانی می کند.

امام عصر علیه السلام همانند خورشید در یک لحظه از جمیع موجودات هستی دادرسی نموده و به آنها فیض رسانی می کند و اوست غوث عالمیان.

هم چنان که جناب عزرائیل در یک لحظه هزاران نفر را در جاهای مختلف زمین، قبض روح می فرمایند:

در تاریخ ذکر شده است که وقتی طلحه لعنه الله علیه در جنگ تیر خورد شخصی به او گفت: وای بر تو چه کسی بر تو تیر زد؟

گفت: حضرت علی علیه السلام. گفتند: او که با تیر نمی جنگد، او شمشیر دارد. گفت چه فایده که شما نمی بینید که علی علیه السلام هم با شمشیر و هم با نیزه و هم با تیر می جنگد و به آسمان بالا می رود و به زمین فرود می آید و به هر کسی که بگوید بمیر، می میرد.

این ها همه با همین جسم شریف بوده است که ارفع از تمام اجسام است؛ برای تحکیم بخشیدن به روح ایمان و بیان یکی از این فضایل و مناقب روایت زیبایی را ذکر می کنیم:

محمد بن جریر طبری در کتاب *دلائل الامامة* از جمهور بن حکم نقل کرده است: حضرت علی بن الحسین علیه السلام را دیدم در حالی که بال و پر داشت؛ دیدم که به فضا پرواز کرد و بعد از مدتی فرود آمد و فرمود:

رایت الساعة جعفر بن ابي طالب علیه السلام فی اعلى علین،  
فقلت وهل تستطيع ان تصعد<sup>(۱)</sup>

۱. خوانندگان محترم می دانند که بعضی از مثال ها یا فضایل بیش از یک مرتبه و در قسمت های مختلف کتاب حاضر ذکر گردیده است. این بدان جهت است که این اعتقاد علیه السلام

الآن جناب جعفر طیار را در بالاترین مکان رفیع بهشتیان دیدم . به آن حضرت عرض کردم آیا شما می‌توانید به آسمان‌ها بالا روید ؟

فرمود:

نحن صنعناها فكيف لانستطيع ان نصعد الى ما صنعناه؟  
نحن حملة العرش. (۱)

ما خود آن‌ها (آسمان‌ها) را بنا کرده‌ایم چگونه نمی‌توانیم به آن جایی که ساخته‌ایم بالا رویم؟ نگاه‌دارنده عرش ما هستیم .

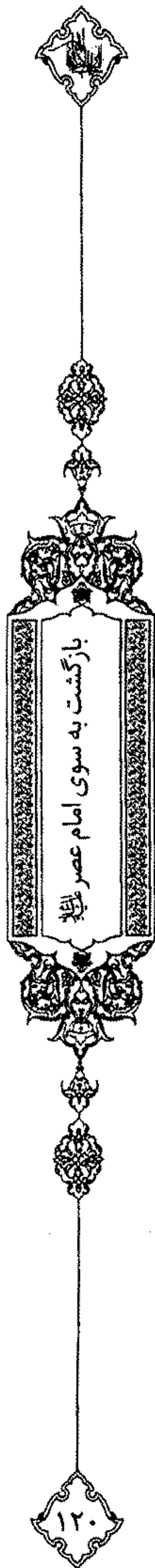
و ای برادر بدان که اگر دل و سینه‌ات پذیرش این فضایل باشکوه را داشت خدای را بسیار شکر کن . در روایت آمده است که همانا گفتار و احادیث آل محمد علیهم‌السلام بزرگ و دشوار است ، به آن ایمان نمی‌آورد مگر فرشته مقرب و پیغمبر مرسل و یا بنده مؤمنی که قلبش آزمایش شده باشد؛ (۲) امام معصوم علیه‌السلام می‌فرمایند: پس آنچه از احادیث آل محمد علیهم‌السلام به شما می‌رسد و دل‌های شما می‌پذیرد و آن را می‌فهمد قبول کنید و آنچه دل‌های شما آن را نمی‌پذیرد و انکار می‌کند آن را به خدا و رسول و عالم آل محمد علیهم‌السلام ارجاع دهید . هلاک شونده آن کسی است که حدیثی از ما اهل بیت برای او گفته شود اما او نتواند آن را قبول کند ، پس بگوید: به خدا قسم این چنین نیست؛ زیرا انکار فضایل و فرمایشات ایشان کفر است . (۳)

کاملاً در فکر ما جایگاه پیدا کند هم‌چنان که قرآن یک مطلبی را ده‌ها و صدها بار ذکر می‌کند .

۱. دلایل الامامة، ص ۸۶؛ القطرة، ج ۱، ص ۴۹۶.

۲. حدیث نورانیت.

۳. بصائر الدرجات، ۱۲۳؛ بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۳۶۶، ح ۷.



پس اگر این نوع فضایل و مقامات نورانی که در این کتاب و یاد کتاب‌های دیگر مطالعه فرمودید و برای شما سنگین و قابل هضم نبود نباید خدای ناکرده انکار نمایید زیرا فرموده‌اند که ردّ فضایل ما با انکار ما برابر است؛ بلکه باید به ساحت مقدس امام عصر علیه السلام متوسل شویم و عاجزانه و با تضرع از امام علیه السلام، توفیق معرفت و محبت را درخواست نماییم تا با نگاه طیبانه حضرت سینه‌ای گشاده به ما داده شود و ظرفیت و قابلیت و استعداد مانیز زیاد شود، در این صورت است که پذیرش فضایل نورانی ائمه اطهار علیهم السلام آسان می‌شود و با فروتنی و استغاثه می‌توان به معرفت نورانیت - اگر هم از پایین‌ترین درجه باشد - دست یافت. طبق روایات موجود هدف از خلقت، کسب این معرفت است تا بدین طریق حق تعالی شناخته و پرستش گردد، فرموده‌اند:

### افضلکم ایمانا افضلکم معرفة. (۱)

بهترین شما در ایمان آن کسی است که معرفت بهتری داشته باشد.

ما باید بدانیم که حرکت و حول و قوه ائمه اطهار علیهم السلام از حرکت و قوه حق تعالی است و وجود ایشان با التفات خداست و هیچ موجودی در هستی نیست مگر به اذن و اراده حق تعالی؛ مثلاً وقتی شما چیزی می‌نویسید آیا همه وجود شما می‌نویسد یا فقط دست شما این کار را انجام می‌دهد و آیا دست شما مستقلاً می‌نویسد و یا به اراده و اذن شماست؛ بدین ترتیب همه فیض و خیرات به اذن حق تعالی و به دست یداللهی امام عصر علیه السلام باید جاری گردد و به این ترتیب گردش و نظام هستی و همه امور ریز و درشت تنها با دست باکفایت ایشان حرکت می‌کند، زیرا آن‌ها اراده الله هستند و خدا

فیاض است و با هر سببی و با هر وسیله‌ای - که اعظم و اول اسباب محمد و آل محمد علیهم‌السلام است - به بندگانش فیض می‌رساند:

ابی‌الله ان یجری الاشیاء الا بالاسباب<sup>(۱)</sup>

خداوند در نظام حکیمانه خود این‌طور قرار داده است که کاری را بدون اسباب انجام ندهد؛ پس باید کارها با وسیله انجام گیرد و اولین اسباب و مؤثرترین سبب در جمیع امور تکوینی و تشریحی محمد و آل محمد علیهم‌السلام هستند.<sup>(۲)</sup>

ما تا این‌جا سر رشته معرفت به نورانیت را در پایین‌ترین درجه آن به حول و قوه الهی به دست آوردیم، با قدم گذاشتن به پله‌های بعدی بعضی از مسائل مشکله به وجود می‌آید که امیدواریم آن حضرت به وسیله اولیای خود آنها را برای ما حل نمایند.

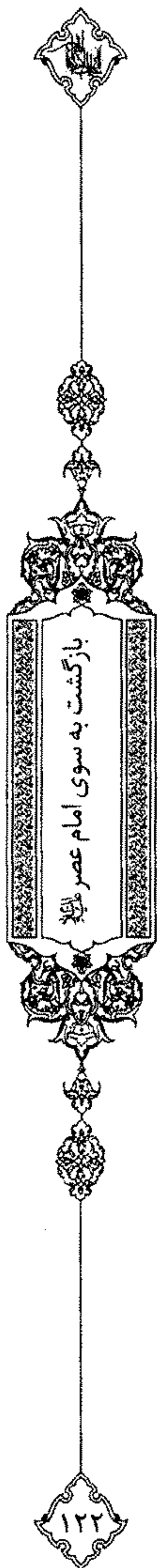
### مقام بشری پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

بعضی از ناصبیان و منکرین فضایل اهل بیت علیهم‌السلام خدشه وارد می‌کنند که پیامبر در قرآن فرموده است من نیز بشری هستم مثل شما و تفاوت من با شما فقط وحی است.

می‌پرسیم: آیا پیغمبر مثل بشر ناقص است یا کامل؟ اگر بگویند ناقص است، پس باید معصوم نباشد چون معصوم کسی است که نباید هیچ نقص و عیبی داشته باشد؛ و اگر بگویند انسان کامل است می‌گوییم انسان‌های کامل چه کسانی هستند؟ آیا مؤمنانند یا پیامبران؟ مؤمنان در خیلی موارد خطا کرده‌اند و یا حداقل گناهان

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۱۸۳.

۲. نماز اعظم ارکان دین به نقل از بحار الانوار، ج ۴، ص ۸۴.



صغیره انجام داده‌اند و معلوم است که مؤمنانِ ردیف اول هم به جهت نقص، معصوم نیستند؛ وانگهی از ائمه و پیامبر ما ترک اولی هم سر نزده در صورتی که از پیامبران گذشته ترک اولی سر زده است؛ و اگر در جمیع چیزها مانند پیامبر باشند پس باید به آن مؤمنان نیز وحی می‌شد، اما این را می‌دانیم که وحی نشده است.

معنای آیه قرآن که می‌فرماید من بشری هستم یعنی من نیز مانند شما خالق دارم و جنبه بشریت من مثل شماست، می‌خورم، می‌خوابم، راه می‌روم و....

وقتی پذیرفتیم که به پیامبر وحی می‌شود باید منتظر این هم باشیم که بفرماید حقیقت من مثل شما نیست و من مثل شما بشر عادی نیستم فقط جنبه جسمانی ما با شما به یک شکل است. البته قبلاً تفاوت‌های جنبه بشری ائمه را نیز توضیح دادیم که اگرچه این‌ها بشر هستند ولی با ما خیلی فرق‌ها دارند؛ به هر حال به افراد خاص وحی می‌شود نه هر کسی. این قضیه برای شیعیان حل شده است و اگر پیامبر گرامی مثل ما انسان‌ها بود دیگر به او وحی نمی‌شد و او رابط بین خالق و مخلوق نمی‌شد.

آن‌ها آن چنان به نهایت تکامل و قرب رسیده بودند که آیینه وجود ایشان اشباع شده بود از آفتاب توحید؛ دیگر شکل آیینه پیدا نبود همه جا از وجود پیامبر و خاندانش و از نور الهی پر شده بود که همان نور و تابش وحی بود، در آیه شریفه می‌فرماید:

﴿ فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا ۝ ﴾<sup>(۱)</sup>

هر کس لقای پروردگار را می‌خواهد و از ملاقات پروردگار خود می‌ترسد باید عمل صالح و خالص برای خدای یگانه انجام دهد و توجه خود را از غیر حق تعالی بردارد و هیچ کس را شریک در عبادت قرار ندهد.

یکی از اولیای حق معنا و شرح این آیه را این طور می‌فرمودند که بهترین نوع عمل صالح متابعت حق تعالی است و او چنین می‌فرماید: اگر خود را به شکل من بسازید و تابع من شوید و مرا مشایعت و متابعت کنید... تا آن جا که مورد شعاع نور من قرار بگیرید و شیعه من شوید... با من مناسبت پیدا خواهید کرد و آن موقع من شما را دوست دارم.

بزرگ‌ترین عمل عبادی و خیر متابعت از ائمه اطهار علیهم‌السلام است و به غیر از پیامبر و وصی او از کسی پیروی نکنید که مشرک به پروردگار می‌شوید، پس چون خالص شوید و با تمام وجود به سوی پیامبر و خاندانش روی بیاورید همانند آن است که به خدا و ملاقات خدا مشتاق شوید که حق تعالی فرموده‌اند:

### فمن وصلک وصلته. (۱)

کسی که با تو (پیامبر) پیوندد، من به او می‌پیوندم

بله فرق بشریت پیامبر و بشر بودن ما این است که خداوند ایشان را به جایی برد که از او هام و اندیشه‌ها برتر شدند. در کتاب *تأویل الآیات* از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است که آن حضرت فرمودند:

نحن الصلاة فی کتاب الله عزوجل و نحن الزکاة و نحن

الصيام و نحن الحج و نحن الشهر الحرام و نحن البلد  
الحرام و نحن كعبة الله و نحن قبلة الله و نحن وجه الله  
قال الله تعالى: فأينما تولوا فثم وجه الله و نحن الآيات  
و نحن البيئات. (۱)

مقصود از نماز، زکات، روزه، حج، مکه، کعبه و قبله در کتاب  
خداوند ما هستیم؛ وجه خدا ما هستیم که حق تعالی فرموده‌اند به  
هر کجا روی آورید آنجا وجه خداوند است و مراد از آیات و  
بیئات ( نشانه‌ها و دلایل ) ما هستیم.

خلاصه این که این ذوات مقدسه از هیچ جهتی با سایر بشر قابل  
قیاس نیستند و در آینه وجود پیامبر، یگانگی خدا عکس انداخته  
است و ایشان و خاندانش نیز از همه جهات یگانه شدند و بالعکس  
وجود ما پر از گرد و غبار دنیوی است، مگر به عنایت خاصه امام  
عصر علیه السلام آینه وجودمان با متابعت از ولی حق تحت شعاع نور  
توحیدی قرار بگیرد تا به مصداق آیه قرآن دارای عمل صالح  
شویم.

### مظاهر صفات الهی

ما با قدم گذاشتن در پله اول معرفت - که شاید از هزاران پله  
تشکیل شده باشد - در می‌یابیم که ائمه اطهار علیهم السلام ظاهر خدایند و  
تمامی صفات و کارهای خدایی در ایشان ظاهر است و در روایت  
است که دیدار ایشان دیدار خداست و معرفت به ایشان معرفت  
خداست و ...؛ در روایت است که هر کس امام رضا علیه السلام را زیارت کند  
مثل آن است که خدای تعالی را در عرش زیارت کرده است.

۱. تأویل الآيات، ص ۲۱؛ بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۳۰۳.



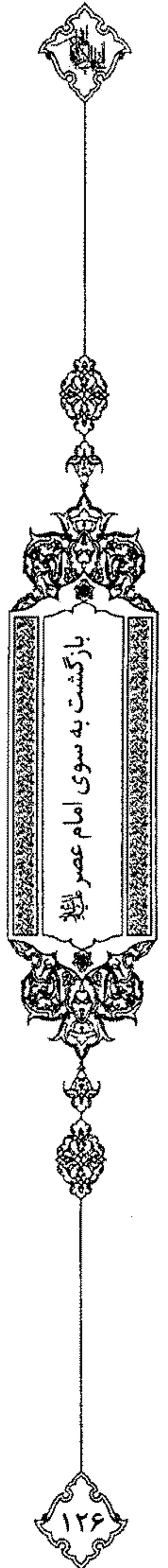
اصل و هدف از این روایت، ارزش و منزلت ائمه را در پیشگاه حق تعالی می‌رساند؛ اما خدای تعالی که دیده نمی‌شود پس نکته اصلی این روایت شریف این است که خدای بزرگ اینان را پیدایی خویش قرار داده است و به وسیله همه صفات خویش در ایشان ظاهر شده است و هر کس به زیارت اینان برود گویی به زیارت همه صفات خدا رفته است؛ مثلاً اگر شما به دیدن شخصی می‌روید رنگ، شکل، حرکات، سکنت و اخلاقیاتش را که جمع صفت اوست می‌بینی نه اصل ذات و وجود او را. ان شاء الله به وسیله این مثال و بادست ولی حق در سینه‌های اهل فهم دقتی نوری ایجاد شده تا مطلب آسان گردد؛ فرموده‌اند:

نور یقذفه الله فی قلب المؤمن فینشرح له صدره و  
ینسح. (۱)

و آن نوری است که خدا در قلب مؤمن می‌اندازد و در نتیجه سینه‌اش باز و گشاده می‌گردد.

ان شاء الله به وسیله تضرع و استغاثه به درگاه ولی الله اعظم، خداوند بر ما بیچارگان و نابینایان وادی معرفت رحمی بفرماید تا آن نور بر دلهایمان پایدار گردد.

امیدواریم که ما از آنانی نباشیم که فکر می‌کنند با عرضه داشتن این مقامات اولیه به ائمه اطهار علیهم السلام خدای ناکرده در شأن و عظمت ایشان غلو شده است؛ بلکه بدانید که غلو یعنی امام را خدا دانستن و آن با کفر مطلق مساوی است، چون هم عقل سلیم بدان حکم می‌کند و هم خودشان بارها فرموده‌اند که برای ما ربّ و خالق



بدانید و ما را مخلوق آن پروردگار اعلیٰ بدانید، لکن پس از آن هر چه می‌خواهید درباره فضل ما بگویید و بدانید که هیچ‌گاه به حقیقت فضایل و مقامات ما نخواهید رسید:

اجعلونا مخلوقین و قولوا فینا ما شئتم فلن تبلیغوا. (۱)

و حقیقتاً ما در این باره بسیار کوتاهی کرده‌ایم چون خیلی از سنی‌ها هستند که محبت و شناخت آن‌ها به ائمه از ما محبین بیشتر است؛ حال آیا در مطالبشان راست یا دروغ می‌گویند جای بحث و تعجب است.

ابن ابی الحدید سنی می‌گوید: «و رایت دین الاعتزال و انبی اهوٰی لأجلک کل من یتشیع» اگر چه من یک سنی (معتزلی) هستم لکن از برای خاطر تو ای علی علیه السلام جمیع شیعیانت را دوست می‌دارم.

اما ممکن است که یک محب امیرالمؤمنین علیه السلام به خاطر بعضی از مسائل دنیوی بغض برادر دینی خود را به دل بگیرد و به تهمت و غیبت برادرانش بیافتد؟! در صورتی که روایت است: دوست بدارید دوستان امیرالمؤمنین را، حتی اگر قاتل پدر یا فرزندان باشد.

ابی الحدید در ادامه می‌گوید: یا علی علیه السلام برای ذات تو تنزیهی است، برای قبر تو طهارتی، برای رخسار تو تعظیمی، تو آن قدر بزرگ هستی که مافوق نداری و کارهای خدایی بسیاری از تو سر می‌زند پس زیانکار است دشمنی قدر و منزلت تو؛ و در جای دیگر می‌گوید: «علام اسرار الغیوب و من له خلق الزمان و دارت الافلاک»، حضرت امیر علیه السلام دانای اسرار غیب‌های الهی است، او

علت غایی ایجاد زمان است و برای ظهور قدر و منزلت تو، زمان خلق شده و افلاک در گردش است.  
باز می‌گوید:

الا انما الاقدار طوع يمينه فبورك من وتر مطاع وقادر

آگاه باش که قضا و قدرهای خدای تعالی مطیع دست اوست، پس مبارک است آن یگانه مطاع و قادر.

البته گفتارهای شافعی و دیگران و حتی غاصب اول نیز درباره فضایل حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آن قدر زیاد است که مجالی برای ذکر آنها نیست، اما مهم این است که بدانیم سنی‌ها ائمه ما را پیشوا و مطهر می‌دانند و اجماع نظر آنها این است که دوستی ائمه ما واجب و بغض به امامان ما خلاف کتاب و سنت رسول الله است، پس فخری برای ما محبین امیرالمؤمنین نباشد که ائمه را امام می‌دانیم و ایشان را دوست می‌داریم، اما فرق ما با آنها باید کوششی باشد در جهت دستیابی به معرفت واقعی و محبت حقیقی؛ اصل این قضیه و جدایی ما از آنها از بین این همه مورد اختلاف، یکی به این است که فرموده‌اند:

هل الدين الا الحب والبغض. (۱)

آیا دین چیزی جز دوستی و دشمنی است؟

یک محب اهل بیت باید یقین کند که هدف از خلقتش این بوده است که شب و روز همتش در کسب و نشر فضایل و مناقب این انوار مقدسه باشد و باید که جمیع علوم دینی خود را از ایشان اخذ کند که مستند به احادیث ائمه باشد و یک شیعه باید این را شعار

خویش و محور اعمال خود قرار دهد و بداند که ظهور و بروز فضایل ائمه اطهار از جمیع ضروریات اسلام مهم‌تر و واجب‌تر است؛ در روایت است:

بعضکم اکثر صلاة من بعض و بعضکم اکثر حجاً من بعض و بعضکم اکثر صدقة من بعض و بعضکم اکثر صیاماً من بعض و أفضلکم أفضلکم معرفة<sup>(۱)</sup>.

برخی از شما بیشتر از همه اهل نماز هستید و بعضی بیشتر از همه اهل حج و بعضی بیشتر از همه اهل صدقه و برخی بیشتر از همه اهل روزه گرفتن هستید، اما بهترین شما آن‌هایی هستند که معرفت بهتری نسبت به ما داشته باشند.

خدای ناکرده از آن‌هایی نباشیم که در مدح و فضیلت مولا یمان تنها بگوییم که ایشان کننده در خیبر بوده و کُشنده پهلوانان عرب و فاتح جمیع جنگ‌ها ولی آن سنی آن‌طور از فضایل اهل بیت بگوید که حقیقتاً ما از محب بودن خود در برابر اقرار آن‌ها به فضایل ائمه شرمنده باشیم.

و باید دانست که فضایل امامان ما آن‌چنان از حدّ افزون‌تر است که فرموده‌اند:

لو انّ البحر مداد والغياض اقلام و الانس کتاب والجن حساب ما احصوا فضائلک یا اباالحسن<sup>(۲)</sup>.

ای اباالحسن (علی) اگر دریاها مرکب، درختان جنگل‌ها قلم، انسان‌ها نویسندگان و جنیان حسابگر شوند نمی‌توانند فضایل تو را بشمارند.

درک این مطلب که فضایل ائمه اطهار چرا از شمارش و عدد خارج است همانند این است که شما آینه کوچکی را زیر آسمان نگه دارید و بخواهید که ستاره‌های بی شمار آسمان را در این آینه کوچک ببینید؛ این غیر ممکن است چون وسعت آینه در برابر این همه ستارگان بی شمار خیلی کوچک است، به همین دلیل ستارگان فضایل و صفات عالیه معصومین علیهم السلام از حد و اندازه و شمارش فزون تر است و کدامین فهم و فکر و درک می تواند جمیع این کمالات را دریابد و درک کند و هم چنان که ذات حق تعالی یگانه است و قابل فهم و درک نیست صفاتش نیز باید نزد مخلوقات چنین باشد؛ در روایت است که در وادی امامت عقول دچار سرگردانی، فهم‌ها و شعورها دچار تحیر، فکرها در حیرت و... هستند.

\*\*\*

خدا را بی نهایت حمد و سپاس می گوئیم و رحمت خاصه الهی شامل آن اشخاصی باشد که این معارف نورانی را به ما آموختند؛ و امید است که سینه به سینه از ما و شما به دیگران برسد تا بدان جا که به مقام «و یقتص آثارکم» برسد، یعنی ما را از کسانی قرار بدهند که گوینده آثار و مناقب و فضایل معصومین علیهم السلام باشیم و از آن‌هایی نباشیم که وقتی فضیلتی در مورد ائمه اطهار علیهم السلام شنیدند به سادگی و بدون تدبر و تعقل آن را رد کردند؛ حضرت امیر علیه السلام به جناب سلمان رضوان الله علیه فرموده‌اند:

یا سلمان؛ الویل کل الویل لمن لا یعرفنا حق معرفتنا و

## انکر فضلنا. (۱)

ای سلمان، بدبختی و تمام بدبختی بر کسی است که حق معرفت ما را  
نشناسد و منکر فضل ما باشد.

این مطالب که ذکر شد در مقابل آن چیزهایی که اصحاب خاص  
حضرات معصومین علیهم السلام که معروف به اصحاب سر بودند حقیقتاً  
قطره در مقابل دریاست.

جناب جابر جعفی چند هزار حدیث را که جزء اسرار بوده است  
هرگز فاش نکرد چون ظرفیت و قابلیت پذیرش را در کسی ندید.  
فقط برخی از انبیا توانسته‌اند که ائمه اطهار را بشناسند و به  
جهت معرفت و خضوع و فروتنی در برابر عظمت این بزرگواران  
بوده است که به مقام و رتبه نبی و یا اولوالعزمی راه یافته‌اند.

به هر حال راهی نیست و هر محب و شیعه‌ای که بخواهد به صفا  
و پاکی به عبادت حق تعالی دست یابد، باید این شربت گوارای  
معرفت امام را بنوشند و گرنه اگر کوتاهی کند در ولایت مقصر است  
و باعث خسران می‌گردد و اصل عبادت نیز خراب می‌شود؛ در  
روایت آمده است:

## خضع کل جبار لفضلکم. (۲)

هر صاحب سلطه و پادشاهی در برابر فضل شما فروتن و خاضع اند.

پس هیچ کس نباید در صدد شک، ردّ و یا انکار فضایل  
معصومین علیهم السلام برآید و بدانیم که این یک آزمایش بزرگ و امتحان  
الهی است تا معلوم شود چه کسانی فروتنی می‌ورزند و چه کسانی

۱. ارشاد القلوب، ج ۲، ص ۴۱۶؛ بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۲۸.

۲. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۷۶.

سینه سپر می کنند .

### سرچشمهٔ برکات

همهٔ خیرات و خوبی‌ها منصوب به این ذوات مقدسه است و هر نیکی و خیری را که می بینیم نشان از ایشان دارد، مثل این که کسی ناشناس وارد می شود و به او سلام می کنی و در مدت بسیار کوتاهی به اندازهٔ چند ثانیه با او سخن می گویی اما آن چنان محو حضور و بیان او می شوی که ظاهر او را نمی بینی، پس از رفتن او از شما می پرسند لباس او چه رنگی داشت، شکل و شمایل او چگونه بود و ...، می گوید ملتفت نشدم و نمی دانم، در صورتی که چشم شما صورت و ظاهر او را دید و صفات او را مشاهده کرد، اما هم چنان ذات و اصل او بر صفاتش غالب شد و صفاتش را ملتفت نشدی و تشخیص ندادی.

وضع خلائق دو گونه است: دسته‌ای مردانی هستند که محو وجود پروردگار و اولیای او می شوند و هرگز دنیا و ظواهر آن را نمی بینند؛ دسته‌ای نیز - که عموم انسان‌ها را تشکیل می دهند - ظواهر را می بینند اما از ذات و اصل آن غافل می شوند، اینان وقتی که به کمالات و خیرات و زیبایی‌های طبیعت می نگرند در واقع صاحب آن کمالات را می بینند که محمد و آل محمد علیهم السلام هستند ولی آن را تشخیص نمی دهند و ملتفت نمی شوند بلکه فقط صفات ظاهر مثل شکل، شمایل و رنگ را می بینند و نمی دانند و نمی شناسند که این خیرات و خوبی‌ها از کیست؛ در اصل هیچ کس دیگری غیر از این‌ها صاحب و معدن خیرات و برکات نیست؛ امام حسین علیه السلام در دعای عرفه می فرماید:

ای خدا، آیا از برای غیر تو پیدایی هست که تو پیدا نباشی و او

پیدا باشد و او تو را نشان بدهد، کی پنهان شدی که محتاج به  
دلیل باشی، کور باد چشمی که تو را نبیند و حال آن که دائماً  
دیده‌بان تویی.

این پیدایش و ظاهر طبق روایاتی که قبلاً بیان شد محمّد و آل  
محمّد علیهم‌السلام هستند چرا که پیدایش صفات حق تعالی اینانند؛ در  
روایت است که ما معانی و ظاهر خدای تعالی هستیم و آن جا که  
می‌فرمایند: کور باد چشمی که تو را نبیند، این نکته به ذهن می‌رسد  
که خدا جسم نیست تا دیده شود مگر این که صفات او را که در  
هستی تجلی کرده باشد نبینند؛ ایشان رحمت حق تعالی هستند که  
تمامی کائنات را فرا گرفته و برکات از فضل آنان بر موجودات  
ریزان است و رحمت واسعه و فضل او مولا صاحب الزمان علیه‌السلام است  
که هستی از وجود و حقیقت ایشان پر شده و هر خیر و خوبی که  
می‌بینیم از برکت حجت حق و نور ولی الله اعظم همه جا را  
فرا گرفته است.

شیعه واقعی چیز دیگری نمی‌بیند چپ و راست، بالا و پایین،  
زمین و آسمان، کھکشان‌ها و جمیع ذرات و موجودات را رحمت  
الهی یعنی محمّد و آل محمّد علیهم‌السلام فرا گرفته است و بدین سان مؤمن  
در همه حال مولایش را می‌نگرد و به یاد او می‌افتد.

خطاب به خداوند عرضه داشتند که به ایشان (ولی عصر علیه‌السلام)  
فضای آسمان خود و زمین را پر کردی تا ظاهر گردد که جز تو  
خدایی نیست.

پس جلوه و نور و کمالی نیست مگر این که از ایشان نشأت گرفته  
است و همه هستی جلوه و پیدایی این بزرگواران است و در نهایت  
منشأ این نور و خیرات، حق تعالی است، پس هر کس طالب خیر  
شد در واقع طالب امام زمان علیه‌السلام است اگر چه نداند؛ مثلاً در قدیم در





بازار و مساجد می گفتند: «مطلوب کل طالب علی بن ابی طالب»؛  
 «یعنی هر کس که چیزی را طلب کرده در واقع علی بن ابی طالب علیه السلام را طلب کرده  
 است.»

البته تا نور معرفت بر صفحه دل ما نتابد نمی توانیم ایشان را  
 درک کنیم و امیدواریم که خدای تعالی به خاطر محبت به  
 امیرالمؤمنین علیه السلام و همسر مظلومه اش به دست یداللهی امام عصر علیه السلام  
 گرد و غبار گناه و غفلت و سستی و تقصیر در کسب معرفت را از  
 وجودمان بزدایند - آمین - تا بتوانیم با شوق به سوی لقاء الله که همانا  
 لقاء آل محمد علیهم السلام است بشتابیم و از چشمه جوشان معرفت و  
 محبت سیراب شویم یا در زمان ظهور و یا در عالم برزخ - که هر دو  
 جا محل تحصیل معرفت الله است و هر کسی نوری را می بیند - نور  
 عظمت ایشان را ببینیم.

هر کس عالمی را می نگرد علم ائمه را دیده است و هر کس  
 شخص سخی را می بیند در واقع سخاوت ائمه را می بیند، هر کس  
 مؤمن کاملی را دید در حقیقت کمال امام را خواهد نگریست و همه  
 خوبی ها از ایشان است لکن چشم می خواهد تا ببیند:

ان ذکر الخیر کنتم اوله و اصله و فرعه و معدنه و ماواه  
 و منتهاه. (۱)

هر جا خیری یاد شود شما اول و اصل و فرع و معدن و مسکن و  
 انتهای آن خیر و نیکویی هستید.

این معارف حقه را سبک نشماریم زیرا خدای تعالی به برکت  
 وجود امام عصر علیه السلام آن را به ما ارزانی داشته است و به عنوان حمد و

بازگشت به سوی امام عصر علیه السلام

۱. زیارت جامعه کبیره.

سپاس‌گزاری از این نعمت عظمای ولایت و معرفت از آن پاسداری کنیم و در ترویج و نشر آن بکوشیم.

و اگر احساس معرفت و آگاهی درباره فضایل ائمه علیهم‌السلام در دلت نور بیافکند، کم‌کم انوار محبت و آشنایی سراسر وجودت را روشن می‌کند و مورد الطاف خاصه حضرت حق تعالی واقع می‌گردد و این نوع مطالب بر گوش دل و افکارت اثر می‌کند و با سراسر وجودت آن را احساس می‌کنی تا شوق محبت به ائمه اطهار علیهم‌السلام در دل‌ها به اعلی درجه خود برسد.

هر جوانمرد شیعه باید همت کند و با استغاثه و تضرع واقعی و جدی و خالصانه از درگاه امام عصر علیه‌السلام، خود را به جایی برساند که بتواند از شدت شوق در ولایت، آماده شود تا دست و پای او را ببرند آن‌گونه که مانند میثم تمار رضی‌الله‌عنه آن قدر در بالای دار از فضایل حضرت امیر المؤمنین علیه‌السلام بگوید تا زبان او را هم ببرند.

به هر حال خدا را بی‌نهایت شاکریم که ما را به وادی معرفت نورانیت - که اولین قدم از هزاران قدم باشد - راه داد و این نیست مگر به نگاه طیبانه و پدرانانه حضرت ولی عصر علیه‌السلام که طریقه شناسایی و فراگیری و نزدیک شدن به حق تعالی را به ما عنایت فرموده است؛ و ما هم امیدواریم که بتوانیم با خدای خود عهد ببندیم که حداقل به عنوان سپاس‌گزاری از این نعمت عظیم معرفت و مودت، به ذکر «یا صاحب الزمان علیه‌السلام» مداومت داشته باشیم و هر روز بعد از هر نماز واجب هفت بار با دست راست محاسن خود را گرفته و دست چپ را به سوی آسمان گشوده و از سویدای دل بگویم:

يَا رَبِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،  
وَعَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ.



این دعا در تعقیبات نمازهای یومیه در مفاتیح الجنان ذکر شده است که جناب یوسف وقتی که در زندان بود جبرئیل بر او نازل شد و گفت بعد از هر نماز هفت بار این ذکر را بگو. (۱)

با گفتن این ذکر شریف در زیر ابر رحمت الهی قرار می‌گیریم و باران معرفت و محبت، ما را از غبار کثافات شهوات و غرور و برتری جویی و رذایل دیگر می‌شوید و در این دنیا عبارت «سیدی اخرج حب الدنيا» درباره ما تحقق می‌یابد.

اصحاب امام حسین علیه السلام در روز عاشورا از فرط شوق و محبت حتی زره و لباس خود را به دور انداختند و با بدنی عریان در میان هزاران شمشیر و نیزه نبرد کردند و بدن خود را آماج تیرها ساختند تا بدین طریق مدال افتخار آفرین محبت را از آن خود کردند و به این مقام نرسیدند مگر با شناخت امام خود، چون فرموده‌اند:

لا يقبل عمل إلا بمعرفة. (۲)

هیچ عملی بدون شناخت و معرفت امام علیه السلام پذیرفته نمی‌شود.

به آرزوی آن صحنه پرشکوه روز ظهور که از کلاس معرفت به کلاس محبت وارد گردیم و با ایثار و قربانی نمودن نفس در زمان غیبت طریقه رسیدن به لقاء الله را بیاموزیم و معرفت ما موقعی پر نور می‌گردد که به تمام معنا به انتظار مولا صاحب الزمان علیه السلام منتهی شود؛ و این خط سیر را ائمه اطهار علیهم السلام در زیارت جامعه کبیره

۱. و جالب این جا است که ناخودآگاه وقتی این مطلب را می‌نویسم روز سوم محرم یعنی روز آزادی حضرت یوسف از زندان است.

۲. تحف العقول، ص ۲۹۴.



بازگشت به سوی امام عصر علیه السلام



این گونه ترسیم نموده اند :

ويسلك سبيلكم و يهتدي بهداكم و يحشر في زمركم  
و يكرّ في رجعتكم. (۱)

و اگر ان شاء الله زنده ماندیم :

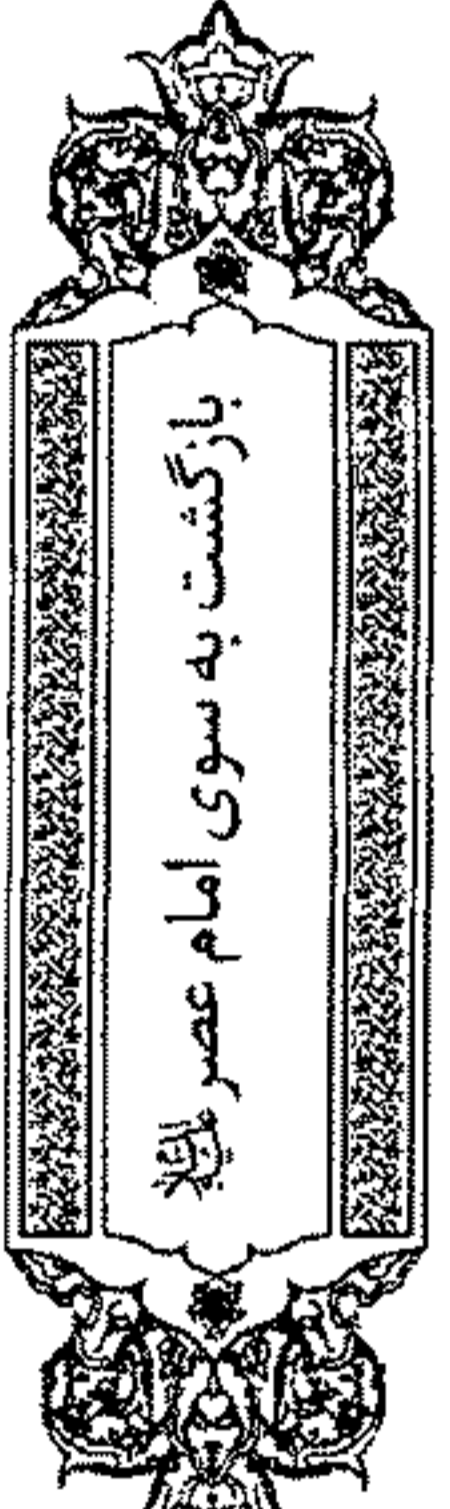
و يملك في دولتكم و يشرف في عافيتكم و يمكن في  
ايامكم و تقر عينه غدا برؤيتكم بابي انتم و امي و نفسي  
واهل و مالي. (۲)

این سیر و سلوک یک منتظر است که به زبان خودشان امر فرموده اند ؛ و اما دستیابی به اکسیر احمرِ محبت اولش خالی بودن قلب از محبت های دنیا است - که در کتاب بعدی به نام « امام عصر علیه السلام در انتظار ما » توضیحات این سیر و هم چنین به حول و قوه الهی ادامه معرفت نورانیت عرضه می گردد .

در مورد محبت ائمه علیهم السلام احادیث فراوانی ذکر شده است که ما برای برکت و زیبایی این کتاب به چند روایت اکتفا می کنیم :

یک روز محبت علی علیه السلام ثواب یک سال عبادت را دارد هر کسی به ما محبت و دوستی ورزد و محبت خود را نسبت به ما زیاد کند اگر از او مسئله ای بپرسند ما جواب آن مسئله را در دل او جا می دهیم و هر کسی طالب توکل و حکمت است باید به اهل بیت دوستی بورزد ؛ و صدها روایت دیگر .

پس معلوم شد که اصل و حقیقت علم و عمل ، محبت آل الله است . امام صادق علیه السلام فرمودند :



اذا تجلی ضیاء المعرفة فی الفؤاد هاج ریح المحبة واذا  
 هاج ریح المحبة استأنس فی ظلال المحبوب و أثر  
 المحبوب علی ما سواه و باشر او امره واجتنب نواهیة. (۱)

هرگاه نور معرفت در دل تابید هوای محبت به حرکت در می آید  
 وقتی هوای محبت به حرکت در آمد در سایه محبوب انس می گیرد،  
 در این صورت محبوب را بر هر چیزی برتری می دهد او امرش را  
 انجام می دهد و از نواهی او دوری می ورزد.

سپس در سایه محبوب انس می گیرد، او امرش را انجام می دهد  
 و از نواهی او دوری می ورزد و مانند آهن ربا آهن دل سلیم را  
 می رباید پس دل از جای خود کنده می شود و در هر جا که باشد رو  
 به محبوب می رود. پس چون دل به سوی محبوب رفت اعضا و  
 جوارح انسان همه به آن سمت حرکت می کند تا این که قلب و اعضا  
 و جوارح با هم در زیر سایه امام زمان علیه السلام قرار می گیرد و کاملاً  
 متوجه او می گردد و زبانش علی الاتصال نام او را می برد و ذکر او را  
 می گوید: «یا بن الحسن من لی غیرک» با هر کسی بنشینند به خاطر  
 اوست و هر فعلی انجام می دهد برای خاطر امامش انجام می دهد و  
 هر چه بگوید برای رضای او می گوید و اگر بخورد و بنخورد برای  
 اوست، پس پشت به ما سوی الله می کند و از هر چیزی غیر از امام  
 زمانش اعراض می کند و چون چنین شد کلمه توحید را که «لا اله الا  
 الله» است عملی می کند یعنی هیچ اله و محبوبی نیست جز حضرت  
 حق تعالی.

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۶۸؛ بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۲۳.

## محور اعمال بندگان

از آن جا که معرفت و محبت، قطب و محور اعمال است و هدف از خلقت بروز محبت و بغض است واجب است که با توجه و درخواست از ولیّ حق این دو گوهر گران بهای معرفت و محبت به دست آید؛ و آن نوری است که باید بر دل بتابد و در این صورت به همه عبادات و خیرات عظیم دست می یابی و به حقیقت علم و عمل که اسباب کمال و رشد مؤمن است رسیده ای و هیچ جای خالی دیگر از علم و عمل برای تو نمی ماند و آن وادی مقام شیعه است و تو حاجی واقعی شده ای اگرچه به جهت این که مستطیع نبوده ای هیچ وقت حج نرفته باشی و مُزَکّی هستی اگرچه به جهت این که مستغنی نبوده ای هرگز زکات نداده ای و روزه دار واقعی هستی اگرچه به دلیل مریضی و یا عذر شرعی ابداً روزه نگرفته ای و الی آخر؛ هم چنین جمیع خیرات و برکات عظیم و مقبول را به طور مستمر برای تو می نویسند اگرچه هیچ کدام را به جهت عذر شرعی انجام نداده باشی، حال چنین گوهر گران بهایی را باید از امام زمان علیه السلام طلب کرد یا نه؟

صداقت و راستی گفتار شیعه درباره معرفت و محبت در این است که شب و روز در تحصیل و نشر فضایل این انوار مقدسه تلاشی خستگی ناپذیر از خود بروز می دهد و این همان علمی است که محبت ما را افزایش دهد و آن نیست مگر کسب محاسن صفات آل الله و آگاهی و اعتقاد پیدا کردن به فضایل و احوالات و اخلاق و نیکی های ایشان؛ و چون مؤمن بر حسن و جمال محبوب اطلاع یافت قلبش مجذوب او می شود و هوای امامش بر سرش می افتد و چون کم کم مداومت این توجه قلبی زیاد گردد در صفات و جمال

آن تفکر می نماید و به جایی می رسد که محبت مولا مجموع دل او را فرا می گیرد و آن دل مسکن مولایش می شود و به اقتضای کَرَم، او نیز روزی در مسکن مولایش مهمان می شود.

### فاطمه علیها السلام محور خلقت

اما نتیجه و عصاره این مقاماتی که از ائمه اطهار علیهم السلام در این کتاب نگاشته شد به این است که به حقیقت این شناخت معرفت پیدا کنی و بدانی که ختم و انتهای فضایل و مقامات ائمه اطهار از نور وجود حضرت صدیقه علیها السلام است و طبق این روایت گران بها و کم نظیر همه کائنات در انحصار لطف و احسان این دُرّ یگانه و گران قدر است. <sup>(۱)</sup> ما برای فهم و درک این روایت عظیم الشان - که همه معرفت ها در این کلام الهی جمع شده است - به تفصیل آن، که از اولیای خدا به ما رسیده است، می پردازیم.

امید است که بتوانیم از مقامات بی حد و احصا، نمی از یک اقیانوس بی کران عظمت و آیت عظمای الهی حضرت صدیقه کبری علیها السلام به ما برسد و بدانیم که با بیان و تفصیل این فضایل حقیقتاً هیچ نگفته ایم چون فرموده اند:

اگر اجازه داشتیم که حال خود و مقام و مرتبه ای که نزد خداوند داریم بیان کنیم شما نمی پذیرفتید و قبول نمی کردید. <sup>(۲)</sup>

ما هم بیشتر از این ها قابلیت فهم و درک حقیقت مقامات ائمه را نداریم چون فرموده اند که ممکن نیست بتوانید حق فضایل ما را ادا کنید و از علوم و معارف ما به شما نرسیده است مگر اَلْفی که به چیز

۱. اشاره به روایت: لولا فاطمة لما خلقتکما

۲. المحتضر، ص ۱۲۸.

دیگری عطف نشده باشد یعنی الف شکسته: ما خرج اليكم من علمنا  
إلا ألفا غير معطوفة.

در کتاب الجنة العاصمة از جابر جعفی روایت شده است که  
رسول خدا ﷺ از حق تبارک و تعالی نقل کرده است که فرمود:

لولاک لما خلقت الافلاک و لولا علیّ لما خلقتک و لولا  
فاطمة لما خلقتکما. (۱)

اگر به خاطر تو نبود عالم هستی را به وجود نمی‌آوردیم و اگر علی  
نبود تو را نمی‌آفریدیم و اگر فاطمه (علیها السلام) نبود هیچ‌کدام از شما دو  
نفر را خلق نمی‌کردیم.

بدان که عقل مقام معنا، پنهانی و ماده اصلی است و نفس مقام  
ظاهر، صورت و شعاع است، مثل خورشید که ماده اصلی آن دیدنی  
نیست و آنچه که ما از خورشید می‌فهمیم و می‌بینیم و بروز می‌کند  
- مثل گرما و نور - از شعاع خورشید است. و بدان که عقل مقام مرد  
است که ائمه اطهار علیهم السلام می‌باشند و نفس مقام زن است که حضرت  
صدیقه طاهره علیها السلام می‌باشد.

برای روشن شدن اذهان عرضه می‌داریم که حضرت امیر علی  
مقام آفتاب است که عقل است اما مقام معنا و پنهانی که عظمت و  
حقیقت ایشان است از فهم و درک ما خارج است و خودشان  
فرموده‌اند: ولایت و امامت، مقام ظاهری من است و حقیقتی غیبی  
وجود دارد که شما نمی‌توانید آن را درک کنید؛ آنچه از فیوضات و  
برکات و انوار می‌رسد و می‌بینیم و می‌فهمیم، از شعاع و ظاهر و  
صورت این آفتاب است که حضرت صدیقه علیها السلام می‌باشند و مقام  
نفس است؛ بنابراین برای اهل عقل و معرفت ثابت شد که همه

۱. القطرة، ج ۱، ص ۴۱۸؛ الجنة العاصمة، ص ۲۸۴.

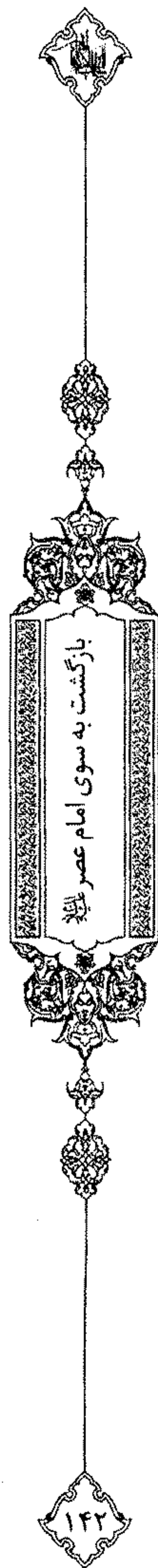


درخشندگی‌ها و تابندگی‌ها از صورت و شعاع آفتاب است که به ایشان گفته می‌شود زهرا علیها السلام یعنی درخشنده.

پس جمیع عالم به نور حضرت زهرا علیها السلام روشن و برپاست و بدین طریق و طبق این روایت گران‌بها ایشان ظهور مقامات ائمه اطهار علیهم السلام هستند و اگر شعاع که مقام حضرت صدیقه علیها السلام است وجود نداشت خورشید هم معنا پیدا نمی‌کرد یعنی اگر حضرت زهرا علیها السلام نبود محل بروز فیض‌ها و برکات نیز نبود و مجموع کائنات محکوم به فنا و نیستی می‌شدند و خورشید تا موقعی معنا دارد که شعاعش وجود داشته باشد و بتواند از ذات خود برکات را بروز دهد.

پس اگر حضرت صدیقه علیها السلام نبود حضرت علی علیه السلام و حضرت محمد صلی الله علیه و آله و بلکه تمامی هستی به وجود نمی‌آمد و اگر ایشان افاضه نور و فیض نمی‌کردند دنیای ما از نور بی‌بهره بود و گردش افلاکیان مختل بود و تمامی موجودات نابود می‌شدند؛ پس با نور یقین‌بناگر که همه مقامات ائمه اطهار علیهم السلام در انحصار وجود با برکت و عظمت این بزرگ عالم هستی است و این بزرگوار ظاهر و پیدایی ائمه دین است و آن‌ها ظاهر و پیدایی حق تعالی و بدینسان ما هیچ‌گاه نمی‌توانیم به کنه فضایل و عظمت ائمه علیهم السلام برسیم؛ و بدان که جمیع علوم و معجزه‌های انبیا از فاضل فیض‌ها و عنایت خاصه حضرت فاطمه علیها السلام بوده است و مهم‌تر این‌که در مورد آیه: ﴿ذَلِكَ دِينَ الْقِيَمَةِ﴾<sup>(۱)</sup>، فرموده‌اند: یعنی دین فاطمه علیها السلام.

این بزرگوار طبق این روایت قیّم بر خلق آسمان‌ها و زمین است چنان‌که محمد و آل محمد علیهم السلام قیّم جمیع کائنات هستند و بروز قیّم



بودن ائمه اطهار علیهم السلام از ناحیه و شعاع این بزرگوار است و آنها به منزله خورشید و ایشان به منزله شعاع و ظاهر آفتاب ولایت هستند. بدین جهت در دیدگاه شیعیان با معرفت و مخلص طبق قاعده قیّم بودن آل محمد علیهم السلام آن سیده بزرگوار منشأ بزرگ جمیع موجودات هستی می‌باشند، طبق روایت فوق اگر ایشان نبودند هیچ ذره‌ای در هستی خلق نمی‌شد و ائمه نیز از برکت وجود ایشان شناخته و ظاهر شدند و در مثل مقام آفتاب را دارند و آنها هم پیدایی حق تعالی شدند آن‌جا که فرمودند:

لولا نا عرف الله<sup>(۱)</sup>

اگر ما نبودیم حق تعالی شناخته نمی‌شد.

پس اصل و منشأ جمیع معرفت‌ها، علم‌ها، فیض‌ها، یقین‌ها، برکات، مددها و انوار - حتی پیامبران و ملائکه - از وجود با برکت شعاع این خورشید است؛ و چشم جمیع پیامبران حتی پیامبران اولوالعزم در همه امر و نهی‌ها، شریعت، علم، کتاب‌های آسمانی و وحی‌ها به عطای حضرت صدیقه علیها السلام است که فرموده‌اند:

وهی الصدیقه الکبریٰ وعلی معرفتها دارت القرون  
الاولی<sup>(۲)</sup>

او بزرگترین راستگو است و شناخت و معرفت به او محور افکار گذشتگان بوده است.

هم‌چنین جمیع چشمه‌های علوم از عطای آن بزرگوار است و لوح محفوظ، سینه قدسی ایشان است و هر چه خیر و فیض و برکت برای جمیع موجودات و در همه هزاران عالم وجود دارد به

۱. بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۴؛ المحتضر، ص ۱۲۹

۲. امالی طوسی، ص ۶۶۸.



اذن حق از شعاع حضرت صدیقه علیها السلام است که متصل به خورشید ولایت است و حقیقتاً هیچ‌گاه ما نمی‌توانیم مقامات این بزرگواران را بشناسیم یا به شمارش در آوریم.

با این روایت شگفت‌انگیز می‌دانیم وجود گرامی ایشان محور بوده است اما تمامی بشریت و اقوام انبیای گذشته و اهتمام و تلاش پیشینیان برای دستیابی به معرفت و فضایل و مقامات این سیده و بزرگ عالمیان ناکام بوده‌اند؛ امام معصوم علیه السلام در مورد تلاش برای شناخت ایشان می‌فرمایند:

اللیلة فاطمة والقدر الله فمن عرف فاطمة حق معرفتها  
فقد ادرك ليلة القدر و انما سميت فاطمة لان الخلق  
فطموا عن معرفتها. <sup>(۱)</sup>

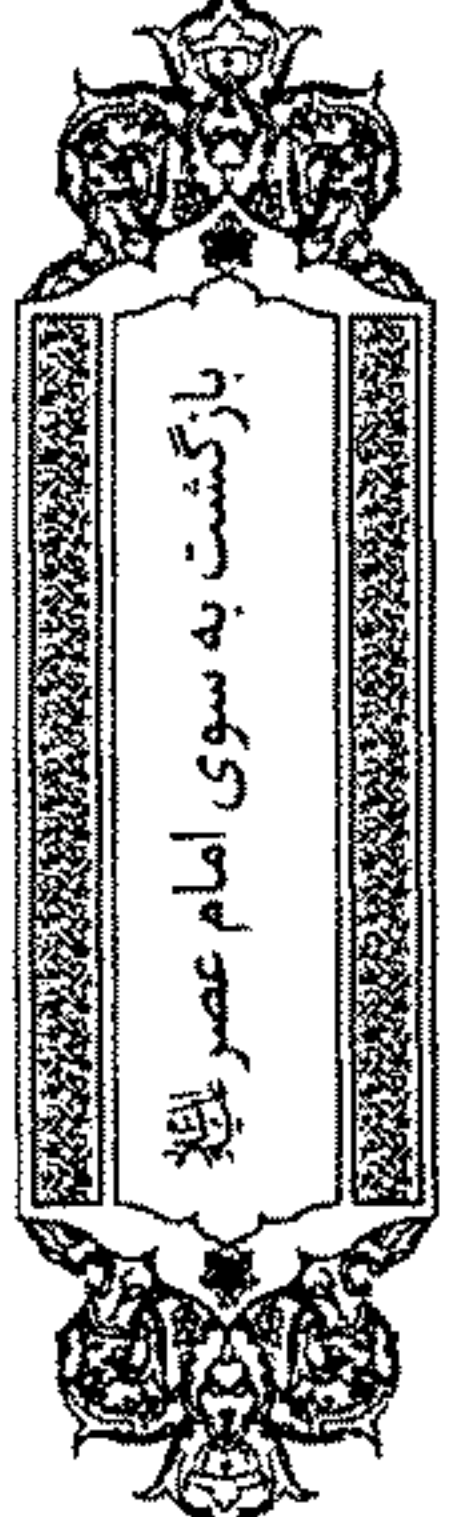
منظور از «لیله» فاطمه علیها السلام و مقصود از «قدر» خداوند است، پس هر که فاطمه علیها السلام را آن‌طور که سزاوار است و حق معرفت اوست بشناسد شب قدر را درک کرده است و همانا آن حضرت، فاطمه علیها السلام نامیده شده است زیرا مردم از شناخت او باز داشته شده‌اند و عاجزند.

حقیقت این است که فرموده‌اند: به راستی فاطمه علیها السلام: «خوراء انسیه» <sup>(۲)</sup> یعنی حوریه‌ای است به صورت آدمیان؛ و در جای دیگر بیان فرموده‌اند: او یکی از آیات و نشانه‌های الهی است.

وقتی آن ذوات مقدسه به سوی عالم خاک و به جهت هدایت خلق تنزل پیدا کردند و لباس بشریت به تن نمودند، بر اثر عداوت و حسادت دشمنان، خورشید ولایت خاموش گشت و خانه نشین

۱. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۶۵، ح ۵۸؛ القطرة، ج ۱، ص ۴۱۳.

۲. المحتضر، ص ۱۳۱.



شد چرا که شعاع خورشید را درخیمانه به زیر خاک کشیدند و تا به امروز هزار و اندی سال آن خورشید در پشت ابر غیبت مانده است و یقین بدانید به اذن حق تعالی تا اشاره و امضای شعاع خورشید (حضرت فاطمه علیها السلام) نباشد بروز آفتاب عالمتاب مهدی علیه السلام محال است.

پس همه برکات و فیوضات در انحصار عنایت بزرگ عالمیان حضرت صدیقه علیها السلام می باشد و هم چنین مستمندان، غمدیدگان و مضطربین بدانند که طبق این قاعده باید حوائج مشکل به دست مبارک ایشان برآورده شود، چرا که ایشان ظاهر و صورت یدالله هستند؛ امام علیه السلام می فرمایند:

هرگاه کار بر شما سخت و همه راهها بسته شد به وسیله استغاثه و این نماز به مادر ما توسل نمایید: دو رکعت نماز بخوانید و بعد از نماز و تسبیح ایشان، سر به سجده گذاشته و صد بار بگویید «یا مولاتی یا فاطمة اغیثینی»، سپس سمت راست صورت را به زمین گذاشته و صد بار همین ذکر را بگویید، پس دوباره سر به سجده گذاشته صد بار بگویید، سپس سمت چپ صورت را گذاشته صد بار بگویید و آنکه سر به سجده گذاشته صد و ده بار تکرار نمایید. (۱)

جالب توجه این که برای هیچ یک از عبادت‌ها و نمازهای هیچ یک از ائمه اطهار علیهم السلام چنین توسلی به این حال خاص دادرسی و استغاثه آن هم در سجده طولانی نداریم. حال دانستی که به شعاع این خورشید هم نمی توان رسید و درک نمود، تا چه رسد به فهم و

درک آن خورشید عالمتاب که در باره اش فرموده‌اند:

**انما سُمِّيت فاطمة لانّ الخلق فطموا عن معرفتها<sup>(۱)</sup>**

همانا آن حضرت، فاطمه علیها السلام نامیده شده است زیرا مردم از شناخت او بازداشته شده و عاجزند.

با این روایت میلیون‌ها ورق که از فضایل ائمه اطهار علیهم السلام بنویسم باز هم هیچ ننوشته‌ایم و نگفته‌ایم و ایشان را نشناخته‌ایم و هم‌چنان که نمی‌توان به عظمت شأن خالق یکتا پی برد و چگونگی آن ذات مقدس را شناخت، به صفاتش نیز که ظهورش در این انوار مقدسه است نمی‌توان پی برد و آنان را درک نمود.

\*\*\*

در این جا مبحث معرفت نورانیت امام را به پایان می‌رسانیم، باشد که از لطف کریمانه حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام و به نظر خاصه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام، حق تعالی بر حقیر منت گذارده تا بتوانیم آن معارفی را که به ما رسیده است در کتاب دیگری در مقامات و شأن و عظمت ائمه مخصوصاً امام عصر علیه السلام مطرح نماییم و آن معارف را به مقدار یک نقطه در برابر یک سطح نامتناهی عرضه بداریم تا شیفتگان امر ولایت شیرینی بی نظیر این شربت بهشتی را به جگرهای تشنه خود برسانند و با زنده کردن دل خود با یاد ولی حق دل‌های مرده و ظلمت گرفته جامعه شیعه را منور سازند و بدین طریق در جستجوی امام خود باشند.

# فصل چہارم

## آثار انتظار

## نالۀ انتظار

ای مهربان تا به کی نظاره گر زخم‌ها و گریه‌های جانسوز مادرت  
خواهی بود؟

با گریه‌های شبانه جدت امیرالمؤمنین علیه السلام در فراق همسرش چه  
خواهی کرد؟

یابن العسکری، ضجه‌های مادرت را میان در و دیوار  
نمی‌شنوی و بازوی ورم کرده و استخوان شکسته عزیزت را  
نمی‌بینی؟

شب سرد و تاریک امیرالمؤمنین علیه السلام و یتیمانش را که سر به  
زانوی غم گذاشته‌اند و به خوابی غم بار شب را سپری می‌کنند  
نمی‌بینی؟

سیدی، ای تنها امید زینب علیها السلام در آن دشت بی کسی، ناله‌های  
کودکانی که از فرط عطش به روی خاک‌ها می‌غلطیدند، ضجه‌های  
تو را هر صبح و شام به عرش کبریایی می‌رساند و در آن بیابان تفتیده  
ودهشتناک تنها یک آوا از حلقوم بی رمق و تشنه کودکان به گوش  
می‌رسد: مهدیا به فریادمان برس.

ای عزیز، پاهای ورم کرده زنان و کودکان را ببین، جگرهای  
تشنه کامان را بنگر؛ فریاد «المستغاث» آن‌ها در آن بیابان وحشتناک و  
در میان خیمه‌های نیم سوخته فقط تو را می‌طلبد.

سرهای بی بدن در بالای نیزه به دست تو چشم دوخته‌اند.



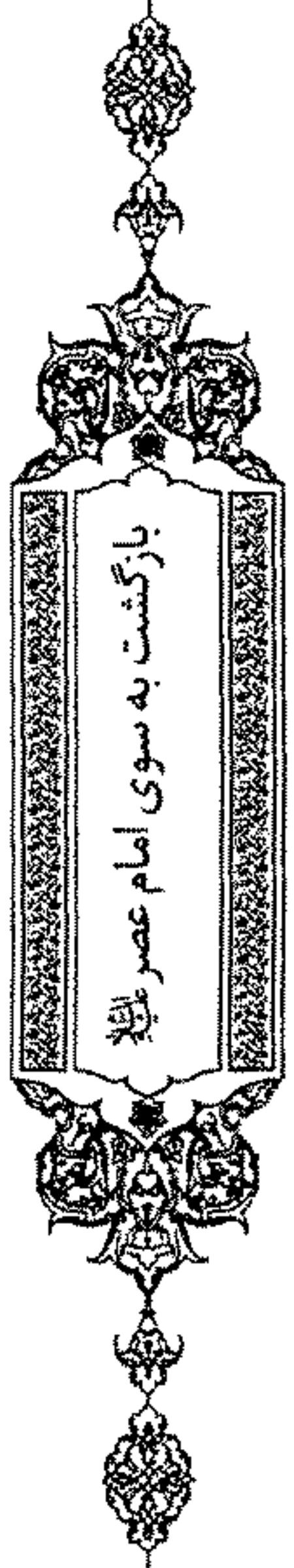
در گوشه خرابه دخترکی یتیم از شدت حزن و اندوه بند دلش  
پاره می شود و به امید کمک خواستن از تو جان می دهد ولی  
چشمش باز مانده است به انتظار تو.

گمانم آخرین ناله زینب کبری علیها السلام به سوی تو بود که می گفت: ای  
زاده برادرم تا کی؟ و با دستش پیراهن خون آلود برادر را بر سینه داغ  
دار خود گذاشت، تا شاید دلت به منتهای شکستن برسد و به خاطر  
او یک شبی از شدت حزن و اندوه سر به سجده گذاری و تا صبح  
امن بجیب سر دهی؛ بیا بیا که هر چیزی را حد و اندازه ای است.

### انتظار و دعا

مطلبی که بسیار حائز اهمیت است و در پیشگاه اهل معرفت  
جزء واجبات به حساب می آید انتظار مولا صاحب الزمان علیه السلام و دعا  
برای فرج ایشان است، تا شاید وجدان خفته ما بیدار گردد و  
سردمداران و بزرگان دین ما بر اساس وظیفه و انجام فریضه، نحوه  
آشنایی و ارتباط قلبی مردم بخصوص نسل جوان مؤمن را با این  
وجود الهی مورد توجه قرار دهند و متذکر شوند که سستی و کاهلی  
در این امر واجب، چه عواقب خطرناکی در دنیا و در برزخ و قیامت  
برای ما خواهد داشت.

غربت امام عصر علیه السلام از این جا معلوم می گردد که سر سفره  
صاحب خانه می نشینیم و هر روز از خوان گسترده او متنعم هستیم  
ولی هیچ گاه از صاحب سفره سراغی نمی گیریم و مراتب  
سپاس گذاری را به انجام نمی رسانیم، در این صورت باید منتظر  
عذاب الهی باشیم که تمامی اهل زمین را فرا خواهد گرفت:



بازگشت به سوی امام عصر علیه السلام



## ﴿ ایلس الصبح بقرب ﴾ (۱)

آیا صبح [انتظار] نزدیک نیست؟

مخصوصاً چون سلطنت جهان تا قبل از ظهور امام عصر علیه السلام به دست شیطان می باشد و دگمه های کلاهک های هسته ای به دست حکام شیطان می چرخد، هر لحظه زیر و رو شدن کره خاکی را به دست کفار باید انتظار داشت. و خدا نکند به آن جا کشیده شود، بلکه ان شاء الله به دعای حضرت صدیقه علیها السلام ناگهان به ظهور مولا بیانجامد و خدای تعالی به دعا و لطف حضرت صدیقه علیها السلام ابر بلارا از سر شیعیان دفع گرداند.

متأسفانه بعضی ها در منابر و مجالس مذهبی از همه موارد صحبت می کنند اما برای آن مورد اصلی که هدف از خلقت جمیع موجودات شناسایی و معرفت و محبت به ولی حق است - با تأسف فراوان - حرفی به میان نمی آورند. حتی اگر از یک بزرگ و یا معلم اخلاق سؤال شود که چطور باید به خدا نزدیک شویم و به سیر و سلوک پردازیم، انواع و اقسام مراحل عبادی و اذکار و ادعیه ها را برای تقرب مطرح می کند اما از معرفت سخنی نمی گوید، مثلاً می گوید که نماز را با توجه و حضور قلب باید بخوانید، به نماز اول وقت مقید باشید، به مستحبات و نوافل عمل کنید و دیگر اعمال صالحه و ...؛ بله، همه این ها باید باشد و همه این ها هم از لسان معصومین علیهم السلام رسیده است و باعث قرب الی الله می شود ولی چرا کسی نمی گوید اولین گام همین است که امیرالمؤمنین و حضرات

دیگر علیه السلام فرموده‌اند: اولین عبادت معرفت است؛ چرا نباید گفت که اولین قدم از معرفت توجه قلبی و آشتی و آشناسازی دل با امام زمان علیه السلام است و باید یقین کرد که همه اعمال صالح از شعاع توجه دل به امام عصر علیه السلام برای انسان حاصل می‌شود.

مداومت بر توجه قلب به ساحت مقدس، دل را نورانی و جبراً ظلمت نفس را برطرف می‌گرداند و انسان از رذایل دور و به فضایل نزدیک می‌شود:

﴿ جاء الحق و زهق الباطل ﴾<sup>(۱)</sup>.

چون حق آمد باطل بیرون می‌رود.

یعنی اگر توجه قلبی به ساحت همایونی ولی الله چند بار در شبانه‌روز مرور شود خود به خود به برکت این منبع خیر نماز اول وقت، نماز شب، اعمال صالحه خالص دیگر، انجام مستحبات، ترک معاصی و رذایل، مثل ستاره دنباله‌دار همه ستارگان صالحه پشت سر خود را به ارمغان می‌آورد.

به هر حال در جامعه تشیع همه افکار و حرف‌ها و اعمال باید به سمت امام عصر علیه السلام باشد و هر عملی نشان از او بدهد تا پیش حق تعالی اعمال عبادی خالص نوشته شود و در هر عصری یاری امام علیه السلام واجب‌تر از تمامی فرایض و حتی مهم‌تر از نماز و روزه است؛ در این باره امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

همانا اسلام بر پنج چیز استوار است: نماز، روزه، زکات، حج و ولایت ما اهل بیت؛ چهار تا از این‌ها در شرایط خاصی ساقط

می‌شوند ولی ولایت مادر هیچ شرایطی ساقط نمی‌شود و در هر موقعیتی لازم و ضروری است. (۱)

به اقتضای حکمت الهی و ظاهراً بر اساس تحولات و نیاز جامعه یاری دادن مؤمن به امام خود در شکل‌های مختلف تحقق می‌یابد:

- در یک برهه هر شیعه باید مانند میثم تمار حق را بگوید بدون تقیه، تا اعضای او یک به یک بریده شود و هم‌چنان خون آلود و دست و پا بریده بگوید: یا علی و فضایل ایشان را بیان نماید.

- زمانی هم مثل جناب سلمان ظلم و ستمی که به مولایش می‌شود ببیند و دست‌های طناب بسته و همسر مضروب و مجروح علی علیه السلام را مشاهده کند اما لب فرو بندد و همانند آقایش سکوت کند و در عصری بنا به حکمت بالغه الهی بر حسب فرمان امام خویش بیعت با ظالمی مثل معاویه لعنه الله علیه را بپذیرد.

- در وقت دیگری هم با هفتاد و دو نفر در محاصره قرار گیرد، اما ده هزار نفر به جای بیعت آماده نبرد با او شوند و حتی همه هستی خود از مال، زن، فرزندان، برادران، دوستان، اصحاب را از دست بدهد.

اکنون آیا یاری امام غریب و مظلوم تو چگونه امکان‌پذیر است؟ در اولین مرحله ورود به دنیای بعدی سؤال مأموران الهی این است که برای امام زمانت چه کاری انجام داده‌ای؟

اهمیت این مطلب به این است که بدانیم تمامی نعمت‌های هستی از گردش افلاک، فیض رسانی خورشید و ماه، جابه‌جایی

فصول، نباتات و جمادات، حیوانات، آب، آتش و تمامی امکانات زندگی برای معرفت به ما داده شده است و ما باید از آن‌ها برای اطاعت و ارتباط و آشتی قلب با محبت حق استفاده کنیم تا به مقام بندگی برسیم.

بر اساس مصلحت و آزمایش الهی حکمت حق بر این بنا شده است که در زمان غیبت تا چه اندازه در یاری امام زمان علیه السلام قدم برداشته‌ایم.

بدان که امروز یاری و امداد دین نبوی، نشر فرهنگ انتظار و تربیت نفوس مؤمنین به سوی امام علیه السلام و دعا برای قیام ایشان است. و جواب این سؤال را باید همین دنیا آماده کنیم: تو برای امام زمان خود چه کار انجام دادی و کدامین غم و اندوه را از قلب ایشان زدودی و یا کدام دل را با یاد ولی حق از زنگار دنیا پاک نمودی؟ مؤمن با کوتاهی و اهمال نمودن، خودش نمی‌داند که خوشحالی شیطان را فراهم ساخته و امام خود را با این کاهلی غمگین نموده است؛ و همه لشکریان ابلیس تمامی سعی و توانایی‌شان این است که کسی توفیق دعا کردن برای امام زمان علیه السلام را نیابد.

او حاضر است که انسان مؤمن شب‌ها تا صبح به راز و نیاز و گریه بپردازد و روزها هم در روزه باشد و زهد و پارسایی و پرهیزکاری را هم دارا باشد ولی هیچ‌گاه حاضر نیست و نمی‌خواهد که از میان جامعه شیعه کسی توفیق پیدا کند و برای امام خویش دعا کند، زیرا با تحقق یافتن زمان ظهور، سلطنت چندین میلیون ساله او و لشکریانش به پایان می‌رسد و تمامی زحمات و نقشه‌های شوم این ملعون به اتمام می‌رسد. طبق روایات، حجت حق او را حاضر

می‌کند و او را به قتل می‌رساند و زمان ظهور پایان عمر او خواهد بود؛ قرآن می‌فرماید:

﴿إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ﴾<sup>(۱)</sup>

به تو مهلت می‌دهیم تا روز موعود.

در تفسیر این آیه آمده است: یعنی زمان ظهور حجة بن الحسن علیه السلام.

### فرهنگ ترویج دعا برای فرج

پس تمام همت مؤمن باید برای نشر و ترویج دعا برای ظهور آن حضرت باشد و این دو بال‌هایی هستند که مؤمن را به عالی‌ترین مقام ایمان می‌رساند.

اولین کلاس معرفت دو چیز است: یاد امام زمان علیه السلام و دعا برای ظهور آن حضرت و اگر در این مرحله نمره خوبی بگیریم به کلاس بعدی از معرفت و مودت راه پیدا می‌کنیم.

این مطالب را باید احساس و عمل کنیم تا نفعی ببریم و گرنه فقط با خواندن غیر عمیق چیزی به دست نمی‌آوریم، جز این که حجت بر ما تمام می‌شود و مستحق عذاب و خسران می‌شویم و آن مؤمنانی که در این امر واجب اهمال می‌کنند، نمی‌دانند که چند صد بچه شیطان مأمور شده‌اند تا او را اغفال کنند و از نعمت عظمای الهی غافل و ناسپاس دارند؛ در قرآن چنین آمده است:

﴿ثُمَّ لَأَتَيْنَاهُم مِّن بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَ مِّن خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ

وَعَنْ شَعَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ ﴿١﴾

آن‌گاه از پیش رو و از پشت سر و طرف راست و چپ آنان در می‌آیم  
تا بیشتر آنان شکر نعمت به جای نیاورند.

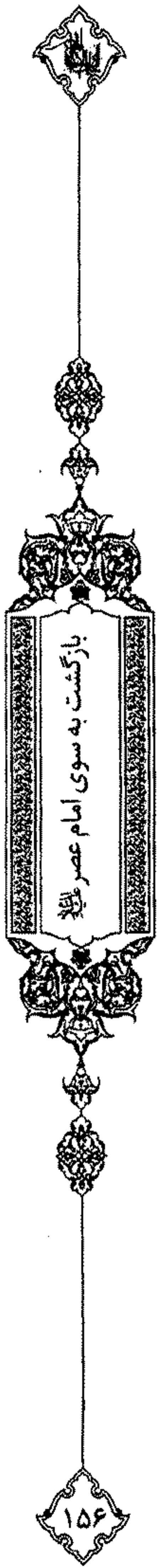
و شیطان آن‌ها را به بازی گرفته است تا انسان از فیض عظیم و  
فضیلت‌های بی‌شمار دعا کردن برای امر فرج مولا غافل شود.  
متأسفانه خیلی از محبین ولایت، کتاب‌های داستانی و مطالبی  
که هیچ اهمیتی برای آخرت ما ندارد به آسانی و از روی رغبت  
مطالعه می‌کنند ولی مطلب و کتابی را که مربوط به هدایت او به  
سوی ائمه دین و بهشت جاودانه است و دنیا و آخرت او را آباد  
می‌سازد کنار گذاشته و بدان بی‌رغبتی نشان می‌دهند.

اینان ادعای محبت و دوستی این خاندان را دارند در صورتی که  
این رغبت فقط به خیال خودشان محبت است، چون اگر ریشه  
دوستی‌اش معرفت به امام نباشد هر لحظه در معرض تیرهای  
زهر آگین شیطان قرار می‌گیرد، فرموده‌اند:

اول عبادة الله تعالى معرفة<sup>(۲)</sup>

اولین عبادت خدا، معرفت است.

یعنی فراگیری مطالبی که دل انسان را به سوی امام زمانش سوق  
بدهد. حقیقت شناخت همین است اما بدبختی این است که وقتی  
جناب عزرائیل به سراغمان آمد آن موقع است که می‌فهمیم چه  
بلایی به سر ما آمده است اما دیگر راه جبران بسته شده است؛  
حضرت امیر علیه السلام می‌فرمایند که همه مردم در خوابند آن موقعی که



۲. عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۴۹.

۱. سورة اعراف، آیه ۱۷.

حضرت عزرائیل به سوی آنها بیاید بیدار می شوند.

فاجعه و درد این جاست که خیلی از مقدّسین - آنهایی که اهل تقوا و عبادت و اعمال صالحه هستند و ایمانشان زبانزد مردم است - از این امر عظیم غافلند و هنوز الفبای انتظار را یاد نگرفته‌اند. اینان در همهٔ موارد دینی مثل رعایت حلال و حرام، دوری از گناهان کبیره و صغیره، رعایت مکروهات و ... پیشرفت کرده‌اند ولی متأسفانه به این مرحلهٔ اصلی دین نرسیده‌اند که برای خانهٔ ایمان و زهد و تقوای خویش سقفی به نام انتظار تهیه کنند و معلوم است منزلی که دارای سقف نباشد در معرض خرابی است و چنین خانه‌ای چون در معرض آفات آسمانی است هیچ سودی به حال صاحبش ندارد حتی اگر از میلیاردها دلار اشیاء زینتی پر شده باشد. با تأسف فراوان شیطان آنها را سرگرم همان مرحله از ایمان کرده و نگذاشته است که معنی انتظار را بفهمند و شاید هم این روایت گران بها به گوش آنها نرسیده است:

**افضل الاعمال انتظار الفرج.**<sup>(۱)</sup>

بافضیلت‌ترین اعمال انتظار فرج است.

وقتی می‌گوییم ای برادر مؤمن چرا در دعا کردن برای ظهور مولا سستی می‌ورزی، می‌فرمایند ای آقا ما در روز چندین بار بعد از نمازهای واجب دعای فرج (اللهم کن لولیک الحجة بن الحسن ...) را می‌خوانیم.

نه عزیز من، معنای خواستن چیزی بسیار مهم این نیست؛ تو موقعی پیش حق تعالی محترم و گرامی هستی و تقوای تو آن موقعی

شکل حقیقی خود را به دست می آورد و به حقیقت بندگی می رسد که دلت بشکند و با سوز دل، دست به دعا برداری و برای فرج مولایت دعا کنی و مخصوصاً باید در خلوت ها مانند شخصی دردمند و غصه دار باشی و با یادآوری صحنه های کربلا و ضرب و شتم و ظلم به حضرت صدیقه طاهره علیها السلام اشک ریزان باشی؛ نحوه حقیقت دعا برای ظهور این است.

خداوند متعال به حضرت عیسی خطاب نمود و فرمود: ای عیسی همانند انسان غرق شده و محزون و اندوهناکی که هیچ فریادرس و پناهی ندارد مرا بخوان و قلبت را بر من خاضع کن و در خلوت ها بسیار به یاد من باش و بدان که من از تملق و چاپلوسی مسرور می شوم - البته در حالی که توجه قلبی داشته باشی نه مانند مردگان بی توجه - تا صدای اندوهناک تو را بشنوم.

## رنگ و عطر انتظار

هر عمل و خیری که مؤمن انجام می دهد باید در جهت شناسایی حضرتش باشد و همگان باید عطر امام زمان علیه السلام را از آن عمل استشمام کنند و اگر امروز عمل عبادی و خیر شما رنگ و عطر انتظار داشت مقبول خواهد بود و دارای نمره عالی می شود؛ و این قدمی مهم به سوی امام علیه السلام است.

سؤال این جاست که اگر عمل صالحه رنگ مهدویت و عطر امام را نداشته باشد آیا نمره ممتازی پیش حق تعالی خواهد داشت؟

عصاره ولایت ائمه و پایان نامه و تکمیلی این دین، به انتظار مولا ختم می گردد و رسالت همه یک صد و بیست و چهار هزار پیغمبر برای معرفی نبی اکرم صلی الله علیه و آله بوده و رسالت پیغمبر ما به شناساندن ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و طبق





آیه: ﴿اکملت لکم دینکم﴾ اگر ولایت حضرت امیر علیه السلام به مردم معرفی نمی شد تمام زحمات پیامبر ما و پیغمبران گذشته بیهوده بر باد رفته بود.

فایده و چکیده ولایت یازده امام ما در جهت شناسایی و ختم و تکمیل نمودن دین خدا به وسیله ولی عصر علیه السلام و ظهور ایشان است پس هدف از خلقت یعنی امام عصر علیه السلام و زمان حکومت ایشان و همه انبیا و اولیا آمدند تا با تربیت نفوس، آرام آرام زمینه حکومت مهدی آل محمد علیهم السلام را آماده سازند. پس وقتی تمامی تلاش و همت انبیا در نهایت برای تحقق یافتن زمان ظهور بوده است، تو هم باید با تاسی از انبیا و امامان معصوم تلاش وافر داشته باشی و برای فراهم ساختن زمینه ظهور به اصطلاح تبلیغات فرهنگی انجام دهی. تبلیغاتی که عمده اش این عقیده را ترویج می کند: ارتباط قلبی شخص و جامعه با ولی عصر علیه السلام و این که هر عملی باید بهانه ای باشد برای ترویج نام آن حضرت؛ در تفسیر عبارت خیر العمل روایتی آمده است که می گوید: بر فاطمه و ولدها، بهترین کارها نیکی کردن به فاطمه علیها السلام و فرزندان او است.

چه کسی به جهت قداست و وراثت از امام عصر علیه السلام بالاتر و بهتر و نزدیک تر به حضرت فاطمه علیها السلام است و کدامین امداد و یاری و عمل نیک بهتر از نشر فرهنگ انتظار در غالب ارتباط دل با ولی حق و ترویج دعا برای فرج است و یاری رساندن به دوستان ایشان مخصوصاً سادات.

مؤمن واقعی آن است که همه اعمال را عطر انتظار بزند مثلاً در مراسم اعیاد و مصائب اهل بیت علیهم السلام پایان تبلیغ و بحث باید به مطرح نمودن مسئله انتظار ختم گردد؛ و به عنوان مثال عید غدیر بهانه ای باشد تا فرهنگ مهدویت بیان گردد و همه مراسم ها را می توان با

توسل به حضرات معصومین علیهم السلام و مدد خواستن از آنها به این شکل در آورد. حق تعالی به درون قلب ما نگاه می‌کند اگر راست بگوییم که خدایا می‌خواهیم برای حجتت تلاش کنیم، خدا هم عنایت می‌فرماید و زمینه تلاش را از همه جهت فراهم می‌سازد، چون خدا وعده داده و وعده او حق است.

اگر قصد زیارت قبور ائمه و امام زادگان را داریم درست است که در اصل عرض ادب و ارادت به این ذوات مقدسه است ولی این را بدانیم که مهم‌ترین هدف خود ائمه در زمان زنده بودنشان دعای فراوان و بادلی سوزان برای فرج مولای غریب بوده است.

به هر حال منظور این است که مؤمن به هر طرف که حرکت می‌کند هدف و نیت او در جهت شناساندن مولایش باشد تا به مقام منتظرین برسد؛ و امیدواریم که خدای تعالی ما را از گویندگان فضایل ایشان قرار دهد و یقتص آثارکم، آمین.

در نتیجه مؤمن اگر حتی صاحب عالی‌ترین عبادت و عمل خیر باشد اگر اکسیر انتظار به او نرسد مس و جودش به طلا تبدیل نمی‌شود و حتماً باید مسئله انتظار برای پایان و تکمیل عمل او وجود داشته باشد وگرنه با تمامی بزرگی اعمال، نقص کامل است زیرا: «افضل اعمال انتظار الفرج».

پس سر لوحه، بزرگ و سید هر عملی، انتظار است و اولین مرحله انتظار دعا کردن برای این امر عظیم خلقت است آن‌هم به صورت حقیقی؛ مثلاً اگر عزیز شما، مثل فرزند یا پدر، در زندان گرفتار باشد یا مریضی از عزیزان در حال مرگ باشد چطور دست به دعا بر می‌دارید و تضرع و اصرار می‌نمایید، در این مورد نیز می‌توان با یادآوری از مصیبت‌های روز عاشورا و ظلم و ستم‌ها به حضرت صدیقه علیها السلام و ...، از بیست و چهار ساعت فقط ۱۰ دقیقه در

خلوت، دل را در مصائب ایشان بسوزانید و چون اشک جاری شد یقیناً محل استجاب دعاست و مولایت را به وسیله دعا کردن یاری نما، هم چنان که مولایمان می فرمودند: یا جداه، هر صبح و شام در مصیبت گریانم و اگر اشکم خشک شود خون گریه می کنم؛ مؤمن با این عمل عظیمه، نور چشمی حضرت صدیقه علیها السلام می شود و به برکت این عمل عبادی توفیق ارتباط قلبی با حضرت ولی عصر علیه السلام ایجاد می گردد و به خاطر این نزدیکی، حق تعالی اعمال خیر و مهم را به دست او جاری می سازد.

### دفاع از حریم انتظار

و اما مسئله بسیار مهم، امتیاز دین و ایمان مؤمن به حساسیت و تعصب در دفاع از حریم «انتظار» است مثلاً اگر دیدید که در مجلس و محفل مذهبی برای ظهور و قیام مولایت کم دعا کردند و جودت در مقابل این بی توجهی آرام بود و اهمیتی قائل نشدی، بدان که در دینت صادق و حساس و دلسوزِ امام خویش نیستی بلکه ایمان تو دارای ضعف و نقص عظیمی است؛ اما اگر در چنین مجالسی حرف از مولایت نبود و یا حداقل در آخر مجلس برای فرج امام عصر علیه السلام یکی دو مرتبه آن هم خیلی بی اهمیت دعا کردند و تو انسان مؤمن از درون آتش گرفتی و غصه خوردی بدان که جودت رنگ ولی عصر علیه السلام را به خود گرفته است و در قبال آن باید شکر حق تعالی را به جا آوری و بهترین سپاس گزاری انفاق یا نشر آن عمل است؛ و غربت این بزرگوار به این است که شیعیان و طرفداران و داعیان ولایت که باید مصرّ و جدّی و فعّال باشند متأسفانه در امر دعا کوتاهی می کنند.

و باز هم غربت ایشان این است که ما مدعیان مذهبی از صبح تا شام در فکر مسائل مختلف رزق و روزی هستیم و محور افکار و فعالیتیمان مادیات است نه یاد مبارک ایشان؛ و اگر این مطلب را تصدیق نمی‌کنید دیروز خود را محاسبه کنیم چند بار دلمان به یاد این امام مظلوم افتاد و او را صدا زدیم.

شاید بعضی از بزرگان نظر به این مطلب داشته باشند که ما صبح تا به شام کارمان در جهت تعلیم خویش و انتقال علم به دیگران است و در این راستا فعالیت می‌کنیم؛ در این مورد عرضه می‌داریم که فراگیری علوم اهل بیت علیهم‌السلام و انتقال آن و تربیت افراد اگر بدان جا برسد که نتیجه و ختم و عصاره این معارف حقه به انتظار مولا پایان یابد این علم به کمال خود رسیده است و نمره عالی را کسب می‌کند، قبلاً نیز ثابت کردیم که همه اعمال بهانه‌ای است برای یاد امام هر زمان و امام حسین علیه‌السلام شناخت حق تعالی را به معرفت امام هر زمانی نسبت داده‌اند؛ اما اگر خدای ناکرده کلاس‌های دینی و محافل تعلیم و انتقال علوم اهل بیت علیهم‌السلام از یاد امام زمان علیه‌السلام و توجه به ایشان خالی باشد و نام این امام کونین در مجلس مطرح نشود همانند این است که شما درختچه‌ای را بکارید اما آن را آبیاری ننمایید، در این صورت اگر بر اثر کم‌آبی فرسوده گشت یقیناً میوه‌ای از خود به بار نمی‌آورد.

این آب، انتظار است و همه ذرات هستی و همه انبیا و ملائکه منتظر این آب رحمت هستند و تا این باران الهی نبارد همه موجودات در معرض نابودی قرار دارند و در زمان غیبت بر اثر نیامدن باران ظهور ولی الله اعظم، روز به روز به سوی فرسودگی و نابودی پیش می‌رویم؛ حق تعالی در قرآن می‌فرماید:

﴿فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ﴾<sup>(۱)</sup>

منتظر باشید که من نیز از منتظرانم.

و بدانید که لذت و شیرینی بحث‌های مهدویت باید آمیخته به اهمیت دعا برای فرج باشد و جامعه تشیع باید بدین طریق تربیت شود و تحقق و حرکت این عمل عبادی عظیم به سه عامل مهم بستگی دارد تا وجدان ما بیدار گردد:

الف: آگاهی از مصائب و رنج و غم‌های امام مظلوم در قالب مصیبت و ستم‌هایی که به اجدادش شده و بدعت‌ها و بی‌دینی‌هایی که بعد از رسول الله شروع شد و هم‌چنین غم و اندوه‌هایی که بشر بر اثر ظلمت دل از درک آن عاجز است.

ب: علم پیدا کردن به نعمت‌های عظیم الهی در همه ابعاد زمان ظهور که بهشت روی زمین خواهد بود.

ج: مد نظر داشتن فرمایشات معصومین علیهم‌السلام و اهمیت و تاکید فراوان آن بزرگواران در دعای فرج، آن‌گونه که در روایات متعدد و دعاها و زیارت‌ها این امر را بسیار بزرگ و واجب شمرده‌اند و مکرر فرموده‌اند که برای تعجیل در این امر الهی دعا کنید.

این دعا‌های مختصر و یا مفصل که از لسان معصومین علیهم‌السلام به ما رسیده، در مفاتیح و مخصوصاً کتاب شریف و گران‌بهای صحیفه مهدیه که به ولی عصر علیه‌السلام اختصاص دارد نمایان‌گر است.<sup>(۲)</sup>

۱. سوره اعراف، آیه ۷۱.

۲. این کتاب شریف که مجموع دعاها و زیارت‌ها و بعضی تشرفات حقیقی در آن

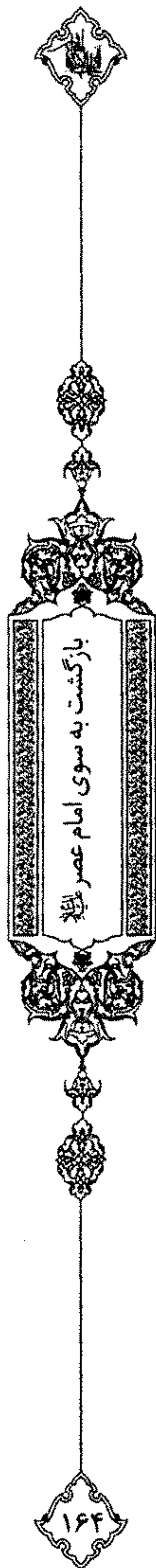
جمع‌آوری شده است حقیقتاً بی‌نظیر و با اهمیت است؛ و مخصوصاً در این عصر غیبت و علیه‌السلام

## آزمایش بزرگ و دعا

آن موضوعی که حق تعالی و ائمه اطهار علیهم السلام بر آن تاکید فرموده‌اند و به عنوان یک آزمایش بزرگ معرفی شده است همانا غیبت امام عصر علیه السلام است و بخش عمده این آزمایش به این است که مؤمن تا چه اندازه‌ای برای رسیدن به لقای امامش به صورت جدی تلاش و کوشش می‌کند و برای برطرف نمودن موانع و مستعد ساختن زمینه برای ظهور قدم بر می‌دارد و برای آمدن مولایش چه قدر مصراانه و با تضرع دعا می‌کند و خواسته امام خویش را بر حاجت خود مقدم می‌دارد تا به جایی برسد که خود را نبیند و فقط یک چیز را بزرگ پندارد و بدین طرز تفکر جامعه عمل بپوشاند تا به مقام بندگی و عبودیت برسد.

چون چنین شد اولین و بهترین گام به سوی معرفت الله و محبت برداشته شده است و آرزوی امام خود و اجداد طاهرین اش و تمامی انبیا و ملائکه را بر آرزو و خواسته خود مقدم داشته است و در واقع آرزوی همه آنها همان هدف خلقت و ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام است.

این اولین مرحله ایثار در مقابل دین خداست و از شرایط حتمی و مهم دوستی با ائمه اطهار علیهم السلام از خودگذشتگی و خویش را ندیدن است و شیعه هر زمانی در مقابل امام خود تکلیف خاصی دارد: - یک روز از ثروت فراوان باید گذشت مثل حضرت خدیجه علیها السلام و بعضی اصحاب ائمه اطهار.



- یک روز مثل عاشورا باید هم از جان و هم از مال گذشت .  
- و امروز تکلیف و ایثار مؤمن ، دعا کردن برای امر ظهور است .  
هر چه دوستی و شناخت بیشتر گردد خواسته شخص  
کوچک تر و بالاخره محو می شود و خواسته محبوب نزد او  
بزرگ تر می شود و تمام همت و اصرارش برای او خواهد بود . اگر  
غیر از این باشیم در شناخت و مودت ناقص و مقصریم و باید در پی  
اصلاح این امر عظیم باشیم .

دعا در تعجیل فرج مغایرت با دعا کردن برای حوائج مشروع و  
طلبیدن خیرات و برکات ندارد ، اما اگر نتوانیم خود را در دعا محو  
کنیم باید لا اقل از هر ده دعای مشروع هشت تای آن را به امام  
خویش اختصاص دهیم و به آن اصرار و استغاثه کنیم و بدانیم که  
اگر این دعاها برآورده شود بی شک بقیه دعاها ایمان به اجابت  
خواهد رسید و اگر هم بنابر تقدیر الهی برآورده نشود در روان شدن  
دعاهای دیگر مان تأثیر دارد .

شکی نیست که هرچه محبت و علاقه انسان به مطلوب خود  
شدیدتر باشد در طلب آن مطلوب بیشتر کوشش می نماید ، هرچه  
دعا و تلاش در این عمل عظیم و بلند مرتبه کم و ضعیف باشد یقیناً  
از کمی علاقه و قلت معرفت است و در واقع این عمل ، محک ایمان  
است .

باید دانست که دعا بهترین شیوه اظهار محبت و ارادت به مولا  
است و انگیزه دعا نوعی هم دردی با امام زمان علیه السلام است و یکی از  
نشانه های دوستی ، اظهار سخن هایی است که باعث تسلی و آرامش  
قلب غم دیده و مصیبت زده می شود و با این عمل اظهار هم دردی و  
دوستی نموده ایم ؛ و امروز وسیله آرامش بخشیدن به دل مجروح  
امام عصر علیه السلام - که بر اثر مصائب اجدادش پاره پاره است - یاد آن ایام



و ذکر آن مصیبت‌ها است، تا زمانی برسد که آن حضرت در لباس منتقم، به امر الهی جامه عمل بپوشاند.

انتقام گرفتن و قصاص یکی از راه‌های مهم آرامش شخص مظلوم و ستم‌دیده است و اگرچه می‌دانیم که این بزرگواران بر اثر رأفت و مهربانی، در مورد دشمنانشان مثل ابن ملجم و غیره، جملات بسیاری را که حاکی از گذشت بوده است بر زبان آورده‌اند اما تمامی انبیا و شیعیان، منتظر روز انتقام هستند و اوست که در برابر غاصبین و منکرین ولایت شدیدالعقاب است.

بخشی از این روز الهی به دعای ما بستگی دارد که تا چه اندازه حکومت توحید را خواستار باشیم و بدانیم که هیچ واقعه‌ای بجز زمان ظهور، دل‌های زخم‌دیده مخدرات حاضر در کربلا و اشک‌های کودکان و زنان آن روز را به فرح و شادی تبدیل نمی‌کند و رسیدن به آن عصر طلایی به خواسته ما بستگی دارد، قرآن می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾ (۱).

ما [سرنوشت] هیچ قومی را تغییر نمی‌دهیم مگر آن‌که به دست خودشان سرنوشتشان را عوض کنند.

سؤال این جاست که با دعای زیاد و مقدم داشتن و ترجیح دادن امام بر هر حاجتی آیا شیاطین و دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام خوشحال می‌شوند یا محزون و پریشان حال؟ مسلماً طبق روایت و عقل سلیم زمان ظهور زمان مرگ شیطان و غاصبین و ناصبین است و تمامی نقشه‌ها و حربه‌های شیاطین بر این است که هیچ مؤمنی به دعا کردن برای امر مولایش موفق نشود.

بازگشت به سوی امام عصر علیه‌السلام



سؤال دیگر: اگر همه همت و دعاها فقط درباره ولی عصر علیه السلام باشد آیا ائمه اطهار علیهم السلام و انبیا و ملائکه و همه ایمان آورندگان بلکه تمامی موجودات هستی خوشحالی می شوند، یا غمگین؟ یقیناً هیچ سرور و خوشحالی برای آنها مانند این عمل صادقانه نیست، زیرا آن روز آمال و آرزوهای همه مخلوقات آسمانی و زمینی به تحقق می رسد و آن روز زمان انتقام از دشمنان ائمه دین و رسیدن به نعمت های شگفت انگیز می باشد که فرموده اند: زمان ظهور، پیدایش همان بهشتی است که آدم و حواء در آن زندگی می کردند. ظهور ولی عصر علیه السلام، زمان ظهور معرفت هاست و آشکار شدن حقیقت انوار محمدیه صلی الله علیه و آله و رسیدن به توحید و بندگی بدون کم ترین نقص، چون همه حقایق از لسان الله جاری خواهد شد و تربیت نفوس به سوی تعالی و ترقی به اشاره و اراده ولی حق انجام می گیرد و آن، روز ظهور نعمت هایی است که از حد و احصای بیرون است.

و بدانید کم رنگ بودن مسئله انتظار در مؤمن نشانه عدم معرفت و ایمان و نداشتن آگاهی از خصوصیات زمان ظهور است؛ ما اگر بدانیم که دوران ظهور چه روزگار عجیب و شگفت آوری خواهد بود شب و روزمان به تلاش در این امر الهی خواهد بود. آن روز، روزی است که امام علی می فرمایند:

هاه - اوماً بدیه الی صدره - شوقا الی رویته. <sup>(۱)</sup>

آه - و با دستش به سینه اش اشاره می کرد - چه قدر به دیدار او

(حضرت مهدی) مشتاقم.

حضرت صادق علیه السلام نیز می فرمایند:



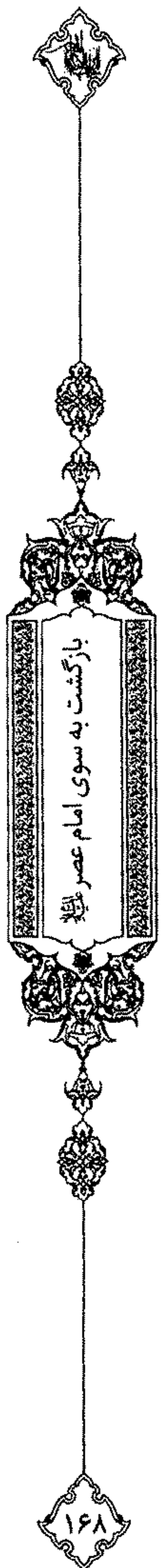
## لو أدركته لخدمته أيام حياتي. (۱)

اگر من زمان او را درک نمایم در تمام دوران حیاتم به او خدمت می‌کنم.

این ندای درونی شخص است که برای دعا اهتمام ندارد و بود و نبود ظاهری امام، سلطنت و سیطره آن حضرت و ظهور یا غیبت ایشان در عالم فرقی برایش ندارد. اگر احساس نیاز و فقر و ظلمت و بیچارگی بکنیم و قلب‌هایمان برای مصیبت‌های اجدادش و دل مجروحش بسوزد باید او را صادقانه و مصرانه خواستار باشیم و به یک بار و دوبار دعا کردن - آن هم بای بی توجهی - اکتفا نکنیم.

اما اگر حقی از امام علیه السلام بر ما واجب گردد کم‌ترین ادای این حقوق الهی و آسان‌ترین عمل، این است که قلب را در طول روز چندین مرتبه به یاد امام زمان علیه السلام مجبور سازیم و او را تربیت کنیم و با گفتن و متوجه ساختن دل به کلمه مقدس یا صاحب الزمان زمینه وارد شدن به وادی حقوق امام را به اندازه بسیار جزئی فراهم سازیم و از برکت و نورانیت این اسم شریف صاحب اعمال صالحه و دافع رذایل اخلاقی شویم و به خاطر این اسم عظیم الهی اولین گام را در جهت ادای حق امام علیه السلام - که همانا اهتمام ورزیدن به دعا‌های فراوان برای امر ظهور است - برداریم.

به خاطر این دو عمل بسیار عظیم و خالص یعنی یاد امام زمان علیه السلام و دعا برای آن حضرت تمامی خیرات و برکات بر مؤمن نازل می‌شود و تمامی بلاها و خبائث و زشتی‌ها از شخص دعاکننده دور می‌شود و اگر حق امام که کمترینش این دو عمل است ادا نگردد



بازگشت به سوی امام عصر علیه السلام

باید منتظر عذاب و بلا در همین دنیا باشیم و در آخرت در گروه زیانکاران بوده و در جایگاه‌های عذاب معذب خواهیم بود.

هر کسی بخواهد می‌تواند محبت خود را بسنجد مثلاً در مجالسی که در مورد ولی الله اعظم صحبت نمی‌شود اگر خیلی ناراحت شدی معلوم می‌شود که بذر محبت در دل تو کاشته شده است. ائمه اطهار علیهم‌السلام وقتی می‌بیند کسانی که داعیان و سرداران مکتب تشیع هستند در این امر عظیم کاهلند خیلی رنجیده خاطر می‌شوند؛ ما در ادنی مرتبه ظلمت دنیا هستیم و ائمه در اعلی مرتبه نورانیت، بلکه فوق نور هستند و همتا ندارند؛ اینان این غم کوتاهی مؤمنین را چه قدر سنگین احساس می‌کنند. حال دانستی غربت امام عصر علیه‌السلام یعنی چه؟

دعا نکردن برای صاحب دین و ایمان مانند زمینی است که هرگاه از آب دور شد همه ساکنان خود را از تشنگی هلاک می‌سازد؛ یعنی عملی که عطر انتظار نداشته باشد در معرض نابودی است.

### سلاح مؤمن

این روایت از امام رضا علیه‌السلام در مورد اهمیت دعا نقل شده است:

الدعا سلاح المؤمن و عماد الدین و نورالسموات و الارض<sup>(۱)</sup>

دعا اسلحه و ابزار کار مؤمن و ستون دین او و روشنی آسمان‌ها و زمین است.

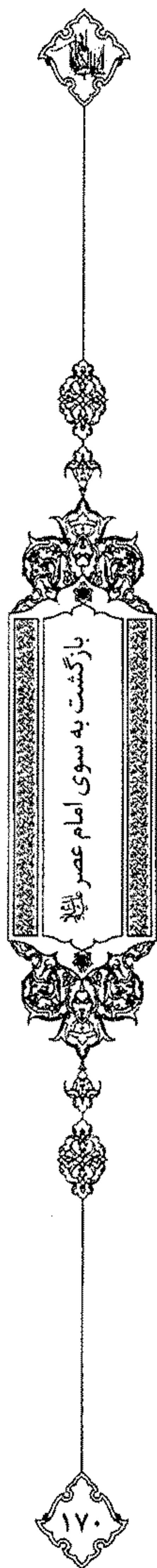
دعا کردن برای هر چیزی که باعث تقرب و دفع مشکل و رفع گناه شود بسیار خوب است؛ و نیز امر فرموده‌اند که دعا کنید ولی آن

کدامین دعا کردن است که آسمان‌ها و زمین را نورافشانی می‌کند. شکی نیست که آن دعا که ستون دین است خواسته‌های مادی نیست بلکه احتمالاً دعا نمودن برای حوائج امام وقت است که صدر حوائج همه انبیا و اولیا است و همانا حاکمیت خداست که در زمان ظهور حکومت مطلقه الهی اجرا می‌گردد و اگر این‌گونه دعا نمودی دینت دارای ستون‌های بسیار استوار و قوی خواهد بود و آن ستون‌ها، انتظار مهدی موعود است.

و بدان که هیچ چیزی آن قوت و توانایی را ندارد که آسمان‌ها را روشن نماید مگر عملی که در مورد ولی حق شروع شده باشد و از نقطه شروع که زمین است در حال سیر به آسمان‌ها باشد و در امتداد این راه که به آسمان هفتم ختم می‌گردد همه را نورافشانی می‌کند و باید دعایی باشد که در مورد امام همان زمان باشد.

دعا سلاح مؤمن است و هیچ سپر و سلاحی در برابر شیطان مانند دعا نمودن برای حاجت امام زمان علیه السلام و یاد ایشان در دل نمی‌تواند قوی باشد و با وجود این حربه، هیچ یک از سلاح‌های شیطان مثل وسوسه، حرص، شهوات، کم‌عقلی، زشتی اخلاق، رذیله و ... نمی‌تواند با آن مقابله کند، چون سلاح مؤمن فوق سلاح شیطان است.

یدالله فوق ایدیهم یعنی دست خدا فوق همه دست‌هاست، پس بدان همه دعاها خوب است ولی آن دعایی که این قدر قوی است و دین بر آن استوار است و آن چنان نوری که آسمان‌ها و زمین را روشن می‌کند و سلاحی که هیچ دشمنی از انس و جن نمی‌تواند در برابرش بایستد دعایی نیست مگر در جهت برآورده شدن خواسته محبت حق و آرزو و خواسته ولی حق و تحقق حکومت الله بر دل‌های غفلت‌زده زمین. البته از ده‌ها شرح و تفصیل از این روایت، تنها یک بُعد از این سخن زیبای امام را عرضه نمودیم.



یکی از عواملی که می‌تواند انسان‌ها را به دعا و سپس اندیشه و مداومت در دعای فرج سوق دهد این است که انسان خودش را به جایگاه محبوبش نزدیک کند.

اگر عزیزی از ما در زندان گرفتار شود و یا محبوبی در حال مرگ باشد چطور شب و روز با آه و ناله به درگاه حق تعالی عاجزانه و با گریه‌های فراوان راه نجات را می‌طلبیم، حال اگر واقعاً دل ما بر آن ابدان تکه‌تکه شده در کربلا بسوزد و اسیری آن کاروان آواره در صحراها را با تمامی مصائبشان به مقدار جزئی احساس کنیم، باید برای رهایی از غم و اندوه آن‌ها، برای قیام منتقم فراوان دعا کنیم.

اگر برای این موضوع خاص زبانی دعاگو نداریم دلیلش این است که آن مصیبت‌ها هنوز قلب ما را نسوزانده است، زیرا حضرت صدیقه علیها السلام که مادر ما نیست تا بفهمیم درد پهلو ورم کردن بازو، ضرب سیلی و استخوان شکسته سینه یعنی چه؟! و اگر این مظلومه عزیز ما بود می‌دیدیم که ایشان در زیر دست و پا و لگد دشمنان و نامحرمان، نیمه جان به روی زمین افتاده و نگاهش را به نگاه همسر دست بسته‌اش دوخته است و در آن خیرگی ندای مظلومانه‌اش به قلب مجروح حضرت امیر علیه السلام می‌رسد؛ و حضرت علی علیه السلام با آن که به جسم زنده بود اما همان لحظه در شدت این صحنه دلخراش جان سپرد؛ و اگر امام حسین علیه السلام از کسان و عزیزان ما بود هزار و اندی ضربه تیر و شمشیر و مصائب ایشان را درک می‌کردیم و حتماً برای انتقامش چاره‌ای می‌جستیم.

ای برادر عزیز، اگر غیرت ولایتی و تعصب و وجدان شما از این سخنان رنجیده شد، بیایید تا با اصلاح اندیشه و با تفکر صحیح از خدای تعالی توفیق دعا کردن را بخواهیم و خواسته امام خویش را بر حاجت خویش ترجیح بدهیم و در محبت، جوانمرد باشیم.

## قرآن و محبت اهل بیت علیهم السلام

ولایت و عظمت ائمه علیهم السلام و مذمت دشمنان ایشان - از باطن و حقیقتی که پوشیده از مردم است - با تفاسیری که از لسان معصومین علیهم السلام صادر شده است آشکار می شود و مؤمن به هر آیه ای که دقت می کند نشان از محبوب خود می یابد، این که عرض می نمایم هر آیه، به این دلیل است که تا به امروز توانسته اند حدود سیصد آیه فقط مختص به ولی عصر علیه السلام بیابند، اما چون نور ولایت در مانیست آیه را به ترجمه ساده اش می نگریم، حال آن که آگاهی به باطن و حقیقت آیه ها فقط از لسان معصوم علیهم السلام امکان پذیر است ولی ما در پی آن نیستیم تا به حقایق قرآن که سراسر از شأن و عظمت آل محمد علیهم السلام است آگاه شویم.

قرآن نازل نشده است مگر برای شناساندن مقام و مرتبه اهل بیت علیهم السلام و تمام آیات قرآن در مدح، عظمت و شأن این ذوات مقدسه است و به باطن قرآن که سراسر ولایت و معرفت به نورانیت این انوار مقدسه است ابتدا نزد انبیا و سپس شیعیان خاص - مثل رجال الغیب، اوتاد، نقبا و ... - مفتوح و قابل فهم است.

آن جا که در قرآن اشاره به خیر و نیکویی می نماید مربوط به خاندان وحی است و آن جا که از خباثت می گوید مختص به دشمنان این خاندان است.

در کتاب *تأویل الآیات* از داود بن کثیر نقل شده است که گفت به امام صادق علیه السلام عرض کردم: آیا مقصود از نماز، زکات و حج در کتاب خداوند تبارک و تعالی شما هستید؟ فرمود:

ای داوود! مقصود از نماز، زکات، روزه، حج، مکه، کعبه و قبله در کتاب خداوند ما هستیم و وجه خداوند ما هستیم آن جا که

فرموده است :

به هر کجا روی آورید آن جا وجه خداست و مراد از آیات و بینات یعنی نشانه‌ها و دلایل ، ما هستیم. و مقصود از زشتی ، بدی ، ستم ، شراب ، قمار و آنچه به غیر خداوند برای پرستش برافرازند و چوب‌های قمار و انواع بت‌ها که در جاهلیت آن‌ها را پرستش می‌کردند و مردار و خون و گوشت خوک در کتاب خداوند تبارک و تعالی ، دشمنان ما هستند. (۱)

مثل اهل بیت علیهم‌السلام در قرآن به دریای بی‌پایانی می‌ماند که مایه اصلی و بود و هست و همه وجودش به آب وابسته است ؛ در واقع اگر با نور ولایت بنگری ، می‌بینی که آن آب همانا محمد و آل محمد علیهم‌السلام است که سراسر قرآن را فراگرفته است .

مشکلات اغلب مؤمنین این است که به تفاسیری که از روایات معصومین به دست آمده است رجوع نمی‌کنند و یا تدبر و تعقلی در آیات ندارند. پیامبر گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند :

خیری نیست در خواندن قرآن که در آن تدبر نباشد. (۲)

درد این جاست که قرآنی که همه آیات آن را محمد و آل محمد علیهم‌السلام فراگرفته است و باعث ایجاد معرفت و محبت می‌شود و با تدبر و اندیشه ، انسان را به رشد و قرب الی الله می‌رساند و وسیله‌ای است که می‌باید خضوع و فروتنی در برابر بزرگی و شأن آل الله را به ما تعلیم دهد متأسفانه امروزه مورد استفاده خوش صوتی قرار گرفته است و کار به جایی رسیده است که دیگر حتی توجهی به ترجمه سطحی آن نیز نمی‌شود و فقط اهتمام به آن است

۱. بقية الله خير لكم به نقل از تفسیر برهان ، ج ۱ ، ص ۲۲.

۲. بحار الانوار ، ج ۷۸ ، ص ۷۵.



که صوتی زیبا و دلنشین به سمع دیگران برسد.

متأسفانه افتخار ما این شده است که روز و شب خویش را صرف بهتر خواندن متن عربی آن می‌نماییم و سعی می‌کنیم آیه‌ها و سوره‌های آن را حفظ نماییم، در صورتی که قرآن برای این موضوع نازل نشده است و هدف از نزول قرآن این بوده است که خلق خدا به سوی شناخت حق تعالی هدایت شوند و طبق فرمایش امام حسین علیه السلام معرفت به حق تعالی یعنی معرفت به امام هر زمانی و همه خیرات و پاکی‌ها و برکات ناچاراً باید به دنبال این معرفت بر مؤمن نازل شود.

هدف مؤمن از خواندن قرآن این است که به دنبال دُرهای گران‌بها و بی‌نظیر فضایل ائمه علیهم السلام از اقیانوس بی‌پایان این کتاب آسمانی باشد.

ای برادر، بدان که شرایط عالی و زیبا نزد حق تعالی آن موقعی است که یک قاری شیعه با صوتی دلنشین و ملکوتی، قرآن را با آوای بلند بخواند و سعی در حفظ آن آیات کریمه داشته باشد، اما در کنار این دو حتماً و الزاماً تفسیر آیه‌هایی را که از لسان معصومین علیهم السلام رسیده است فراگیرد و در آن‌ها تدبری داشته باشد، سپس با خضوع در برابر فضایل نورانی و منزلت ائمه اطهار علیهم السلام سیر الی الله را طی کند.

به امید آن روزی باشکوه که گرداگرد مولایمان باشیم و حقایق قرآن آشکار و عملی گردد؛ همگی ما به امید روزگار رهایی، چشم به راه دوخته‌ایم.

به امید شنیدن صدای دلربای انا بقیة الله...

اللّٰهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ وَالْعَافِيَةَ وَالنَّصْرَ، واجعلنا من أعوانه و  
أنصاره.

بازگشت به سوی امام عصر علیه السلام



## فهرست عناوین

پیش‌گفتار ..... ۵

### «فصل اول»

#### آثار یاد امام زمان علیه السلام و ارتباط و توجه قلبی به آن حضرت

- بررسی فضایل و برکات نام مبارک صاحب‌الزمان علیه السلام در درون  
مؤمن و در جامعه ..... ۹
- ظهور اسماء الله ..... ۲۰
- توسل، رفع مشکلات و برآورده شدن حاجات ..... ۲۶
- دنیای بدون غم و اندوه ..... ۲۷
- غفلت از یاد امام علیه السلام علل نزول بلا ..... ۳۰
- عطایای کریمانه ..... ۳۳
- اشتغال به دنیا، فاصله با امام زمان علیه السلام ..... ۴۱
- ذکر امام علیه السلام باعث گشایش و نجات ..... ۴۵

### «فصل دوم»

#### ولایت، رمز معرفت

- سپاس‌گزاری از نعمت عظمای ولایت ..... ۵۳
- شناخت مقامات امام معصوم علیه السلام ادای حق آنان است ..... ۵۶
- زیارت یا تجدید پیمان با قبور ائمه علیهم السلام ..... ۶۹
- صلوات و اثرات آن ..... ۷۰
- قوم بنی‌اسرائیل و امر ولایت ..... ۷۳
- هیچ راهی بجز توسل به معصومین علیهم السلام وجود ندارد ..... ۷۶

**«فصل سوم»**  
**معرفت به نورانیت**

۸۶	معرفت امام <small>علیه السلام</small> .....
۹۱	معرفت به خدا، اسماء و صفات .....
۹۹	تعریفی از توحید صفات .....
۱۰۰	تعریفی از توحید افعال .....
۱۰۴	معصومین: واسطه کل فیض الهی .....
۱۰۹	جهان در محضر امام معصوم <small>علیه السلام</small> .....
۱۱۳	مشاهده حق تعالی .....
۱۱۷	خلقت نوری .....
۱۲۲	مقام بشری پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> .....
۱۲۵	مظاهر صفات الهی .....
۱۳۲	سرچشمه برکات .....
۱۳۹	محور اعمال بندگان .....
۱۴۰	فاطمه <small>علیها السلام</small> محور خلقت .....

**«فصل چهارم»**  
**آثار انتظار**

۱۴۹	ناله انتظار .....
۱۵۰	انتظار و دعا .....
۱۵۵	فرهنگ ترویج دعا برای فرج .....
۱۵۸	رنگ و عطر انتظار .....
۱۶۱	دفاع از حریم انتظار .....
۱۶۴	آزمایش بزرگ و دعا .....
۱۶۹	سلاح مؤمن .....
۱۷۲	قرآن و محبت اهل بیت <small>علیهم السلام</small> .....

